

مجله مسائل بین المللی

مجله " مسائل بین المللی " که هر دو مامیکبار انتشاری یابد
به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کارگری
اختصاص دارد .

مندرجات این نشریه از بین مقالات مجله " مسائل صلح
وسوسیالیسم " که منعکس کننده نظرات و اندیشه های احزاب
کمونیست و کارگری جهان است انتخاب و ترجمه میشود .
در این شماره منتخبی از مقالات شماره های سوم و چهارم
سال ۱۹۶۳ مجله " مسائل صلح وسوسیالیسم " بچاپ
رسیده است .

دیالکتیک در سیاست

گوتتر هیدن و

آلفرد کوزنیک

پروژه های اساسی اجتماعی در دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم، بطور عینی، ملل جهان را بیش از پیش به عرصه سیاست فعال میکشانند. • بانوجه بخطر جنگ هسته ای و عواقب محتمل آن میتوان گفت که اکنون تمام موجودیت تمدن بشری بفرهنگ واقعی کفنه وابسته بدرجه اتحاد نیروهای خلق برای مبارزه سیاسی علیه امپریالیسم و ملیتاریسم، علیه جنگ اتمی، برای مبارزه در راه خلع سلاح عمومی و کامل و تأمین صلح جهانی است.

دیالکتیک گذار از آخرین جامعه طبقاتی آنتاگونیستی به اتحاد و یگانگی و افعال انسانی در زیر درفش سوسیالیسم و کمونیسم دارای ویژگیهای بسیار است. • این دیالکتیک تکامل اجتماعی، که موجودیت عینی دارد بنیاد تعالیات احزاب کمونیست و کارگری را تشکیل میدهد.

دیالکتیک - سیاست احزاب - برادر بر پایه قوانین اساسی تئوری مارکسیسم - لنینیسم استوار است و این قوانین را رهنمون قرار میدهد. • ضمناً "روح" زنده فعالیت سیاسی، دیالکتیک ماتریالیستی است که انطباق خلاق آن بر شرایط و موضوع و احوال مشخص موجبات لازم را برای پایه گذاری علمی سیاست و احراز موفقیت در عملی ساختن آن فراهم میسازد. • اسلوب (متد) دیالکتیک به حزب امکان

سیاست علمی است
میدهد برای رسیدن به هدف سمع صحیحی مطابق با مضمی سیاسی عمومی در پیش گیرد و تمنایدون آنکه هدف مطلوب را از نظر دور دارد، اسلوب ها، وسائل و اشکال مبارزه سیاسی را، بانوجه بشریابط مشخص که غالباً با سرعت زیاد تغییر میکنند، عوض کند. • بطوریکه تجربه نشان میدهد تعیین صحیح هدف بمشنگهای کافی نیست. • حزب علاوه بر این باید بتواند راه رسیدن بهدف را نیز بطور مشخص تعیین کند و توانائی را که کام بگام در این راه پیش میآید در حد و دیکه ضرورت اقتضا میکند، بانجام رساند. • لازمه این کار داشتن حد اعلائی نرمش هم در تفکر وهم در عمل است و چنین نرمشی را فقط از راه بکار بستن پیگیر اسلوب دیالکتیک میتوان بدست آورد. • اولی این مطلب تنها وابسته به دانائی نیست بلکه بهمان درجه مستلزم توانائی و استادی رهبری سیاسی کشورهای سوسیالیستی و احزاب سیاسی نیز هست.

دیالکتیک ماتریالیستی، بعنوان اسلوب سیاست، با احزاب کمونیست و کارگری امکان میدهد در هر اوضاع و احوال تاریخی مسئله شرایط عینی سیاست انقلابی را بنحو خلاق مطرح سازند و بدینسان از دکامتیسیم، سوپرکتیویسم و ولونتاریسم (۱) در برخورد با پدیده ها و پروژه های واقعیت اجتماعی بهره یزند. • اسلوب دیالکتیک توجه احزاب کمونیست و کارگری را مقدم بر هر چیز به قوانین عینی که پایه تکامل اجتماعی را

(۱) - نظریه ایدئالیستی که برای اراده انسانی نقش قاطعی را در تکامل جهان قائل است و قانون عینی و جبر و ضرورت را در طبیعت و در جامعه نفی میکند. • (مترجم)

تشکیل میدهند ، به تجربه توده مردم و به پیوند یک مسائل مستقیم سیاست روزمره بآینده ه مبارزه پیدا میکنند ، معطوف میدارد . ششمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان که در ژانویه سال ۱۹۱۳ تشکیل شد بر اساس تحلیل جامع و مشخص تناسب کتونی تواریحی بین الطلی و در مسای اخیر مبارزه حاد بین سوسیالیسم و امپریالیسم و مبارزه در راه صلح بارد یگراهیت حیاتی اعلامیه های جناسات شماره سالهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۰ نمایندگان احزاب برادر را سلم ساخت . در این اعلامیه ها خاطر نشان میگردد که مبارزه در راه همزیستی مسالمت آمیز وظیفه عمده مشترک همه احزاب کمونیست و کارگری و در عین حال شرط لازم پیشروی هر چه سریعتر سوسیالیسم و کمونیسم است .

دیالکتیک منشا هرتون پدیده اجتماعی ، نیروهای محرکه هر از گانیم اجتماعی تضاد های تکامل اجتماعی را که برای دوران گذار سرمایه داری به سوسیالیسم ، هم در کشورهای جداگانه هم در مقیاس جهانی حاضر اهمیت خاصی است بر ما آشکار میماید . تضاد های آناتونیستی و غیر آناتونیستی موجود در این دوران در یکدیگر تاثیر خاصی میبخشند و در نتیجه این امر در معرض تغییرات معینی قرار میگیرند . تحلیل تضاد های تکامل اجتماعی در این کتونی برخورد ویژه ای را ایجاد میکند و این کار بسیار غریب است زیرا در هر کشور نیز در مناسبات بین دو سیستم جهانی خصوصیات وجود دارد که قوانین دیالکتیکی عام تکامل اجتماعی در آنها بصورت مشخص تجلی میگردد .

اسلوب دیالکتیک در سیاست خواستار آنستکه حیات واقعی اجتماعی و هر پدیده تازه ای که در آن بوجود میآید بدقت مورد تحلیل قرار گیرد و در فعالیت سیاسی در نظر گرفته شود . اگر احزاب کمونیست و کارگری نیروی عظیم شکست ناپذیر دارند ، اگر اتحاد شوروی در مداخلات کمونیسم و کشورهای دیگر موفقی بوده ای در مداخلات سوسیالیسم بکار مایه های بی پای نائل میشوند درست بعلمت شناسائی و بکار بستن قوانین عینی تکامل اجتماعی است که یکدیگر دیالکتیک ماتریالیستی مکشوف میگردد .

اسلوب دیالکتیک ، که واقعیت عینی را بعد حرکت خود قرار میدهد ، بصورت برخورد علمی بواقعیت عینی بصورت اسلوب پژوهش اصیل و بصورت اسلوب سیاست ، که آگاهانه از طرف افراد بکار میرود ، تجلی میگردد .
لنین ضمن تعریف عناصر گوناگون دیالکتیک که مجموعه آنها محتوی اسلوب دیالکتیک را تشکیل میدهد عینیت در بررسی ملاحظه کرده است . تعریف لنین در باره این بعد اصلی حرکت اسلوب دیالکتیک چنین است :
* عینیت در بررسی (نه امثله ، نه حاشیه و گریز از مطلب ، بلکه خود شیئی) * (کلیات آثار ، جلد ۲۸ ، ص ۲۱۳)

مشخص بودن -

یکی از مهمترین خصوصیات انطباق اسلوب دیالکتیک بر سیاست آنستکه تحلیل مشخص شرایط عینی تاریخی در ارتباط با فعالیت آگاهانه انقلابی توده مردم ، طبقه کارگر ، احزاب آن انجام میگردد و جواب ذهنی مبارزه را با جواب عینی پیوند میدهد .

است

کمونیست ها بکرات خاطر نشان ساخته اند که سیاست از خود مطلق عینی خاصی دارد ، ولی از آنجاکه کمونیست ها طرفدار مسیر خود بخودی نیستند ، هیچگاه باین امر اکتفا نکرده اند و بر عکس تمام سعی خود را برای برانگیختن ابتکار و نیروی انقلابی توده مردم و فشردن صفیق آنان در برابر امون نیروی عمده اجتماعی دوران ما یعنی طبقه کارگر بکار برده اند تا بدینسان نیروی عظیم مطلق عینی سیاست و فعالیت آگاهانه توده ما بصورت یک واحد جدائی ناپذیر برای مبارزه در راه پیشرفت اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد . برای آنکه اسلوب دیالکتیک بد رمتی در سیاست بکار بسته شود شرط حتمی آنستکه احزاب کمونیست و کارگری در فعالیت خود واقعیت عینی و آگاهی انقلابی را با هم پیوند دهند .

دیالکتیک بعنوان اسلوبی که باید پدیده های عینی و نتایج و پروسه های حیات سیاسی جامعه توافق کاملی دارد به احزاب مارکسیست - لنینیست امکان میدهد تکامل اجتماعی را در خطوط کلی آن پیش بینی کنند . پیش بینی علمی عینی است بر تشخیص دقیق پروسه تکامل اجتماعی ، پروسه ای که در کلیات خود تابع قوانین

عینی است (بهمین جهت تکرار پذیر است) ولی در جزئیات خود یکبار بیشتر انجام نمیگردد و تکرار پذیر نیست، زیرا شرایط مشخص سرعت در تغییر است و هر بار با شرایط سابق متفاوت است. اطلاع از قوانین تکامل جامعه با امکان میدهد سمت عمومی تکامل، گرایش تکامل، نقش و رفتار محتمل مهمترین نیروهای اجتماعی را با اطمینان معین کنیم و این امر برای تنظیم استراتژی و تاکتیک سیاسی صحیح عامل قاطعی است.

ولی این امر بختهای کافی نیست. معرفت کلی بر دیالکتیک هیچگاه جای پژوهش شرایط مشخص را - نمیگیرد، همانگونه که تعریف کلی ماهیت امریالیسم برای تعیین وسائل و اسلوههای مشخص مبارزه علیه امریالیسم در شرایط تاریخی معین و در یک دوره معین بهیچوجه کافی نیست. لنین در اثر مشهور خود موسوم به "نامه‌های درباره تاکتیک" نوشته است: "مارکسیسم از ما میخواهد که متناسب با قوای طبقات و خصوصیات مشخص هر لحظه تاریخی معین را بدقیقتترین نحو پیشگویی که صحت و سقم آن در شرایط عینی قابل وارسی باشد، محاسبه کنیم" (کلیات آثار، جلد ۲۴، ص ۲۴).

اصول کلی متدولوژی که دیالکتیک ماتریالیستی آنرا بدست میدهد، بنیاد علمی بررسی پروسه ها و تحلیل مشخصی تکامل اجتماعی و نیز رهنمون عمل در کار سیاسی است. کسی که در فعالیت سیاسی به تکرار ساده فرمول های کلی یعنی به تصریح اینکه سوسیالیسم بحکم جبر طبیعی زمان جایگزین سرمایه داری میگردد و توده مردم میتوانند طومار تسلط امریالیسم را در هم بپیچند - اکتفا میوزد و در عین حال شرایط مشخصی را که گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم در آن جریان می یابد، در نظر نمیگیرد و این مسئله توجه نمیکند که توده ها چگونه، چه وقت، با چه اسلوب، در چه اوضاع و احوال و با چه آرایشی از قوای اجتماعی - مبارزه خود را علیه سرمایه داری انجام میدهند، در موضعی تجریدی، به منفی ترین مفهوم آن، باقی میمانند. چنین کسی در بهترین حالت فقط هدف مبارزه را می بیند. ولی بر وسائل نیل باین هدف احاطه ندارد و طریق واقعی نیل به هدف را نمی بیند و از اینجاست که اشتباهات بزرگ در رشته تاکتیک بروز میکنند و کار به ولونتاریسم کشیده میشود. کسی که جنبش مشخص واقعی را نادیده میماند توجه نیست که شرایطیکه مبارزه برای نیل به هدف در آن انجام میگردد دائما در تغییر است و لذا اسلوب ها و تاکتیک نیز باید تغییر یابد.

از چنین موضعی تجریدی حتی یک تصمیم سیاسی مشخص نیز نمیتوان اتخاذ کرد و این امر کار را باجائزستی میرساند که فعالیت سیاسی انقلابی جای خود را به کلی گوشیهای دراززندگی میدهد. با نتیجه این خطر بوجود میآید که اسلوب دیالکتیک، که تحلیل همه جانبه شرایط مشخص را ایجاب میکند، جای خود را به توسل خود سرانه به جوانب جداگانه یعنی سرانجام به سفسطه میدهد. از اینجا اشتباهات ذهنی بزرگی در رشته سیاست بروز میکند که معکوس زبان فراوان به امر سوسیالیسم برسانند.

شرایط عینی جدیدی را که در مرحله کنونی گذار از سرمایه داری، به سوسیالیسم
دیالکتیک مبارزه پدید میآید نمیتوان صاف و ساده بکار انداخت، بروی آنها چشم بست و ادعا
 تاکید کرد که شرایط مبارزه با امریالیسم تغییر نکرده است.
با امریالیسم ماکونیت های آلمان نیک میدانیم که گاههیت امریالیسم همانست که بود
 در رتیرا بصورت از امریالیسم فقط بعنوان پدید و در این گذشته یاد میگردیم.

امریالیسم همچنان وجود دارد، ارتجاعی و تجاوزکار است و باجنگ و بدندان علیه هرگونه جنبش متروقی اعسم
 از جنبه های ادوکرانیک یا سوسیالیستی مبارزه میکند. این مطالب را هر فرد ماکونیت درک میکند و مبارزه -
 طبقاتی هر روز نمونه های تازه در این باره بدست میدهد. مادامکه امریالیسم وجود دارد، امکان و خطرسر
 جنگهای تجاوزکارانه نیز موجود است. در این مسئله مثلا ماکونیت های آلمان هیچگونه بند امریالیسم نداریم
 زیرا هر روز با امریالیسم آلمان غری که در تلاش انقلابی جوش است مبارزه ای سرسخت مشغولیم و از خطر آن
 آگاهیم. با اینجهت کشورهای سوسیالیستی باید در اشعار مراقب دسائس امریالیستها باشند و آمادگی تدافعی
 خود را تشدید کنند.

ولی آیا فقط این واقعیات برای جامعه کنونی اهمیت اساسی دارد؟ آیا واقعیات جدیدی نظیر ساختمان

داشته دارکونیم در اتحاد شوروی ، استقرار نظام سوسیالیستی در کشورهای دموکراسی توده ای ، وجود سیستم جهانی نیرومند سوسیالیستی ، مبارزه قهرمانانه در جریان جنبش‌های آزاد بیخشنود که علیه سیستم استعماری امپریالیستی انجام میگردد ، در خورد توجه و دقت بسیار ویژه مانع شدند ؟ مگر دیاکونیک ماتریالیستی بما آموخته است که هنگام تحلیل مشخص اوضاع و احوال معین فقط يك جانب را در نظر گیریم و نتیجه گیری خود را بر اساس همین یکجانب انجام دهیم ؟ دیالکتیک برخلاف مافیزیک و مفصله (سوسیسم) خواستار جامعیت تحلیل و در نظر گرفتن د دقیق کلیه جوانب پیروسه هاست .

مقدم بر هر چیز باید در نظر داشت که مبارزه طبقاتی کارگران طبقه بورژوازی در دوران کنونی در کشور شکل‌های سابق اشکال نوینی نیز کم کرده است ، بدین معنی که اکنون نه فقط بورژوازی بلکه حتی پروتلان یا نیزه مقیاس جهانی يك طبقه اجتماعی دارای شکل دولتی است . بدینجهت مناسبات بین کشورهای سرمایه داری و سوسیالیستی نیز نمیتواند خصالت مناسبات طبقاتی دارای شکل دولتی را نداشته باشد . این مناسبات را اکنون نمیتوان در قالب اشکال سابق گنجانید و اشکال جدیدی را متوافق با شرایط جدید ایجاد میکنند که همان همزیستی مصالح آمیز دو سیستم اجتماعی است . بنابراین همزیستی مصالح آمیز با مبارزه طبقاتی پروتلانیا در کشورهای سرمایه داری تعارضی نداشته بلکه بمعنای بسط پیگیر و مارکسیستی - لنینیستی این مبارزه در رشته مناسبات بین العمالم از طرف پروتلانیا پیروزمند کشورهای سوسیالیستی است .

آری امپریالیسم و ماهیت تجاوزکارانه آن که وسیله لنین مکتوف گردید بدون تغییر مانده است . ولی در عین حال تحولات بنیادی نیز انجام گرفته است : نخست آنکه جریان تکامل تاریخ جهانی پیش ازین از تحت نفوذ امپریالیسم خارج میبود و سوسیالیسم اکنون بمعامل قاطع تکامل اجتماعی بدل گردیده است ، دوم آنکه علم و تکنیک مدرن سلاح انعی و تیز رژی بوجود آورده است که در صورت بکار رفتن خدایتناوبی صدها میلیون لگرا را دربر خواهد داشت .

احزاب کمونیست و کارگری در اعلامیه مشترک سال ١٩٦٠ خود بر پایه تحلیل

جنگ جهانی نباید

همه جانبه اوضاع و احوال کنونی جهان با نتیجه رسیدن که سوسیالیسم کلیه امکانات لازم را در اختیار دارد برای آنکه نگذارد امپریالیسم دست جنگ

و وسیله سیاست باشد

جهانی انعی بزند . سوسیالیسم نیروی کافی دارد برای آنکه در شرایط همزیستی مصالح آمیز بر امپریالیسم پیروز شود . سوسیالیسم جنگ بعنوان وسیله نیل به هدفهای انعیان دوستانه خویش شماری ندارد . سلاح قاطع

هر نظام جدید برتری آن بر نظام کهنه در رشته اقتصاد ، سیاست ، سطح زندگی و فرهنگ معنوی است .

افراطی ترین عناصر امپریالیست که در تلاش جنگ جهانی هستند و برای آن تدارک می بینند با این اعمال يك حقیقت برهن را ثابت میکنند وان ای که با وجود تماس جدید قواد قادر نیستند عامل تعیین کننده در رشته سیاست باشند . اکنون سیاست را در شرایط همزیستی مصالح آمیز میتوان علی ساخت که بنوبه خود بوسیله عده سیاست کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست و کارگری بدل شده است . تردید در امکان علی و واقعی نیروهای ضد امپریالیستی در پیشگیری از جنگ جهانی انعی و بشریتی اولی نه دراینکه چنین جنگی میتواند پیشرفت اجتماعی را تسریع کند - معنایتر هم بی اعتنائی به نتیجه برپای جدید علم اجتماع - مارکسیستی - لنینیستی درباره پیروسه های اجتماعی عده دوران ما است و هم بی اعتنائی بمطالب پژوهشهای علوم طبیعی و درباره تاثیرات بلاواسطه و عواقب جنگ انعی ، هم بی ایمانی بمقهوری خلاق انقلابی - توده مردم است و هم بختیروی سیستم جهانی سوسیالیستی و جنبش راه صلح .

جنگ جهانی انعی نمیتواند سیر تاریخی را تسریع کند و تسریع اولی نمیتواند به جامعه بشری کمک کند که باجهش عظیم به سوسیالیسم دست یابد بدینتاریخ از مبارزه طولانی و از مراحل گوناگون استخراجی . هیچ تردیدی نمیتوان داشت که چنین جنگی محرومیت ها و قربانیهای بیسابقه ای را دامگیر جامعه بشری خواهد نمود و شاید هم جامعه بشری را صد هاسال به عقب رانند و بدینسان پیروزی سوسیالیسم را بنهائیت

کند سازد و دشوار نماید . کمونیست هارا ساختار جامعه سوسیالیستی برپروانه‌های بازمانده پس از جنگ اتعی را مرد و اعلام میکنند .

اگر جنگ - جنگ هسته ای جهانی - باید بعنوان سیاست از زندگی جامعه حذف گردد ، آنوقت بد بهیست که اسلوب مذکرات برای حل تمام مسائل مورد اختلاف بین کشورها و وسیعتر جهانی اهمیت بسیاریاد کسب میکند . ولی تصدیق اصل همزیستی مسالمت آمیز نباید فقط یک تصدیق صوری باشد . این اصل را باید در عمل بکار بست یعنی مسائل مورد اختلاف بین المللی را باید از طریق مذکرات حل کرد نه بکف زور . ولی مذکرات مستلزم مصالحه هائیمت که محتوی وحدت و آسها را نیز بطور تجریدی نمیتوان معین کرد ، زیرا این مصالحه ها به اوضاع و احوال مشخص و مقدم بر هر چیز متناسب قوا و همچنین میزان علیی به هنر سیاسی وابسته است . طبیعی است که سیاست همزیستی مسالمت آمیز با اتم ماهیت ارتجاعی و خصلت ارتجاعی امپریالیسم در آثار خود توده خلق ، همراه است . ولی تنها بکار بردن کلمات پرسروصد البته در امپریالیسم و دیگر نیروهای ارتجاعی تاثیر نمی بخشد . صلح و همزیستی مسالمت آمیز مقدم بر هر چیز منوط با اقدامات عملی موثر است .

جرمیان حوادث هنگام بحران کوبا این امر را با وضوح تمام آشکار ساخت . اقدامات خردمندانه و پشورانه دولت شوروی صلح جهانی را نجات بخشید . سیاست برنرمش اتحاد شوروی که با مصالحه تمام بود ارتجاعی نظامی به کوبا جلوگیری کرد و تعیینیسمعی در قبائل تهاجمات نظامی جدید بوجود آورد و بدینسان ، بدون آنکه جهان جنگ هسته ای کشنده شود ، به تامین استقلال و آزادی کوبا سوسیالیستی کمک کرد . کفیمت این سؤال مطرح شود ، که در صورت تعقیب سیاست دکگاتیک فائده نرمن هنگام بحران دریای کارائیب کار بکجا منجر میشد ، تا بچ بود این ادعا که مصالحه جناح ارتجاعی بحران را با بعضای شکست سوسیالیسم و تسلیم در قبائل امپریالیسم است ، روشن شود .

تاکتیک توام با نرمش و مانور در مبارزه علیه امپریالیسم همیشه ضروریست . انتخابی خلای و تاکتیک بر اوضاع و احوال مختلف آشکار خواهد کرد که پدیده های جدید بسیاری وجود دارند که در مگر با تصورات قدیمی مطابقت ندارند و نشان خواهند داد که سیاست اصولی باید با تغییرات شرح اشکال مشخص مبارزه و تاکتیک نرمن در توام باشد . تا از روزا شباهات جدید جلوگیری کند . فقط بدین تاریخ است که احزاب کمونیست میتوانند از توصیه های مارکس - انگلس - لنین درباره اینکه مارکسیسم اصول دین نیست بلکه رهنمون عمل است پیروی کنند . همانگونه که لنین در دوران خود با تحلیل همه جانبه و نتیجه گیری تشریح از پدیده های جدید دوران امپریالیسم و انقلابهای پرولتری و ارتداد طبقه کارگر برای مبارزه انقلابی ، ضیفه عالی خود را در قبائل جنبش بین المللی کارگری انجام میداد ، امروز نیز ضیفه مقدم احزاب کمونیست و کارگری است که به تکرار احتیاجی که زمانی فرمولندی شده است انکار نرند ، بلکه خریدیده تازه دوران مارا با روح لنینی مورد پژوهش قرار دهند و از آن برای سیاست نتیجه گیری بکنند . لازم بنمایند . وفاداری به لنینیسم نمیتواند فقط به حفاظت از احکام لنین و استناد باین اجزاء مثلا درباره امپریالیسم و جنگ منحصر باشد . این وفاداری باید در درجه اول بصورت تکامل خلای مارکسیسم - لنینیسم موافق با شرایط جدید دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم متخلصی گردد و نمودار شود .

حزب سوسیالیست متحد آلمان از حوادث بین المللی اخیر در سیاقی را نتیجه گیری کرده است که برای حل مسئله ملی مردم آلمان اهمیت بسیاریارد . حزب در برنامه مصوبه کنگره ششم خود این واقعیت یعنی را مآخذ قرارداد است که در دولت آلمان برای یک دوران اولانی در کنار یکدیگر وجود دارند . حزب بر آنست که دیاکتیک عمومی دوران ما و پیروسی گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم آلمان غریب را مستثنی نمیدارد و در آنجا نیز سوسیالیسم پیروز خواهد شد . همانند امر که در به تاریخ نشان میدهد در شرایط سرمایه داری پیشرفته انحصاری دولتی در آلمان غریب ، اعمال رهبری سیاسی از طرف طبقه کارگر

دیاکتیک

واحدیت

امری نیست که دفعتاً باینک جهت‌ناشنی گردد. • باینجهت در برنامه حزب سوسیالیست متحده آلمان بعلمت اختلاف شرایط موجود در دودولت آلمان، همه قوا و همه توجه باقد امانی معطوف است که هم اکنون باید - برای تأمین صلح در آلمان بعمل آورد.

حزب ما برآنست که در مبارزه علیه امپریالیسم و میلیتاریسم آلمان غربی باید با تمام قوا کوشید تا سیاست همزیستی معالفت آمیز میان دودولت آلمان تحقق یابد و انعقاد قرارداد صلح آلمان، و برآیند اساس، حل مسئله برلن غربی عملی گردد. • ولی اینچنینی براتیک سیاسی دائم در تغییر است و لذا در این مسئله هم باید از هرگونه قبول شماتیک و از نمودن شیوه های قاندر نمزدر حل مسائل احتراز جست و در اینجا نیز باید برخورد خلاق داشت. • حزب سوسیالیست متحده آلمان در برنامه خود برای تأمین صلح و همزیستی معالفت آمیز مذکورانی را در نظر گرفته است که باید موجبات ایجاد گفت‌وگو راسیون دودولت آلمان را بعنوان نخستین گام در راه نیل بوحثت آلمان فراهم سازد. • ضمناً حزب این نکته را در نظر میگیرد که هر دو طرف باید بمصالحه هائی تن در دهند که بسا اوضاع و احوال عملی مطالبقت داشته باشد و با مصلح بیشترت اجتماعی کمک کند. • اصولیت در مورد هدف مبارزه مستلزم حد اعلائی نرشد رتاکنیک است و برعکس، حد اعلائی نرشد رتاکنیک مستلزم مراعات ختمی اصول درشته سیاست است.

تعیین دقیق مرزی که از آن پس اصولیت جای خود را به دگماتیسم متحجریا برعکس نرشد جای خود را به اپورتونیسم روزبونیستی میدهد بر اساس دیاکتیک معین است نه بر پایه شافیزیک. • فقط در صورتی که پروسه های مشخص اجتماعی، حوادث و پدیده هائی نظیر مبارزه در راه همزیستی معالفت آمیز بین دودولت آلمان در ارتباط ناگسستی آنها با قوانین عام و دورنمای تکامل اجتماعی در نظر گرفته شود، میتوان درباره وقایع سیاسی به نظریه واقعا علمی رسید و رهبری سیاسی توده هارا با احتراز موفقیت انجام داد.

خصلت خلاقه اسلوب دیاکتیک و سیاست احزاب کمونیست و کارگری با روح علم معاصر، با تلاش دائم برای کسب معلومات جدید، با کوشش برای تکمیل حقیقت، با شناخت طرق نامکشوف پیشرفت اجتماعی در شرایط مشخص تاریخی و ملی این یا آن کشور، با جستجوی بهترین اشکال و اسلوبهای گسترش نیروهای خلاقه مردم در کلیه شئون حیات اجتماعی - حد اعلائی مطالبقت را دارد. • دیاکتیک ماتریالیستی و سیاست سوسیالیستی با دگماتیسم و سنکالیسم، با اپورتونیسم و روزبونیسم همساز نیستند. • دیاکتیک ماتریالیستی و سیاست سوسیالیستی دارای ماهیت و بنیاد مشخص، نقاد و انقلابی هستند.

لنین غالباً خاطر نشان ساخته است که مسئله اساسی دیاکتیک بررسی اوضاع و احوال مشخص است. • باینجهت هم استفاده از اسلوب دیاکتیک و انطباق آن با اوضاع و احوال معین تاریخی وظیفه ایست خلاق، و مفهوم واقعی کلمه.

دیاکتیک

و فعالیت خلاق

از آنجاکه دیاکتیک ماتریالیستی اسلوب عامی است که در تمام شئون همزیستی مادی و معنوی صدق میکند، لذا آنرا میتوان بطرقی خلاق در مورد تعاهد پدیده ها و پروسه های دارای کمیت و کیفیت گوناگون حیات اجتماعی هر کشور بکار بست. • ضمناً "استنادات" صوری به دیاکتیک هیچگونه نمری در پی نخواهد داشت. • کل فقط بصورت اجزای و در نتیجه وجود اجزای موجود است. • بنابراین تأمین و تأمین کلی دیاکتیک باید در هر پدیده و جزا و در هر پروسه مشخص به از خاص اشکار شود و از اینجاست که باید سپس نتیجه گیریهای سیاسی مشخص کرد و بر وفق آن تاکتیک لازم اتخاذ نمود.

شرایط تاریخی و ملی در کشورهای مختلف متفاوتند و به همین جهت برای شیوه های قالبی در بکار بردن قوانین عام و برای تقلید مکانیکی از طرق نیز به سوسیالیسم یا برای بکار بردن مکانیکی و ساک و اسلوبهای که در کشور دیگر صحیح بوده، جای نمیتواند باشد. • وقتی فلسفی جامعه شناس آلمان غربی مینویسد که در جمهوری دموکراتیک آلمان نظم اجتماع مارکسیستی تازه بان مفاصلی نزدیک شده که در جامعه اتحاد شوروی دیگر ارد کهنه میشود. • • • (۱) ، با این گفته فقط تصور دگماتیک خود را در باره نظم اجتماع مارکسیستی

(۱) - هلموت تلسکی. • تعیین جای جامعه شناسی آلمان در دسلد ورف - کلتی، سال ۱۹۵۹، چاپ آلمانی ص ۴۷ - ۸

حزب سوسیالیست متحد آلمان میگوید اقتصاد ملی جمهوری دموکراتیک آلمان و تعام بنای سوسیالیسم را برپایه ای استوار سازد که فراهم کنند و حد اعلاي آن چیزی باشد که پداورگی میتوان در یک کشور سوسیالیستی دارای صنایع رشد یافته برای تکامل تعام سیستم جهانی سوسیالیستی ، برای پشتیبانی از طبقه کارگر — نیروهای دموکراتیک و صلح دوست آلمان غربی و نیز برای «بسته کارگر جهان و جنبش آزاد میختر ملی و برای ترفیع سطح زندگی مردم خویش» تأمین نمود . ما مارکسیست های آلمان این نکته را در یک می کنیم که کامیابی در رشته پیشرفت آبی جمهوری دموکراتیک آلمان به میزان زیادی وابسته به توانائی حزب ما در انطباق خلاق اسلوب دیالکتیک ماتریالیستی با شرایط بغرنج مبارزه در راه ساختمان سوسیالیسم است . مبارزه ای که با حل مسئله ملی مردم آلمان بیوستگی ناگسستی دارد .

آنچه در این مورد شایان دقت است خصلت جامع و مشخص تحلیل شرایط

درباره

تاریخی جدید جمهوری دموکراتیک آلمان برای تکامل سوسیالیستی است ،

تحلیلی که موجب شد تعریف سوسیالیسم در برنامه حزب سوسیالیست متحد -

مفهوم سوسیالیسم

آلمان تکمیل گردد .

و اما چه شرایط تاریخی عمده ای این ضرورت را بوجود آورده است که محتوی

مفهوم سوسیالیسم و مشخصات آن ، بخصوص در انطباق باوضع کشور ما ، بشکل مشخص تری تعریف شود ؟

مقدم بر همه باید امکانات و شرایط جدیدی را که در رشته علمی و فنی ، اجتماعی و اقتصادی در جمهوری

دموکراتیک آلمان بوجود آمده است خاطر نشان ساخت . پس از تشکیل جمهوری دموکراتیک آلمان در سال ۱۹۴۹

مردم این جمهوری در بر توکار مجدانه خود میراث اسفناکی را که از دوران فاشیسم هیتلری بر جای مانده بسود از

بین بردند و در تعام نشئون حیات اجتماعی به کامیابی های مهمی نائل آمدند . در سال ۱۹۳۷ در «رایش»

آلمان ۴۹ میلیارد کیلووات ساعت نیروی برق تولید میشد . ولی در حال حاضر جمهوری دموکراتیک آلمان که

مساحت و جمعیت آن به مراتب کمتر است بیش از ۴۲ میلیارد کیلووات ساعت نیرو تولید میکند . جمهوری دموکراتیک

آلمان طی چند سال آینده به سطح تولید صنعتی تعام امپراتوری آلمان سال ۱۹۳۷ خواهد رسید ، باستثنای

برخی رشته های صنایع مربوط به معدن که در خاک جمهوری دموکراتیک آلمان برای آنها منابع لازم وجود ندارد .

ولی حتی این سطح تولید هم در شرایط کنونی ، که سابقه اقتصادی اهمیت روز بروز بیشتری را در مبارزه علیه

امپریالیسم کسب میکند ، برای رفع نیازمندیهای روز افزون جامعه سوسیالیستی و برای تحقق پیگیرا —

سوسیالیستی : « از هر کس بر حسب استعدادش و هر کس بر حسب کارش » ، کافی نیست .

امروز برای استفاده از علم در تولید و در کلیه رشته های دیگر زندگی جامعه ما امکاناتی وجود دارد به مراتب

بیش از آنچه که در دوران قبل از دو مین جنگ جهانی در اتحاد شوروی وجود داشت . اتحاد شوروی در آن زمان

مجبور بود اقتصاد سوسیالیستی خود را با سازمانی از نیروهای مولده که در دوران سرمایه داری بوجود آمده

و از آن اقتباس شده بود ، شالوده ریزی کند ، ولی انقلاب علمی و فنی که اکنون صورت میگیرد موجبات لازم را

فراهم میسازد برای آنکه سازمان نیروهای مولده از پیش وین دگرگون شود و از طریق اتوماتیسمیون ، مکانیزاسیون

استفاده از شیمی و نیروی اتم و تکنیک هدایت و تنظیم (رگولاسیون) ماشینها مادی و فنی و سازمان نیروهای مولده

مطابق با ماهیت سوسیالیسم و کمونیسم بوجود آید . بدینجهت تکامل اقتصاد ملی جمهوری دموکراتیک آلمان

در تعام مرحله بعدی ساختمان سوسیالیسم باید با اتکا* به سطح عالی علم و تکنیک مدرن انجام گیرد . پس از

آنکه ششمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان پیروزی مناسبات تولیدی سوسیالیستی را تصریح کرد مسئله

پیشرفت هر چه سریعتر نیروهای مولده برای تکمیل ساختمان سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک آلمان اهمیت

قاطع کسب کرده است . علوم اجتماعی ، سیبرنتیک و اسلوبهای ریاضی امروز برای محاسبه دقیق کمی و کیفی

پروسه های اجتماعی و هدایت این پروسه ها امکانات به مراتب بیشتری بوجود آورده اند و در نتیجه این امر برای

رهبری آگاهانه تکامل اجتماعی از طرف حزب و از جمله برای برنامه گزاری در رشته تولید ، شرایط جدیدی

موجود است که استفاده از آنها برای پیروزی کامل سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک آلمان اهمیت قاطع دارد . انجام وظایف جدید چندین سال وقت لازم دارد ، باید مساعی فراوان بکار برد تا در زشته شامل نیروهای مولده و افزایش بازده کار سرعت لازم را بدست آورد . ولی این شرط قاطعی است برای پیروزی در مسابقه اقتصادی با سرمایه داری ، برای پیروزی اهل همزیستی صلح آمیز و برای آنکه سوسیالیسم بتواند برای تمام زحمتکاران زندگی مرفه و باارزنگی را تامین نماید .

ولی تنها در نظر گرفتن شرایط داخلی کشور ما کافی نیست . جمهوری دموکراتیک آلمان جز بیست و استوار سیتم جهانی سوسیالیستی است و کشور سوسیالیستی مشخص بقدری نیست که مثل اتحاد شوروی سال ۱۹۳۶ در محاصره سرمایه داری قرار گرفته باشد . در کشورهای سوسیالیستی هرگونه امکان احیا سرمایه داری ، چه از خارج و چه از داخل ، برای همیشه از بین رفته است . سوسیالیسم یک سیستم جهانی است که بیش از پیش به خاطر قاطع تاریخ جهانی بدل میگردد . بحران عمومی سرمایه داری قوای سرمایه داری را بسرعت تحلیل میدهد . تناسب قوا در جهان در مقایسه با سال ۱۹۳۶ بطرف قاطعی بسوی سوسیالیسم تغییر کرده است .

خصلت بین المللی مناسبات تولیدی و نیروهای مولده سوسیالیستی موجبات نزدیکی طبیعی و بیوسنگسی اقتصاد ملی جمهوری دموکراتیک آلمان را با سیستم اقتصاد جهانی سوسیالیستی فراهم میسازد . اشکال گوناگون همکاری که در کار دشواری تعاون مشترک اقتصادی تنظیم شده با قوانین عینی اقتصادی سوسیالیسم و شرایط تکامل همه کشورهای سوسیالیستی مطابقت دارد . بدینسان برای تمام کشورهای سوسیالیستی رسیدن به سطح عالی در زشته علم و تکنیک تضمین میگردد و این امکان بوجود میآید که در کشورهای مختلف سوسیالیستی در درجه اول آن رشته های از اقتصاد تکامل یابند که برای آنها مساعدترین شرایط فراهم است . جمهوری دموکراتیک آلمان اصول همکاری تولیدی (کپوراسیون) سوسیالیستی و تقسیم کار سوسیالیستی را بوقوع اجرا خواهد گذاشت و این امر در تکامل بنیاد مادی و فنی جمهوری دموکراتیک آلمان تاثیر مشخصی میباشد که کشور سوسیالیستی منحصر بقدر سال ۱۹۳۶ یعنی اتحاد شوروی از آن محروم بود . اتحاد شوروی مجبور بود یک و تنها نقطه با تکیه خود ، اقتصاد سوسیالیستی را بنا کند و بریزد و با آنها با امکانات علمی و فنی دارای کیفیت دیگری . ولی امروز کشورهای سوسیالیستی با اتفاق و یکپارگی پیشینی از یکدیگر نمیتوانند بسرعت همبستگیهای بزرگی فاعل آیند که رفاه حال زحمتکاران همه کشورهای سوسیالیستی را در زشته مادیات و فرهنگ تامین میکند .

شرایط تاریخی جدید در مرحله کنونی گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم باید در تعریف سوسیالیسم منظور گردد . در عین حال وجود این شرایط بزرگ نمیدهد محدودیت تعاریفی از سوسیالیسم است که در دوران رواج کپراسیون پرستی شد اول بود و در آنها فقط خصلت مناسبات تولیدی خود را نظر گرفته میشد و سطح تکامل نه نیروهای مولده و نیز سطح موجود زندگی و فرهنگ زحمتکاران و آگاهی معنوی و سیاسی آنان و غیره از نظر دور میگردد و بدین طریق نظریات مارکس- انگلس ولنین در مورد این مسئله ، که اکنون احیاء شده و موافق با شرایط نوین تکامل یافته اند ، شدید تحریف میشد .

طبق تعاریف مارکس- انگلس ولنین تعریف سوسیالیسم بعنوان یک رژیم اجتماعی که در آن طبقه کارگر در اتحاد با طبقه دهقانان قدرت سیاسی را بدست دارد ، مناسبات تولیدی سوسیالیستی در آن پیروز شده ، استعمار انسان توسط انسان در دیگر ازمین رفته و صنعتی ساختن خلق شده است ، تعریف کافی نیست .

سوسیالیسم یک جامعه را که نیست و بنیاد کامل نیروهای مولده و تمام جوانب زندگی جامعه بطور اتم بیشتر میورد و تکامل می یابد . مهمترین نمودار کامیابهای همه جانبه سوسیالیسم در غایت امر مبارزه است از سطح عالی بازده کار ، زیرا افزایش بازده کار است که در غایت امر شرط قاطع برتری نظام اجتماعی نو بر کهنه را تشکیل میدهد . لنین نوشته است که : * بازده کار ، در غایت امر ، مهمترین و عمده ترین عامل پیروزی نظام اجتماعی نو است * (کلیات آثار ، جلد ۲۹ ، چاپ روسی ، ص ۳۹۴) .

بنابراین سوسیالیسم با وجود عام بودن توانین و صفات مشخصه آن ، در شرایط معین که تعاریفات طبقی و اقتصادی بین کشورهای وارد در راه ساختمان سوسیالیستی وجود دارد ، دارای خصوصیات ویژه ای است .

سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک آلمان باید مطابقت داشته باشد با آن شرایط یعنی که در کشور ما باید آمده و پیوسته در حال بسط و تکامل است ، در کشوری که تولید و بازده کار سطح عالی رسیده ، زندگی مردم بسی برمود پذیرفته ، بین افراد مناسب سوسیالیستی پذیرفته و انسان نوین جامعه سوسیالیستی پرورش یافته است ، در کشوری که در نظر تمام جهانیان منظر آلمان نوین است .

در مورد جمهوری دموکراتیک آلمان باید یکسلسله نکات خاص را نیز که از شرایط ویژه محیط مسئله ملی مردم آلمان ناشی میشود در نظر گرفت . جمهوری دموکراتیک آلمان کشور متخصفرد آلمان نیست . در آلمان غسری نیروهای کهنه سرمایه داری متجاوزانحصارگرسلسله دارند . این نیروها در نتیجه انتزاع بخشی از آلمان از اتحاد ملی ، دولت میزانی تشکیل دادند که بار دیگر موجودیت ملت را در معرض تهدید قرار میدهد . با ساختن سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک آلمان شکل کاملا جدیدی از مبارزه طبقه کارگر در راه حل تضاد بین امپریالیسم و ملتگرد نخستین ردیف قرار گرفته است که عارست از : مبارزه بین سوسیالیسم و امپریالیسم و سابقه بین دسیستم اجتماعی مختلف موجود در آلمان . امروز هیچ رشته ای از حیثیات اجتماعی نیست که این سابقه را آن تاثیر نبخشد . با آنکه جمهوری دموکراتیک ، مستقل از آنکه سیر حوادث در غرب در آینده نزدیک چه صورتی بخود بگیرد ، سوسیالیسم را تمام و کمال بنا خواهد کرد و میسب گذار به کونینم را انجام خواهد داد ، معیبه اشرايط مشخص آلمان غسری و مناسب قوانین سوسیالیسم و امپریالیسم در سرزمین آلمان ، در بسیاری از مسائل و اقدامات و معضلات تکامل جمهوری دموکراتیک آلمان تاثیر مستقیم می بخشند .

سوسیالیسم و ملت آلمان

جمهوری دموکراتیک آلمان این وظیفه را در برابر خود قرار داده است که در عرضه قاطع تولید مادی یعنی در رشته بازده کار آلمان غسری سرمایه داری در آرای سطح عالی صنعتی ، سبقت جوید . این امر میزان زیادی به قطع " جنگ سرد " و به بسط مناسبات همزیستی مسالمت آمیز و دولت آلمان وید بنشان با ایجاد شرایط مهربانی پیوند مجدد آنها مساعدت خواهد کرد .

این واقعیت که آلمان غسری در رشته بازده کار هنوز از جمهوری دموکراتیک آلمان جلو است بطوریکه میدانیم از طرف اقراطیون آلمان غسری برای مبارزه علیه جمهوری دموکراتیک آلمان ، علیه سیستم جهانی سوسیالیستی و علیه نیروها دموکراتیک و سوسیالیست آلمان غسری مورد استفاده قرار میگیرد . وجود وضع مساعد دولتی پس از جنگ در آلمان غسری ، بین بخش بزرگی از اذهالی آلمان غسری و از جمله بین طبقه کارگریند ارها می را در باره - خصلت دولت آلمان غسری و سیاست آن دولت پذیرد . پیلر قشای اقتصادی جمهوری دموکراتیک آلمان بدآتی کونینم ، که صحتی نده تمام اشکال ایدئولوژی و سیاست ارجحی امپریالیستی را در آلمان غسری تشکیل میدهد ، شرایط در هم شکنی و آرد ساخت . عنواندازه که جمهوری دموکراتیک آلمان در رشته اقتصادی نیز برتری خود را با وضوح بیشتری نشان میدهد . مبارزه در راه صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم در آلمان غسری شدت بیشتری بخود میگیرد و برای مبارز کردن و فاش آمدن بر امپریالیسم و ملیتاریسم آلمان غسری و تحقق سیاست همزیستی مسالمت آمیز بین دو دولت آلمان امکانات بیشتری فراهم میشود . نیروی عظیم سر مشق ملی جمهوری دموکراتیک آلمان در رشته سوسیالیسم - یکی از بهترین عوامل را در مبارزه بخاطر حل مسئله ملی مردم آلمان تشکیل میدهد .



بد بنشان انطباق با لکنیک بر شرایط مشخص تکامل سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک آلمان ، که از طرف حزب سوسیالیست متحد آلمان انجام میگیرد ، نشان میدهد که بد بهمان حد بد بسیاری هستند که درک - علی آنها بر خورد خلاق را ایجاد میکند . کونینم ها در بر تو کار ثوری که بدی خود بروی نظریات - سطحی بساد - شد و تحریفاتی که در دوران گذر شخص پرستی پذیرد آمده بود و بر اساس ارام از یکطرف سیاست از

قوانین اصلی د یالکتیک مارکسیستی تفکیک میگردید . و از طرف دیگر احکام مشخص سیاسی بشیوه شمانیک و یکجانه مستقیماً از قوانین عام د یالکتیک بیرون کشیده میشد . خط بطلان کشیدند . فعالیت تمام احزاب مارکسیست - لنینیست موبد آنستکه بکار بستن د یالکتیک در سیاست بشیوه خلاق ، یکی از مهمترین شرایط مبارزه در راه تحقق اصل همزیستی مسالمتآمیز و پیروزی سوسیالیسم است .

بسیار از اینها در کتابهای مارکس و لنین و در کتابهای دیگر آمده است .
 در این کتابها ، مارکس و لنین ، در مورد این موضوع بحث کرده اند که چگونه میتوانیم با استفاده از قوانین عام د یالکتیک ، احکام خاص را استخراج کنیم .
 در این کتابها ، مارکس و لنین ، در مورد این موضوع بحث کرده اند که چگونه میتوانیم با استفاده از قوانین عام د یالکتیک ، احکام خاص را استخراج کنیم .
 در این کتابها ، مارکس و لنین ، در مورد این موضوع بحث کرده اند که چگونه میتوانیم با استفاده از قوانین عام د یالکتیک ، احکام خاص را استخراج کنیم .

در این کتابها ، مارکس و لنین ، در مورد این موضوع بحث کرده اند که چگونه میتوانیم با استفاده از قوانین عام د یالکتیک ، احکام خاص را استخراج کنیم .
 در این کتابها ، مارکس و لنین ، در مورد این موضوع بحث کرده اند که چگونه میتوانیم با استفاده از قوانین عام د یالکتیک ، احکام خاص را استخراج کنیم .
 در این کتابها ، مارکس و لنین ، در مورد این موضوع بحث کرده اند که چگونه میتوانیم با استفاده از قوانین عام د یالکتیک ، احکام خاص را استخراج کنیم .
 در این کتابها ، مارکس و لنین ، در مورد این موضوع بحث کرده اند که چگونه میتوانیم با استفاده از قوانین عام د یالکتیک ، احکام خاص را استخراج کنیم .

در این کتابها ، مارکس و لنین ، در مورد این موضوع بحث کرده اند که چگونه میتوانیم با استفاده از قوانین عام د یالکتیک ، احکام خاص را استخراج کنیم .
 در این کتابها ، مارکس و لنین ، در مورد این موضوع بحث کرده اند که چگونه میتوانیم با استفاده از قوانین عام د یالکتیک ، احکام خاص را استخراج کنیم .
 در این کتابها ، مارکس و لنین ، در مورد این موضوع بحث کرده اند که چگونه میتوانیم با استفاده از قوانین عام د یالکتیک ، احکام خاص را استخراج کنیم .

تکنیک نظامی مدرن

و مسائل استراتژی

ژنرال آ. نفسکی

مفسر نظامی

در دوران مائتیک نظامی دستخوش تحولات بنیادی شده است ، بطوریکه میتوان ازیک انقلاب در تکنیک نظامی سخن گفت . این انقلاب - در ردیف عوامل مهم دیگر - در دربرنمای مبارزه بخاطر صلح و در سرنوشت تاریخی میلیتاریسم تاثیر میبخشد .

انقلاب در تکنیک نظامی تفکر میلیتاریستی را به بن بست دچار ساخته است . میلیتاریسم امروزه بقرقادر نیست یک استراتژی برای خود تنظیم کند که ، ولبروی کاغذ هم شده % امپریالیسم را در صورت وسوع جنگ از تارومار ناگزیر نجات بخشد . ولی تلاش برای پیدا کردن یک چنین استراتژی همچنان ادامه دارد و گواه این امر بحث دانه در ایست که در مطبوعات غرب پیرامون مسائل استراتژی نظامی انجام میگردد .

از این گذشته بین محافل نظامی و انحصاری آمریکا کسانی هستند که امروز نیز شعار پیشدستی در جنگ علیه کشورهای سوسیالیستی را اعلام میکنند . در خود آمریکا آنها را " انسانهای شاندرنال " (۱) مینامند . نمایندگان افراطی ترین محافل ارتجاعی تاثیر اشتراکوسم - هوپه ، کینتنروپوسونی در کتاب " استراتژی آمریکا برای خط مقدم " مینویسند : " ما چاره دیگری نداریم جز آنکه استراتژی کائن را بپذیریم " .

کائن نام یکی از ستاره های رم باستان است که همیشه خطی های خود را همین شعار تعجبیگر :
* کار تا ز باید از صفحه زمین محو شود * باری گلد و اثر ستاره کنونی آمریکا شعاری " پیروزی کسامل * (* totalvictory *) برکویتسم است . هفنگران او در سازمان نیروهای هوایی آمریکا هدف ملی آمریکا " محو کامل سیستم شوروی " اعلام میکنند . " انسانهای شاندرنال " شعاری پیشدستی در جنگ میدهند . همین چندی پیتر خود رئیس جمهوری ایالات متحده از " ابتکار اتنی " سخن میگفت .

دعوت به ایراد نخستین سربت اتنی در شرایط کنونی بمعنی تدارک انتحار است . بنابراین تخمین کارشناسان کمیسیون نیروی اتم آمریکا برای محو کامل آمریکا ۷۵۰۰ کانتین بمب فیدرتی لازم است . بنابراین تخمین لاینوس پولیتیک دانستند مشهور میزان کل ذخائر سلاح اتنی معادل یا ۲۵۰ هزار کانتین است و باعتراف او مقدر این سلاحها در زرادخانه های شوروی اندک نیست .

این ارقام بسا وجود تقریبی بودن برای بدست آوردن شموری بحد کافی در قیبن راجع به سرنوشتی که در صورت اقدام متجاوز امپریالیستی جنگه فیدرتی در انظار وی خواهد بود - کافیست .

(۱) - انسانهای عهد حجر . مشتق از نام جنگه شاندرنال در نزد یکی دوسلدورف که در سال ۱۸۵۶ برای نخستین بار تمسلی از اسلکت چنین انسانانی در آنجا کشف گردید (مترجم) .

د عوت به پیشدستی در جنگ د ارای يك " توصیه ثئوریک " است . این " توصیه ثئوریک " عبارتست از: تاگزیر بودن تعداد نظامی بین دو سیستم اجتماعی - اقتصادی ، بنا بادعای " انسانهای نشاندرتال " چون جنگ بهر تقدیر خواهد گرفت بهتر است آرا خود مان آغاز کنیم و از مزایای قابل ملاحظه ضربه اول - استفاده نمانیم .

کویتت هم بر آنند که هر دو سیستم اجتماعی - اقتصادی میتوانند همزیستی کنند و این مسئله که کدام یک از دو سیستم بهتر است ، باید نه در میدان جنگ ، بلکه در جریان مسابقه اقتصادی ، حل و فصل شود . اگر پیشنهاد های شوروی درباره خلع سلاح عمومی و کامل مرحله اجرا در آید ، نظامیان شوروی آماده اند پاسگاههای خود را ترک گویند ، سردوشی های خود را بکنند ویا مورد یگربرد آزند . کشور ما سیاست صلح تعقیب میکند و نظامیان شوروی هیچگونه منافع خصوصی - متضاد با این سیاست ندارند و اصولاً نمیتوانند داشته باشند . ضرورت صبری که خلع سلاح برای مصالح تمام جامعه بشری دارد ، بویژه بر ما کارشناسان آشکار است . سلاح مدرن ، اگر آنرا بکار برند ، بر هیچکس رحم نخواهد کرد ، نه بر طرفین مخاصمه ، و نه بر تماشاگران آن .

د خاطر عظیم سلاح هسته ای و وجود مقدار لازم انواع وسایل حمل و پرتاب آن بسوی هدف نه فقط صورت سابق را درباره جنگ باطل ساخته بلکه اصولاً امکان جنگیدن را در معرض تردید قرار داده است . هر دو اردوگاه آنگد سلاح هسته ای و وسایل حمل و پرتاب آنرا دارند که برای موجودات زنده روی زمین کاملاً کافی خواهد بود . بدین مناسبت بجاست این سخنان لنین را بجد آوریم : " زمانی خواهد آمد گسسه قدرت تخریبی جنگ بحدی خواهد رسید که جنگ اصولاً امکان ناپذیر خواهد گشت " (ن . کروپسکیا ، " درباره لنین " ، مسکو ، سال ۱۹۶۰ ، چاپ روسی ، ص ۴۰ - ۴۱) .



امریالیستهای آمریکا در تلاش برای احراز تسلط بر جهان ، جنگ هسته ای امید واریهای خاصی بسته اند . ولی در سالهای اخیر بناسبت تغییر تناسب قوا بین سوسیالیسم و سرمایه داری عدّه روزافزونی از امریالیست های آمریکا و اروپای غربی دارند باین نکته پی میبرند که جنگ هسته ای ، که تقریباً هیچجده سال از کار است برای آن ندارد می بینند جز فزای آنها هیچ نتیجه ای برایشان بنار نخواهد آورد . این درحالیکه برای امریالیستهای تملکی اورتیمت اشخربودن جنگ هسته ای را بعنوان وسیله یسکه سیاست معقول برای امریالیسم ، یعنی سیاستی که جوابگوی منافع خود آن باشد ، مورد تردید قرار داده است .

همینجاست بن بست استراتژی نظامی ، که غرب طی سالهای اخیر با " فروتنی " سکوت درباره آنرا بیشتر ترجیح میدهد . اشراف آشکار باین واقعیت در محاسبات میلیتاریست ها داخل نمیشود ، و انهم صرفاً باین علت که در چنین صورتی آنها مجبور بودند به ضرورت سیاست واقعی بنانه تری ، که هدفش کاهش تنشج اوضاع بین المملکی و منع آزمایشها و خود داری از کار بردن سلاح هسته ای و قبول خلع سلاح باشد ، اعتراف کنند .

چنین تصمیعی البته معقولترین تصمیم خواهد بود ، زیرا با روح زمان و با جریان تکامل اقتصادی و اجتماعی و پیشرفت علوم و فنون مطابقت خواهد داشت . اگر چنین تصمیعی اتخاذ گردد با حامن اقبال تمام جامعه بشری مواجه خواهد شد . ولی میلیتاریست ها عاجلالتا قصد دارند این یگانه راه صحیح را در پیش گیرند . محافل امریالیستی و ثئورسین های نظامی آنها در اوضاع و احوال موجود در جستجوی آنچه نشان شیوه هایی برای حل مسائل نظامی و سیاسی هستند که بآنها امکان بدهد از اشخللال سیستم سرمایه داری جلوگیری کنند و در عین حال آنها را به هدفهای توسعه طلبانه شان برساند . باینجهت تضاد فی نیست که طی سالهای اخیر در غرب کوهی از کتب و مقالات موجود بمسائل سیاست خارجی و نظامی ، استراتژی و جنگی بوجود آمده است .

مولفین این کتب دانشمند آن نظامیان ، سیاستمداران ویا صرفاً سیاست‌پازان هستند . سخنرانیهای مقامات رسمی نیز باین مسائل اختصاص دارد .

بررسی اجمالی قسمتی از کتب و مقالات منتشره در خارج نشان میدهد که افکار همه مولفین آنها را مسئله واحدی بخود مشغول میدارد و آن اینکه : بجه طریقی باید ازین بست موجود خارج شد و عوامل بحرانی را در سیاست نظامی و استراتژی ازین برد ؟

غرض دیگر از نگارش تعد اد کثیر کتب و مقالات که از هدف اول اهمیت کمتری ندارد آنستکه مردم معمولی کشورهای غرب را همراه کنند و آوری از کتاب روی سر آنها بریزند و ناگزیری و قابل پذیرش بودن جنگ هسته ای را بر پایه این اصل که : " اولین نظرها هم که تصویرش میکنند ترسناک نیست " به ثبوت برسانند . *
 مثلاً هرمان کان در کتاب " تصویری درباره تصویرناپذیر " مینویسد : " تصویریک انتحار عمومی متقابل ، بعنوان عواقب محتمل جنگ ممکنست درآینده نزدیک فی المثل در اواسط یا اواخر سالهای شصت ، تحقق یابد " ، ولی عجلاناً میتوان گفت که " زندگی نسبتاً عادی و مساعد تمدن ، حتی در شرایط ناشی هم که ممکنست پس از جنگ هسته ای حکمفرما گردد ، امکان ناپذیر نخواهد بود " . ضمناً کان حد سیمت خوشبینانه خود را بهلیاس و دامنه شرایط هسته ای وابسته میکند ، غافل از آنکه این مقیاس نامحدود خواهد بود .
 مولف دیگری بنام آ . پیورسکی نیز با همین بی مسئولیتی سخن میگوید . او در کتاب " امریکا جوان تر از آنستکه بمرگ کش دردهد " ادعا میکند که " رساندن " خسارات ناشی از جنگ هسته ای " بحد و دقایق قبول " کاریست بسیار ساده .

بن بست استراتژی نظامی میلیتاریسم در نتیجه اشتباهات و قصور افراد بوجود نیامده بلکه ناشی از ظلم عینی یعنی نتیجه ناگزیر پیشرفت علم و تکنیک مدرن بطور عام و انعکاس آن در قانون نظامی بطور خاص و نیز نتیجه تغییر تناسب قوا در عرصه بین المللی است . این یک قانون عینی است ، که متجاوزین امریالیست در یگر قادر نیستند آنرا در جهتتی که خود لازم دارند تغییر دهند .



با آنکه در همان اوان پیدايش سلاح هسته ای ، این پیشبینی امکان داشت که استراتژی نظامی ناگزیر دچار بن بست خواهد شد ، ولی این بن بست با تکامل موشکهای خاص مقاصد استراتژیک که در شرایط کنونی سلاح دارای قدرت مطلقه ای هستند ، آشکار گردید .

ایجاد سلاح اتعی در اتحاد شوروی انحصار امریکارا در این رشته ازین برد و وسیله شانناژانی را از جنگ میلیتاریست ها خارج ساخت . این امر در اواخر سالهای چهل صورت گرفت . در همان زمان بود که در امریکا تلاش و تقوی چون آمیزی در رشته سیاست نظامی و تئوری نظامی آغاز شد و به پیدايش یکسلسله عقاید و نظرات بی نهایت ارتجاعی و حتی به دشمنهای آشکار به اقدام به پیشدستی در جنگ علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای ارد و گاه سوسیالیستی منجر گردید . در نتیجه این امر در اواخر سال ۱۹۵۲ استراتژی موسوم به " ضربت متقابل سهگین " یا با اصطلاح دیگر " مکافات سنگین " تثبیت شد . این استراتژی و قیاسه ترین تظاهر سیاست " از موضع قدرت " یعنی همان سیاستی بود که امریالیستهای امریکا کمی پراز پایان - دومین جنگ جهانی علیه اتحاد شوروی آغاز کردند .

ماهیت استراتژی " ضربت متقابل سنگین " این بود که امریکا در هر تصادم نظامی احتمالی با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای ارد و گاه سوسیالیستی میبایست دست باین شهادت بزند که جنگ جهانی را بایگان بردن مشت سنگین سلاح هسته ای آغاز خواهد کرد . در این استراتژی امکان جنگهای موضعی محدود علیه کشورهای سوسیالیستی پیشبینی نمیشد . سخن فقط بر سر جنگ جهانی هسته ای بود ، که اتحاد شوروی با آغاز آن ، بعقیده میلیتاریستها ، از لحاظ تناسب قوا در زمینه سلاح هسته ای برتری میدهد و در زمینه حامل هوا ناقل های استراتژیک این سلاح در وضع ناساعدی قرار میگرفت .

این يك استراتژی ماجراجویانه بود که تناسب واقعی قوا را در جهان در نظر نمیگرفت و به قدرت اقتصادی علمی - فنی و نظامی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای اردوگاه سوسیالیستی کم بها میداد. بی پایگی این استراتژی حتی مورد اعتراف نخبگان فرماندهی عالی نیروهای زمینی آمریکا و از جمله ژنرال ریچوی و ژنرال تیلور روسای سابق ستاد ارتش آمریکا بود. ریچوی و تیلور بعلمت عدم موافقت با این استراتژی و اختلاف نظر شدید با طرفداران آن در بین فرماندهان نیروهای هوایی و دریایی، که مورد پشتیبانی ایزنهاور رئیس جمهور وقت بودند، ناچار با متعاقب شدند.

تیلور پس از استعفا نیز همچنان با انتقاد از استراتژی دولت ایزنهاور ادامه میداد و این انتقاد او البته ناشی از علاقه بملح نبود بلکه بعلمت آن بود که اوضاع و احوال را واقع بینانه ارزیابی میکرد و تنظیم استراتژی نظامی جدید و قابل پذیرشتری را لازم میسرمد که بتواند با موفقیت بیشتری به پیشرفت مقاصد امپریالیستی آمریکا کمک کند. تیلور میگفت: "در شرایط برابری امی که هر دو طرف توانایی نابودی یکدیگر را دارند بسیاری استراتژی ضریب متقابل سنگین امی جای نمیتواند باشد." و این استراتژی "اثربخشی خود را از دست داده است."

آزمایشهای موفقیت آمیز موشک بالیستیک قاره پیماي شوروی در ماه اوت سال ۱۹۵۷ و پرتاب اسپوتنیک که در ماه اکتبر همان سال برای نخستین بار در تاریخ جامعه بشری انجام گرفته به استراتژی "مکافات سنگین" ضریب درهم شکن وارد ساخت.

دستاوردهای عظیم علم و تکنیک شوروی عصر جدیدی در افزایش اقتدار دفاعی سپهن ما و همه جامعه کشورهای سوسیالیستی آغاز شد.

از این هنگام موشک بالیستیک قاره پیما و دیگر وسائل مدرن تکنیک نظامی، که امکانات آنها بعنوان سلاح های بکلی نوعاً تاحدود است، در دستور قرار گرفت. باید این را این سلاح بعد مسافت، که پیش از این تاحدودی ایالات متحده آمریکا را از بند بر ساخته بود، اهمیت خود را از دست داد. مثلاً در یکی از گزارشهای کمیسیون خارجه سنای آمریکا خاطر نشان شده که: "موقعیت نظامی ایالات متحده آمریکا در عرض مدت کوتاهی - ۱۵ سال - خراب شد. کشوری که پیش از این از امنیت بی چون و چرا برخوردار بود، اکنون گزند پذیر گردیده و راه شهاجم مستقیم و ضربت علیه آن باز است."

بدینسان همبیرات سریع در تناسب و مسائل استراتژی بکلی جدید بهار مسلحانه که بسود اتحاد شوروی انجام گرفت، استراتژی "ضریب متقابل سنگین" را با شکست مواجه ساخت. در تئوری و استراتژی نظامی ملیتاریست ها بحران شدیدی آغاز شد، که تقریباً از شعبه دوم سال ۱۹۵۷ تاکنون ادامه دارد. طی سالهای بین ۱۹۵۷ - ۱۹۶۲ در آمریکا و سایر کشورهای غربی در تحقیق ظل شکست استراتژی "ضریب متقابل" آغاز شد، اهمیت تغییرات وارد در تناسب قوا در عرصه بین العالی و عواقب احفالیسی این تغییرات بانوجه به تکامل سریع سلاح موشکی - هسته ای مورد ارزیابی قرار گرفت و تلاشهای بسیاری جستجوی استراتژی نظامی جدیدی آغاز گردید، که از نقطه نظر مجاوزین امریکائی جوابگوی خواسته های - اوضاع و احوالی تغییر یافته باشد.

در نتیجه این امر مقادیر هفتگی گزارش، کتاب و مقاله انتشار یافت که در آنها مسائل و معضلات نظامی و سیاسی و استراتژی بود تحقیق قرار میگرفت. مثلاً کمیسیون خارجه سنای آمریکا گزارشی تحت عنوان "تکامل تکنیک نظامی و تاثیر آن در استراتژی و سیاست خارجی آمریکا" منتشر ساخت، و نیز کتبی تحت عنوان: "جنگ محدود" - "تالیف ر. اوسگود"، "استراتژی در عصر ملاح موشکی" - "تالیف ب. پرودی"، "استراتژی نامطمئن" - "تالیف م. تیلور"، "ملاح هسته ای و سیاست خارجی" و "ضرورت انتخاب" - "تالیف ه. کیسینجر"، "اقتصاد نظامی در عصر اتم" - "تالیف ج. هیتچ و ر. مک کینگ"، "درباره جنگ هیدروژنی" و "تصویراتی درباره تصور ناپذیر" - "بظم ه. کان"، "میراث هیروشیما" - "تالیف ا. بلسر"، "صد میلیون نفر - حد اکثر بازماندگان جنگ هسته ای" اثر "فرنگلوند"، مجموعه مقالات تحت عنوان

نیکیتا خروشچف ضمن سخنرانی خود در کنگره جهانی خلق سلاح کامل و صلح روز دهم ژوئیه سال ۱۹۶۲ خاطر نشان ساخت که این پیشنهاد د هشت زاسراپاروچ نفرت به انسان و به جامعه بشری امیخته است - زیرا میگوید به جنگ هسته ای وید بنمان بنمان - با یوش او میلیونها انسان صورت قانونی بدهد .
 استراتژی " قوا بر ضد قوا " از نقطه نظر نظامی هیچگونه پایه و اساسی ندارد . این استراتژی در مجلس امریکائی " ای . اف . ا . استونرویک لی " برسیبل استنیز " تلاش برای رام کردن بمب نیدرژنی و جلوگیری از پرتاب آن بروی سرانسانها توصیف شده است . بحقیقه بسیاری از کارشناسان غرب برای آنکه استراتژی " قواضد قوا " واقع بینانه و موثر از کار درآید باید حداقل مسائل زیرین را حل کرد :

همگان را بضرورت مراعات قواعد جدید و مطروحه از طرف ماننا مارا یعنی ایراد ضربات فقط بر آماجهای نظامی و خود داری از ضربت زد ن پیشبرها متقاعد ساخت . بسیاری از کارشناسان غرب این کار را عملاً غیر ممکن میدانند زیرا آماجهای نظامی اکثر در شهرهای بزرگ و کوچکتر و در مناطق مسکون واقعند . این مطلب را مثلاً واسکو در کتاب خود بنام " آخرین حد دفاع " بنحوقتی تشریح کرده است :

انتقال تمام آماجهای نظامی از شهرهای بزرگ امریکا و اروپا به نقاط دیگر که عملی است بسیار پرخرج . بسیاری از کارشناسان این وظیفه را بکلی غیر عملی میدانند . در عین حال خاطر نشان میشود که اگر امریکا متحدین آن یا انتقال آماجهای نظامی خود از شهرها دست بزند اتحاد شوروی این نتیجه را خواهد گرفت که ایالات متحده و امریکا برای تهاجم تدارک می بیند :

ساختمان شبکه وسیعی از پناهگاهها برای اهالی . بجاست گفته شده که نقش و اهمیتی که پناهگاهها در جنگ آینده ممکن است بازی کنند بکلی مورد تردید است ؟

اطلاع قبلی از موضع دقیق آماج ها . معتقدند که این یک مسئله بسیار بزرگ است . در اواس سال ۱۹۶۲ ، با اعتراف محافل نظامی امریکا ، نتایج حاصله از تعالیت جاسوسی برای کشف پایگاههای - موشکهای استراتژیک شوروی بسیار خفیه و فقیر بود . کمیسنگرد شماره ژوئیه سال ۱۹۶۲ مجله " فورین آفرز " مقاله اندر ج کرد و ضمن آن بالحن نومیذانه تصریح کرد : " با توجه به ۰۰۰ وسعت سرزمین اتحاد شوروی - اطلاعات ما درباره میدانهای موشک برای شوروی چسته گریخته است " ؟

افزایش قابل ملاحظه نیروهای لازم برای ایراد ضربات استرخش . میلیتاریستها با شرح نقشهای افزایش تعداد سریع موشکهای بالیستیک فاره بیما و پونکیهای بالیستیک دارای برد متوسط و از جمله موشکهای ستفر در زیر زمینهای اتمی ، که باید در سال ۱۹۶۶ اجرا شود ، حل این مسئله را شرح میکنند . ولی برخی از نمایندگان غرب برآنند که این عامل و عامل قبلی بخرنجی سازمان حمله موشکی را بیشتر خواهد کرد و این امر موجب کاهش ارزش سیاسی استراتژی " قوا بر ضد قوا " خواهد شد و این گاهنر شاید حتی سرعتر از کاهش ارزش نظامی این استراتژی باشد . زیرا نمایندگان فرماندهی نظامی باد شواری هرچه بیشتری خواهند توانست رهبران سیاسی را باغیبار مطلق محاسبات و نقشه ها تیکه بر اساس اطلاعات چسته گریخته سگاه جاسوسی درباره آماجهای دشمن ، تنظیم شده است متقاعد سازند .

سلاحی نظیر بوزیرائی اتمی جهیز موشکهای " پولاریس " یا استراتژی " قواضد قوا " جور در نیاید . طبق ارزیابی عده از از کارشناسان نظامی امریکا این موشکها دارای آن دقت اصابت نمیتند که بتوان آنها را برای ایراد ضربت بر آماجهای نظامی کم وسعت بکار برد . این کارشناسان خاطر نشان میسازند که بنابراین " وظیفه عده این موشکها عبارت خواهد بود از ایراد ضربات درهم شکن بر شهرهای یعنی همان ضرباتی که ما امید داریم از آنها خود داری کنیم " .

نمایندگان واقع بین غرب هنگام بررسی میزان اثر بخشی و چسته واقعی و عملی استراتژی " قواضد قوا " از این استراتژی شعف خاصی در خود احساس نمیتند . آنها معتقدند که حتی در صورتی هم که آن نسبت نیروهای استراتژیک اتحاد شوروی ، که ایالات متحده امریکا میتواند آنها را نابود کند ، طی سالهای شست ثابت بماند (که باید در حقیقت پذیر بینی بسیار خوش بینانه ایست) ، باز میزان ضلک نیروهای که محفوظ

خواهند ماند افزایش خواهد یافت • آنها می‌پسندند بدینجهت * توانائی اتحاد شهری برای ایراد ضربت منهدم کننده بر کشورهای عضو پلوك ناتو را نیز افزایش خواهد یافت *

جنبه خطرناك استراتژی * قواشد قوا " در آنستکه ضرورت پیشدستی در جنگ را ملاحظه فرمایند • آن استراتژی که نایل به پیروزی را از طریق سخنپروهای مسلح دشمن دریافت دارد ، نمیتواند اندیشه "ضربت متقابل" را ملاحظه فراردهد • يك چنین استراتژی پیشدستی در عملیات جنگی و غافلگیری را ملاحظه فرسار میدهد • محافل اجتماعی جهان استراتژی امریکارا بهمین مفهوم ارزیابی میکنند • مثلا پ • بله گستاخ دانشمند انگلیسی در کتاب " پژوهش جنگ " خاطر نشان میکند که شوری " قواشد قوا " بزبان معمولی انگلیسی یعنی تا مین توانائی اقدام به تجاوزاتی و تهدیداتی •

واقعاً هم وقتی که موشکها پرتاب شدند تلاش برای نابودی پایگاههای موشکی دیگر چه نمری دارد و وقتی که هواپیماها به پرواز آمدند و ناوهای جنگی و قیله از همه زبرد ریاضیهای اتعی حامل موشک بمواضع جنگی روانه شدند دیگر حمله به ژوئیاگاههای پانگاههای هوایی و دریائی چه لزومی خواهد داشت ؟ غافل گیری همیشه در جنگ نقش مهم و گاه قاطع داشته است • در شرایط کنونی در باره اهمیت غافلگیری هرچه گفته شود کم است • ولی در آینده بسیار نزدیک امکان غافلگیری استراتژیک مورد تردید جسدی قرار خواهد گرفت •

مسائل مدرن کشف و پیشگیری امکان میدهد که نشانههای پرتاب موشکهای بالیستیک و پیلویر عمده موشک های خاص مقاصد استراتژیک ثبت گردند و در باره پرتاب این موشکها سراسر فرط ندهی مربوطه اطلاع داده شود • فاصله زمانی که طی آن این مسائل میتوانند پیشگیری را تا مین کنند زیاد نیست • البته موشکهای متوسط متجاوزین امریالیست پرتاب شوند با سرعت برق آسایموی هدف روانه خواهند شد ولی از قرائن معلوم اینس امکان خواهد بود که مسائل دفاع ضد هوایی ضد موشکی ، و مسائل استراتژیک مواحد های پیشرو آرتش بحال آماده باش کامل در آیند و توده اصلی هواپیماها با آسمان بلند شوند و موشکهای متقابل را که با همان سرعت برق آسایه کتام متجاوز خواهند شناخت پرتاب نمایند •

بدین طریق جزئی و تحلیل استراتژی " قواشد قوا " نشان میدهد که این استراتژی فاقد جنبه عملی واقعی است • این استراتژی حتی طبق ارزیابی کارشناسان نظامی امریکا موجبات نپیل بهبودهای مطلوب میلیتاریست های امریکائی را در جنگ جهانی هسته ای تا مین نخواهد کرد •



همانطور که قبلا خاطر نشان شد متجاوزین امریالیسم بعنوان راه حل ثانوی برای اختراز از جنگ جهانی هسته ای نظریه جنگهای موضعی محدود و باستانی استفاده و بامستفاده از سلاح هسته ای تاکتیکی را طرح کرده اند • و این اواخر نظریه " جنگ استراتژی محدود " هم پیدا شده است •

تعریف جنگ محدود عبارتست از تصادم مسلحانه ای که در جریان آن طرفین محارب عواملی نظیر هدف های سیاسی جنگ ، نیروها و وسایلی که باید بکار روند ، حدود بیسند ان عملیات جنگی ، تعداد شرکت کنندگان و غیره را از پیش ملاحظه و محدود میکنند •

حتی بررسی و تحلیل اجتمالی نظریه جنگ محدود و هدف تعیین کردن این نظریه را آء کار میسازند • خود هواداران چنین جنگی نیز تا مین نکتته معترفند •

این معادله را با توضیف برخی عوامل که محدود کردن تعدی آنها ، این ارزیابی نمایندگان غرب میباشد جنگ جنبه محدود میدهد • شرح میکنیم •

۱- پارسیف محدود که در جنگ محدود هیچیک از طرفین نباید در برابر خود انچه تا مین هدفهای سیاسی قرار دهد که خارج از مرسوم موجود را بحدی برساند ، که توسعه زیاد داشته عملیات نظامی باشد از پیش

جهانی را موجه سازد * این هدفها باید * اندك و از لحاظ اخلاقی پذیرفته * باشد تا تغییرات اساسی در وضع موجود در پی نداشته باشد *

يك چنین هدفهای * اندك * برای امریکا ، به عقیده شوریسمین های نظامی ، عبارتند از تثبیت تسلط سیاسی و استراتژیک امریکا در مناطق معینی از کره زمین و یا تضعیف مواضع * کشورهای کمونیستی * در یکی از مناطق ، احیا * رژیم سرمایه داری در کشوری از کشورهاییکه راه سوسیالیسم را در پیش گرفته اند ، سرکوب جنبشهای دموکراتیک در کشورهای سرمایه داری و جنبشهای آزاد یخش ملی در کشورهای مستعمره و وابسته * شوریسمین های نظامی غرب در همان حال که همین مقاصد تجاویز کارانه امپریالیسم امریکا هستند خاطر نشان میکنند که امریکا اجباری ندارد در جنگ محدود هدفهای نظامی خود را به مرزهای معین و شرایط سیاسی موجود در آستان شروع جنگ محدود سازد *

بدینسان احتجاجات ایدئولوگ های بورژوا در باره هدفهای * اندك * بکلی بی اساس از کار در می آید * زیرا در آنها محدودیت هدفهای سیاسی و نظامی امپریالیسم بهیچوجه در نظر نیست * پیشنهاد های آنها با طبیعت واقعی امپریالیسم ، که برای احراز تسلط جهانی میکوشد تناقض آشکار پیدا میکند * شوریسمین های نظامی امریکا معترفند (و میتوان گفت که در این اعتراف ذبح هم هستند) که حادثین معضل جنگ محدود استفاده از سلاح هسته ای تاکتیکی در این جنگ است * بفرنجی این معضل از نظر آنها ملاحظاتی زیرین است :

مقدم بر هر چیز باید گفت که نقش روانی سلاح هسته ای تاکتیکی هنوز بحد کافی بررسی نشده و بطور عمده بر پایه فرضیات استوار است * پیشبینی عواقب سیاسی و نظامی و روحی بکار بردن این سلاح ممکن بنظر نمی رسد * طرف مقابل پس از اینکه دید سلاح هسته ای تاکتیکی علیه وی بکار رفته است در پاسخ میتواند شریات هسته ای متقابل ای ، بهمان شدت و یا بسی شدید تر ، وارد سازد * امکان اشتباه متفی نیست و چنین اشتباهی به در گرفتن جنگ جهانی هسته ای با تمام عواقب مهلکی که برای طرفین در بر خواهد داشت ، منجر خواهد گشت * علاوه بر این هیچ تضمینی وجود ندارد که طرفین محارب تقسیم بندی سلاحهای هسته ای بختاکتیکی و - استراتژیک را که بر حسب قدرت آنها انجام بگیرد بر سمیت بشناسند *

و نیز نمیتوان پیشبینی کرد که در تمام مدت محدود چه نوع وسایل حمل و پرتاب سلاح هسته ای تاکتیکی ممکنست مورد استفاده قرار گیرد و آیا اصولا این وسایل را میتوان از توحای واقع در خارج از منطقه جنگ محدود بکار برد یا نه *

بدینسان موهوم بودن محدودیت در بکار بردن سلاح هسته ای عیانست * ایدئولوگ های جنگ محدود ، در عین طرفداری از بکار بردن سلاح هسته ای تاکتیکی ، هیچگونه تعابلی به خود داری از سلاح هسته ای - نهاجنسی استراتژیک ، که بنا با ظاهر آنها ، باید بتوان وسیله ارباب بحال آماده باش باشد ، ندارند * در نظریه جنگ محدود همچنین این ضرورت پیشبینی شده است که شریات اعم از آنکه با استفاده از سلاحهای عادی وارد شوند یا با استفاده از سلاحهای هسته ای تاکتیکی بکند ابه آماج های نظامی معینی محدود گردند و ضمنا مراکز مسکونی بزرگ و آماجهای استراتژیک را در معرض آنها قرار نهند *

موهوم بودن چنین نظری نیز عیان است * فی الواقع نیز هم از نظر تئوریک و هم از نظر براتیک مرز بندی بین آماجهای تاکتیکی و استراتژیک کار بست بردن شوار ، بخصوص که بهیچوجه معلوم نیست که چنین مرز بندی (حتی اگر هم همین گردد) از جانب طرفین محارب قانونی شناخته شود *

بررسی انواع محدودیتها نشانمانستکه اکثریت آنها مجعول و مشروط است * جنگ محدود خطر عظیم تبدیل به جنگ جهانی را در بر دارد ، بویژه اگر در آن سلاح هسته ای تاکتیکی بکار رود * باین مناسبت شوریسمین های امریکائی نیز معترفند *

مثلا کیسینجر گفتگرمیشود که * جنگ هسته ای محدود خود بخود جنگ جهانی تبدیل خواهد شد ، زیرا طرفی که خود را در حال مغلوب شدن می بیند همیشه متابع جدیدی را بکار خواهد انداخت تا وضع خود را بهبود بخشد *

نظریه جنگ محدود که ما بررسی کردیم، بآن صورتی که اکنون عرضه میگردد، بسیار منافع و تحقق آن بسیار شواراست، بخصوص اگر در چنین جنگی سلاح هسته ای تا کنونی بکار رود. نکته جالب توجه در این مورد اظهارات گیلپاتریک معاون وزارت دفاع امریکا است که در یکی از جلسات مصاحبه مطبوعاتی خود در ژوئن سال ۱۹۶۱ گفت: "و اما در مورد آنچه که بمن مربوط میشود باید بگویم که من هرگز جنگ هسته با اصطلاح محدود و اعتقادی نداشته ام. من بهیچوجه نمیتوانم تصور کنم که، وقتی سلاح هسته ای از هر نوع آن بکار برده شود، چطور میشود محدودیتی برای آن برقرار ساخت." *

نظریه جنگ محدود از نظر علمی چیزی جز محاسبه ماجراجویانه امپریالیستهای امریکا برای اقدام بجنگ در خاک کشورهای دیگر نیست.

باید خاطر نشان ساخت که استراتژی "واکنش توأم بانروزش" که ایالات متحدہ امریکا تنظیم کرده است طی دو سال اخیر در بلوک ناتو مورد بحث و مذاکره وسیع قرار گرفته و این بحث و مذاکره موجب بروز تضاد های شدیدی بویژه بر سر مسائل عمده ای نظیر ایجاد نیروهای اتمی، برقراری کنترل در مورد بکار بردن سلاح اتمی، بخصوص در جنگهای محدود و نیز افزایش نیروهای مسلح عادی وغیره، گردیده است.

تا این اواخر ایالات متحدہ امریکا اصرار داشت که نیروهای استراتژیک در انحصار آن کشور باشد و مخالف آن بود که کشورهای اروپائی چنین نیروهای را در کادری برای خود بوجود آورند. مفهوم سیاسی چنین نظریه ای آنستکه در آینده نیز تسلط بلا منازع امریکا در بلوک تائمین باشد و متحدین اونحت فشار سیاسی و نظامی باشند. برخی از کشورهای اروپائی، و در درجه اول فرانسه، با این نظر مخالفت میکنند.

مذاکرات چندینی پیشگندی و مک میلان با انعقاد با اصطلاح "پیمان ناسائو" منجر گردید و در این پیمان ایجاد نیروهای استراتژیک "جند جانم" بلوک پیشرینی شده است. طبق اظهار کندی رئیس جمهوری امریکا سرنوشت این تصمیم معلوم خواهد کرد که "آیا اتحاد رومنائی خواهد گذارد" و یا اینکه "مذاکره عالمگیری" از آمادگی نظامی راتمین خواهد کرد.

مسئله برقراری کنترل در مورد بکار بردن سلاح اتمی نیز اختلافاتی را پدید آورد که شدت آن از اختلافات مربوط به مسئله ایجاد نیروهای استراتژیک بلوک کمتر نبود. انحصار ایالات متحدہ امریکا بر سلاح هسته ای در کادری بلوک ناتو بکار بردن این سلاح را به تصمیم رهبری سیاسی و نظامی امریکا وابسته میکند. و لسیسی متحدین اروپائی امریکا نمیکشوند که سرنوشت آنها در مورد "افیتاوس تعیین نبود. آنها خواستار آنستند که بکار بردن سلاح هسته ای وابسته به اتخاذ تصمیم مشترک باشد.

اصرار امریکائی ها در مورد اینکه کشورهای اروپائی عضو بلوک ناتو نیروهای مسلح عادی خود را افزایش دهند با مقاومت روبرو میشود، زیرا چنین افزایشی موجب افزایش بیشتر از پیش هزینههای نظامی میگردد و با نقشه برخی از کشورهای و در درجه اول فرانسه در باره ایجاد نیروهای استراتژیک ملی تضاد پیدا میکند.

*

در نتیجه کامیابیهای علمی که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در تمام شئون پدست آوردہ اند محافل امپریالیستی معینی رفته رفته دارند باین حقیقت اعتقاد پیدا میکنند که نه فقط در هم شکستن سیستم سوسیالیستی محال است بلکه معتقد میشوند که در صورت درگیری جنگ جهانی جدید امکان محال - سرمایه داری امریست اجتناب ناپذیر.

وجود وسائل موشکی هسته ای استراتژیک اتحاد شوروی عامل راند بزرگی است که راه را بر تجاوز - امپریالیست سد میکند و میلیتاریست ها را به اخترا از جنگ جهانی هسته ای وامیدارد. ولی این امر هنوز تعیین مطمئنی در قبال جنگ نیست، زیرا در اردوگاه امپریالیست ها محافل مرجع افراطی و ماجراجو وجود دارند. بخلاوه جنگ ممکنست در نتیجه یک تصادف یا حساب غلط درگیر شود.

سیستم جهانی سوسیالیسم و جنبش آزادیبخش ملی

تبادل نظر

در دسامبر سال ۱۹۶۲ اداره مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" جلسات جدیدی را برای تبادل نظر بین شوریمین های مارکسیست در شهر پراگ ترتیب داد. موضوع بحث عبارت بود از: "سیستم جهانی سوسیالیسم و جنبش آزاد یبخش ملی".
سه جانب این موضوع مورد توجه خاص حضار قرار گرفت:

- ۱- وجود سیستم جهانی سوسیالیسم شرط پیروزی جنبشهای آزادی بخش ملی؛
- ۲- سوسیالیسم جهانی و استقلال اقتصادی کشورهای نواستقلال؛
- ۳- سوسیالیسم جهانی و پیشرفت اجتماعی در کشورهای نواستقلال.

خلاصه ای از این بحث با حفظ ترتیب جوانب سه گانه موضوع زیرینا از نظر خوانند خواهد گذشت.

۱- وجود سیستم جهانی

سوسیالیسم شرط پیروزی جنبش آزاد یبخش ملی

جنبش آزاد یبخش ملی یکی از بهترین عوامل انقلابی دوران ماضی است. نیروی مقابله و برتری این جنبش وابسته بآنستکه ملل مشتاق آزادی تاجه خود در مبارزه فعال باشند. در عین حال همانا در که شرکت کنندگان در این تبادل نظر با لاتفاق خاطر نشان ساختند مسائل جنبش آزاد یبخش ملی را فقط با توجه به سه تضاد عمده دوران کنونی یعنی تضاد بین سوسیالیسم و سرمایه داری میتوان بدرستی ارزیابی و درک کرد.

آکادمیسین انوشیروان آرزومانیان (اتحاد شوروی) ضمن سخنرانی خود گفت:

سه تا قبل از انقلاب کمپرسوسیالیستی اکثریت این نخستین دولت پرولتری ملل موفق به برانداختن سیداره استعماری نشده بودند. تحت تاثیر مستقیم انقلاب سوسیالیستی مبارزه آزاد یبخش در کشورهای مستعمره دامن گرفت. سیستم استعماری وارد مرحله بحران عمیق شد.

پانشکیل و تحکیم سیستم جهانی سوسیالیستی شرایط لازم برای خلاصی سیستم استعماری امپریالیسم و پیروزی مبارزه آزاد یبخش ملی از هر جهت فراهم شد. نخست آنکه سوسیالیسم جهانی اکنون به نیروی بی بدل میشود که سیر شامل جامعه انسانی را تعیین میکند. سوسیالیسم جهانی اکنون بحامل بین الطللی قاطع برای پیروزی جنبش آزاد یبخش ملی در سراسر جهان تبدیل شده است. دوم آنکه ملل تمام قاره ها مبارزه در راه رهایی خود برپا داشته اند. در عین حال مبارزه ملل آسیا، آفریقا و امریکای لاتین علیه استعمار

اشنخشی مبارزه آزاد یبخش ملی را بسی افزایش داده است . سوم آنکه امپریالیسم لطمات جبران ناپذیری خورده است . در مبارزه بین دو سیستم ضعف سیاسی ، اقتصادی ، نظامی واید ژئولوژیک امپریالیسم پیوسته با وضوح بیشتری مشخص میگردد . در شرایط جدید امپریالیسم قادر نیست با وسائل نظامی یا وسائل دیگر از برپا شدن امپراتوریهای استعماری جلوگیری کند .

ملل سازنده سوسیالیسم و کمونیسم ، جنبش انقلابی طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری ، مبارزه آزادی بخش ملی ملل مستعده و جنبشهای عمومی دموکراتیک - همه این نیروهای عظیم دوران کنونی اشعاعات سیل خروشان واحدی هستند که ارمان سیستم جهانی امپریالیستی را میسایند ویران میسازند .

انیتو سوارسی (اوروگوا) خاطر نشان ساخت :

- در اعلامیه جلسه مشاوه سال ۱۹۶۰ نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری گفته میشود که مبارزه آزادی بخش ملل کشورهای مستعمره و وابسته مهمترین حادثه تاریخی پس از انقلاب اکتبر است . تصادفی نیست که این سند ضمن تحلیل سیر تکامل دوران کنونی ، انقلاب اکتبر و مبارزه آزاد یبخش را ، که رسالت آنها تحول بنیادی و سریع واقعیت جهان کنونی است ، باید یکدیگر مربوط میداند .

اید ژئولوگ های مختلف ادعا میکنند که احکام مارکسیست - لنینیست بدرده کشورهای که بمبارزه در راه رهایی از قید امپریالیسم مشغولند ، نمیخورد . اینان تاثیر انقلاب اکتبر را در پیروسه تلاشی سیستم استعماری امپریالیسم میزنند . بی مگر بدون انقلاب اکتبر وقوع تحولات عظیمی که صد هابیلیون تقریاً از قید زنجیرهای امپریالیسم رها ساختن ممکن بود ؟ مگر بدون تارومار رژیم هیتلری ، فاشیسم ایتالیا و میلیتاریسم ژاپن - در دوین جفک جهانی ، تحولات جدید در جهان مستعمرات و کشورهای وابسته امکان پذیر بود ؟ مگر بدون مارکسیسم - لنینیسم این پیروسه میتوانست مقیاسی را که اکنون دارد ، کسب کند .

امروز برای اید ژئولوگهای بورژوازی منکوم داشتن اهمیت بین المللی انقلاب اکتبر و تاثیر تعیین کننده آن در رهایی ملل مستعمره پیوسته دشوارتر میشود .

انیتو (اندونزی) نیز تاثیر متقابل سوسیالیسم جهانی و جنبش آزاد یبخش ملی را خاطر نشان - ساخت و گفت :

- روابط بین سیستم سوسیالیستی و جنبش آزاد یبخش ملی عبارتست از روابط بین دو نیرو در چارچوب یک جنبه واحد یعنی جنبه نیروهای اعتلایاننده که ارد و گاه سوسیالیستی ، کشورهای نواستقلال - سوسیالیسم امپریالیستی ، ضد استعماری و سایر نیروهای مرفی جهان را در بر میگیرد . این جنبه علیه جنبه نیروهای کهنه ای که تمام کشورهای امپریالیستی و همه اشکال استعمار و استعمار " نوین " و مجموعه نیروهای ارتجاعی جهان را در بر میگیرد - در مبارزه است . روابط درون جنبه نیروهای اعتلایاننده عبارتست از روابط - پشتیبانی متقابل و رعایت منافع مشترک . اگر کشوری مورد پشتیبانی قرار گیرد این پشتیبانی را باید بسا سپاسگزاری بپذیرد . اگر کشوری پشتیبانی کند این پشتیبانی را باید بدارک و وظیفه خود انجام دهد .

سیس انیتو توضیح میدهد از اظهارات د . ن . آیدیت را قراشت کرد : " پیروزی سوسیالیسم در یک کشور برای انقلابهای بورژوا دموکراتیک در کشورهای مستعمره و وابسته این امکان را بوجود آورد که با نیروهای انقلاب ملی علیه امپریالیسم متحد شوند . در این شرایط جنبش آزاد یبخش ملی به جنبش وسیع - سوسیالیستی و ضد فئودالی بدل گردید و این جنبش مبارزه میکند تا حکومت مردم بعنوان یک مرحله انتقالی در راه ایجاد جامعه سوسیالیستی مستقر گردد .

این واقعیت که اکنون ارد و گاه نیرومند سوسیالیستی و سیستم جهانی سوسیالیستی وجود دارد برای - جنبش آزاد یبخش ملی مزایای عظیم ایجاد میکند و همه جا بپسریع پیروزی آن کمک میکند . وجود ارد و گاه نیرومند سوسیالیستی امپریالیستهارا وادار میسازد که قبل از دست زدن به عملیات علیه ملل مبارزه راه آزادی ملی در بیانند یکنند .

ارد و گاه سوسیالیستی و جنبش آزاد یبخش ملی در دوران ما جنبه بین المللی شد استعماری ، هوادار

صلح و ضد امپریالیستی را تشکیل میدهند . منافع مشترک مبارزه علیه امپریالیسم جهانی آنها را بطور محکم بیکدیگر پیوند میدهد . وحدت منافع آنان بنیاد استواری برای مناسبات متقابل که بین این دنیوی مقتدر برقرار شد صوری همکاری آنها بیکدیگر و نیز برای تعاون مشترک بوجود میآورد . طبیعی است که امپریالیستهای با تمام قوا میکوشند در این جنبه بین الطلی شکاف ایجاد کنند و ریشتهای پیوند بین جنبش آزاد بیخشم ملی وارد و گاه سوسیالیستی را تضعیف نمایند و در عین حال از مبارزه ضد امپریالیستی جلوگیری کنند .»

پدر مونا لیا (برزیل) سوسیالیسم را برسبیل تشبیه تعیین (کاتالیزور) جنبش های آزاد بیخشم نامید . شرایط دوران کنونی و نفوذ روز افزون سوسیالیسم در سیر تکامل جهانی امکانات تنوع انتخاب طرق نیل به پیروزی انقلاب آزاد بیخشم ملی را افزایش میدهد .

رایسون باربه (فرانسه) نیز ضمن شرح مبارزه ملل افریقا در راه آزادی توجه حضار را بهمین نکته جلب کرد و گفت :

— ملل افریقای از تضعیف روز افزون امپریالیسم و دشواریهای هر چه بیشتر آن استفاده کردند . دول استعماری انگلیس ، فرانسه و دیگر نمیتوانستند جلوی سبزه های آنهارا بگیرند . مبارزه آزاد بیخشم ملل افریقا و از جمله « مستعمرات سابق فرانسه مورد پشتیبانی جنبش کارگری و مکرانیک فرانسه قرار گرفت . پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی و از جمله سیاست خارجی اتحاد شوروی و مبارزه آن در سازمانهای بین الطلی و نیز کمکهایی که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برای شالوده ریزی اقتصاد ملل آزاد شده و تقویت استقلال آنان باین ملل مبذول داشتند همزمان زیادی به آزادی ملل افریقا مساعدت نمود . در چنین شرایطی کشورهای مختلف افریقای سیاه بطور همزمان یا تقریباً بطور همزمان استقلال سیاسی خود را از راه مسالمت آمیز بدست آوردند .

توفیق تکالی (مراکش) تأییدی را که تناسب قوای موجود در عرصه جهانی در جریان جنبش آزاد بیخشم ملل میباشد شرح کرد و گفت :

— صد سال پیش بیک رضنا و حتی یک قایق توپ در نمیتوانست قیام آزاد بیخشم را سرکوب کند . ولی اکنون در زیر توجیه انقلابی کشورهای سوسیالیستی و همبستگی بین الطلی ملل مبارزه راه استقلال ملی ، در پرتو کمکهای مادی ارد و گاه سوسیالیستی — مبارزه آزاد بیخشم را نمیتوان در منطقه نابود کرد . جنبش آزاد بیخشم ملی امروز دیگر مجزا و منفرد نیست ، علاوه اوضاع واحوال جهانی و سیاست همزیستی مسالمت آمیزه کامیابی آن مساعدت میکند . در شرایط همزیستی مسالمت آمیز مللی که هنوز در قید ستم مستقیم امپریالیسم با تحت نفوذ اقتصادی آن قرار دارند میتوانند برای نیل برهائی فلسفوی یا احراز موفقیت مبارزه کنند . ایسن مبارزه ممکنست مسلحانه باشد یا مسالمت آمیز (کمونیستها در چارچوب همزیستی مسالمت آمیز امان جنگ نجات بختر آ نیز ، در آنجا که امپریالیسم دست باعمال قهر مستقیم میزند ، از نظر دور نمیدارند) شرکت کنندگان تبادل نظر تصریح کردند که همزیستی مسالمت آمیز ، صلح باید از طولانی و صلح سلاح عمومی ، مهمترین شرایط تکامل موفقیت آمیز جنبش آزاد بیخشم در آسیا ، افریقا و آمریکای لاتین هستند .

عزیز الحاح (عراق) این مسئله را مطرح کرد که :

— اگر جهان در اثر جدت جهانی هسته ای ضمیمه گردد آیا میتوان برای جنبش آزاد بیخشم ملی در عرصه فائق شد ؟ اوسپر گفت حوادث سالهای اخیر با وضوح تمام ثابت کرده است که فقط در شرایط صلح است که جنبش آزاد بیخشم ملی میتواند بکامیابیهای برجسته نائل آید . پیدا ایند همبکشوری نواستقلال آسمیانی و افریقای ملی سالهای اخیر مویده این حقیقت است . انقلاب برافراشته اروپا نیز این امر را تأیید میکند . سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز که اتحاد شوروی تعقیب میکند مورد پشتیبانی توده عظیم مردم است و عللاً نشان میدهد که کمونیسم با صلح آمیخته است . حال آنکه سرمایه داری و امپریالیسم منشا جنسگ هستند .

عدول از سیاست همزیستی مسالمت آمیز امنیت و موجودیت کره زمین را در معرض خطر قرار میدهد . اهمیت مبارزه در راه صلح و همزیستی مسالمت آمیز و نیز پیوند ارگانیک این مبارزه با مبارزه آزاد ییختر ملی طلس بسه کمونیستهای کشورهای مستعمره ، وابسته و نواستقلال حکمچینند که مسائل ملی و حوادث ملی را با توجه با ارتباط محکم آنها با واقعیات عمومی جنبش انقلابی بین المللی و ویژه با توجه به ارتباط محکم آنها با وظایف مبارزه در راه خلع سلاح عمومی و تأمل در نظر بگیرند .

بسیاری از سخنرانان خاطر نشان ساختند که در تنظیم و تدوین استراتژی و تاکتیک صحیح جنبش کارگری در کشورهای که برای رهائی خویش مبارزه میکنند نقش عظیم را آن چرخش تاریخی در جنبش جهانی کمونیستی ایفا کرده است که کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی آنرا آغاز نهاد .

فرناندو گومز (مکزیک) گفت : پراکنش بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی و جلسه مشاوره سال ۱۹۵۷ احزاب کمونیست و کارگری مبارزه نظیم استعمار نیروی جدیدی کسب کرد .

توفیق نکالی اهمیت تجزیه و تحلیل خلاق مسائل جنبش آزاد ییختر ملی را خاطر نشان ساخت و گفت : - تحلیل مارکسیستی صحیح بجا امان میدهد از اشتباهاتی نظیر کم بها دادن به بعضی عوامل معنوی هستند وجود داشته باشد و این عوامل ممکنست برای کماتیک شعور اجتماعی آنها در شرایط ویژه ای تسکین یافته است ارتجاعی پدید آید و حال آنکه این عوامل بطور عینی در جهت مثبت عمل میکنند .

توفیق نکالی بر اساس تجربه کشور خویش میسب گفت : باید در نظر گرفتن اینکه استعمار میگوید سیمای ذاتی خلق را از وی سلب نماید و آنرا از لحاظ معنوی خلع سلاح کند ، جسمها و سرمنشأ سن و آداب و رسوم خلق را بختکند و قفا^۱ داشته تاریخی آنرا برپری برده سیاه بکشاند - روس تریز در لحظه تاریخی معین بجات از آنست که موجودات دفاع و احیا^۲ داشته مشترک خلق با تمام تنوع آن فراهم گردد و در باره این گفته تبلیغ شود . سخنران معتقد است که این امر در حد و در معین و در شرایط معین میبواند حتی در مورد مذکور هم صدق کند ، در آن حد و در یک مذهب تأمل تفریق و تفکیک را در مقابل استعمارگران تشکیل میدهد و بدینسان بجز عینی دارای جوان مفرق است . نامین رستاخیز معنوی ملت بر اساس اشتراک فرزندک آن ، عامل دینار شمار میرود زیرا چنین رستاخیزی مبارزه علیه استعمارته فقط در رشته خواستههای اقتصادی و سیاسی بلکه همچنین در رشته ایدئولوژیک نیز کمک میکند .

ایدریس کوکس (بریتانیای کبیر) گفت :

- امروز محاری اساسی استراتژی استعمار^۳ نویسن " عبارتست از :
۱ - " بازار مشترک " ، ۲ - ساختن لوواژ کمونیسم ، ۳ - با اصلاح " برنامههای گفت " که هدف آنها حفظ نفوذ سیاسی و قدرت اقتصادی امپریالیسم در کشورهای مستقل است .

رایبون باره نیز ضمن سخنرانی خود اسلوبهای استعمار توین امپریالیسم را تصریح نمود و گفت : امپریالیسم که چه بر سر است بکله جنبشهای تن در دهد و از مشکلاتی ساین تسلط دست بردارد برای استعمار " نسوین " شعوری ویرانیک طرح کرده است . فقط استعمار گران پرتغالی و اسپانیایی ممنون سیاست استعمار مستقیم ، که حکومت آن روز بروز بیشتر آشکار میگردد ، وفادار مانده اند . جنبه کشورهای سرمایه داری اروپا مشکلاتی را که بیشتر با ترمنوع نام است برای حفظ تسلط خود بکار میبرند ، بدینمعنی که میگویند " توان جمعیت اقتصادی و نظامی و سیاسی خود را بگردن کشورهای نواستقلال بند آرند .

رایبون باره در ادامه سخن گفت : در مورد مسعمرات سابق تازه بازار مشترک اروپا نقش بسیار زیان بخشی را بازی میکند زیرا در قبال امتیازاتی بسیار ناچیز و محدودی هجوم ، میگویند چشم بونی از حق حاکمیت را بکنشورهای آفریقای تحمیل نمایند . علاوه بر این کشورهای کنونی آفریقا در داخل مرزهای پدید آمده اند که دول استعمار گران به نظام امتیلا (پاپرازان) خود سرانه معین کرده بودند . این مرزهای مصنوعی با ب مسائل متعددی را در رشته ملی مخلوع میگذازند . از این گذشته امپریالیسم فرانسه در آفریقای غربی و استوایی

سیاست * بالکانیزاسیون * (۱) را اعمال میکرد که در لحظه تحصیل استقلال کار را به پیدایش کشورهای کم جمعیت منجر ساخت * رهبران این کشورها ضعف خود را در قبال کشورهای بزرگ امپریالیستی احساس میکنند * از اینجاست پیدایش تمایلی جدید گروه بندیها * تنها امپریالیسم مرکز تلاش برای اعمال نفوذ و تأثیر در این گروه بندیها دست نکشیده است *

تلاشی سیستم استعمار

در لحظه انقلاب بکبیر اکثر استعمارات و کشورهای نیمه مستعمره و وابسته ۷۷٪ درصد خاک جهان را تشکیل میدادند و ۶۹٪ درصد جمعیت کره زمین در این کشورها زندگی میکردند * در پایان سال ۱۹۶۲ کشورهای با جمعیتی قریباً ۱٫۵ میلیارد نفر از جنگ استعمار بیرون هستند * مساحت این کشورها ۵۶٪ درصد کل مساحت خاک جهان است *

دول استعمارگر قسمت اعظم سرزمین‌هایی را که پیش از این در آنها تسلط بلافاصله داشتند از دست داده اند * مثلاً انگلستان اکنون از ۶۰ درصد خاک و ۹۰ درصد جمعیت امپراتری خود محروم شده است *

امروزه قریب ۹۷ درصد خاک آسیا و قریب ۷۵ درصد خاک افریقا متعلق به کشورهای مستقل است * برجای استعمارات سابق امروز بیش از ۵۰ کشور مستقل وجود آمده است * از ۱۱۰ کشور عضو سازمان ملل متحد، نیمی از آنها یعنی ۵۵ کشور از آسیا و افریقا هستند *

امروزه هنوز کشورهای با مساحت ۷٪ درصد مساحت خاک جهان و جمعیتی برابر با ۱٪ درصد جمعیت جهان در قید زنجیر استعمار هستند *

سیاستی از سخنرانان در جریان تبادل نظر این قهرمان خادرنشان ساختند که سیستم جهانی سوسیالیستی بهترین عامل پیروزی انقلابهای ملی است و در همین حال سبب ضعفی را برای دفاع از جنبش آزاد بیختر فلسفی تشکیل میدهند و پیروزیهای ملل را در قبال صد و امپریالیستی ضد انقلاب حفظ میکنند * همانطور که پهل فریدلند در سخنرانی خود متذکر شد سیستم جهانی سوسیالیستی وظیفه ضد استعمار " نوین " را نیز انجام میدهد * اولاً: " قانون عام اینست که نیروهای سوسیالیسم جهانی در همه قتل‌نیوه‌ها و مناجازات امپریالیسم را، که علیه کشورهای نواستقلال می‌جویند محدود میسازند ، فلج میکنند و پراثر میسازند و در برابر نقشه‌های استعماری این نیروها، که در شرایط تلاشی سیستم استعماری امپریالیستی خدلت نژادگولونیالیستی کمسب نمیابند ، سد ایجاد میکنند *

۲- سوسیالیسم جهانی و استقلال

اقتصادی کشورهای نواستقلال

سوسیالیسم با کمک به کشورهای نواستقلال در امر ممالوده ریزی و پیشرفت اقتصاد آنان در همین حال با آنها

(۱) - بالکانیزاسیون: تخمین آنها صحت و البتهای کوچک باشد بد تناقضات بین آنها بعد از حقیقتاً تسلط بر آنها * مترجم *

کوک میکند تا به عقب ماندگی در بین خود در رشته اقتصادی و فرهنگی پایان دهند و هر سفره‌هایی از قید تسلط امپریالیستی را با انجام رسانند .

همگامی که در تبادل نظر شرکت داشتند خاطر نشان ساختند که انقلاب آزاد میخس ملی یا انقلاب دموکراتیک ملی نمیتواند فقط در کار و وظائف تشکیل دولت مستقل محدود بماند (بخصوص که استقلال سیاسی کشورهای که آزاد میشوند اغلب صلاح صوری از کار در میآید) ، وظیفه آنست که از قدرت بعنوان اهرمی برای شالوده ریزی و پیشرفت اقتصاد ملی ، برای ریشه کن ساختن استیلای اقتصادی انحصارات استفاده بعمل آید . بدین مناسبت کک اقتصاد اردوگاه سوسیالیستی کشورهای آزاد شده نقش مترقی عظیمی ایفا میکند .

د . ن . * آیدیت میگوید : " در حال حاضر نقشه‌های تبهکارانه امپریالیستها ۰۰۰ با مقاومت شدید قدرت اقتصادی روزافزون کشورهای سوسیالیستی روبرو شده است . ۰۰۰ روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی به کشورهای نواستقلال امکان میدهد از طریق بازرگانی کالاهای اساسی لازم برای صنعتی ساختن اقتصاد خویش و استقلال سطح زندگی مردم دریافت دارند . ۰۰۰

قدرت نیروهای مولده مدرن در کشورهای نواستقلال و فقدان تقریباً کامل بخش (سنکتر) صنعتی و فقر از طرف العاده مردم ، برای کشورهای مذکور این ضرورت را پدید میآورد که (به موازات بسنج منابع داخلی خود) از کشورهای رشد یافته تر بمنظور احداث بنیاد صنایع سنگین کک اقتصادی دریافت کنند . ککی که تاکنون از طرف کشورهای سوسیالیستی انجام گرفته و همچنان ادامه دارد ثابت میکند که سیستم جهانی سوسیالیستی تکیه گاه نیرومند کشورهای نواستقلال در تلاش آنان برای شالوده ریزی اقتصاد ملی و رهائی اقتصاد آنان از قید وابستگی امپریالیستی و ترفیع سطح زندگی ملل آنانست . "

توفیق تنالی گفت :

– همکاری اقتصادی بین کشورهای کمرشند وارد و گاه سوسیالیستی که از هیچ وین با " کک " کشورهای سرمایه داری متفاوت است این هدف را در برابر خود قرار میدهد که بخشهای (سنکتر های) اقتصادی – ارتجایی متضاد با منافع کشور را تحکیم بخشد و یا حاکمیت ملی آنرا مختل سازد . مقصود از این همکاری مساعدت به صنعتی ساختن کشور و تکامل بنیاد اقتصادی آن از طریق احداث کارخانه ها ، بنگاههای برقی آبیسی و راهسازی ، بکلمه اعتبارات دراز مدتی است که با بهره ناچیز واگذار میگردد .

کشوریکه چنین کمکی دریافت نمیدارد بر اساس شرایط سود مند بنگاههای ملی مستقل از انحصارات بیگانه برای خود احداث خواهد کرد . میتواند وامهای خود را ، بجای پرداخت ارز ، با فروش مواد خام و یا قسرا آورده های صنعتی خود به نرخ بالاتر از نرخ جهانی ، واریز کند .

بعضی ها جوانب معین کک کشورهای سوسیالیستی را ، هنگامیکه چنین کمکی به کشورهای انجسام میگردد که سیستم سیاسی آنها بحد کافی دموکراتیک نیست ، درک نمیکند . ولی کشورهای سوسیالیستی مد رسوب بیمارستانها برآه میسازند یعنی بهداشت و زندگی و فرهنگ مردم در یافت کننده کک را بهبود میبخشند . این کک از بالای سرگمانیکه زمام امور را بدست دارند ، در همان آینده را برای خود مردم میگذارد .

پوری پیوف (اتحاد شوروی) در سخنرانی خود خاطر نشان کرد که کک کشورهای سوسیالیستی کشورهای نواستقلال و روابط اقتصادی جدیدی که بین آنها برقرار میگردد بطلی که راه تکامل مستقل در پیش گرفته اند امکان میدهد با احراز موفقیت در راه برانداختن عواقب تسلط استعمار و تدبیر سازمان روابط اقتصادی جهانی مبارزه کنند . پوری پیوف ضمن تشریح این مسئله گفت :

– با تکامل سیستم جهانی سوسیالیستی تغییرات کیفی مهمی در عرصه روابط اقتصادی جهانی روی داده است . یکی از این تغییرات از زمین رختن انحصار امپریالیستها در رشته وام دادن و صدور ماشین آلات و نیز در رشته معلومات نقلی است . برای از بین بردن این انحصار حداقل شرایط زیر ضروری بود . نخست آنکه در روابط تلاش سیستم استعمار امپریالیسم اکثریت قاطع کشورهای آسیا ، افریقا و امریکای لاتین برای نخستین بار در تاریخ خود امکان یافتند با کشورهای سوسیالیستی روابط اقتصادی مستقیم برقرار کنند .

دوم آنکه افزایش امکانات اقتصادی کشورهای سوسیالیستی امکان افزایش کمک به کشورهای کم رشد را فراهم ساخت *

بازبین رفتن این انحصار امپریالیستی برای کشورهای کم رشد این امکان علی بدید میگرد که سرمایه غرب را وادار به گذشتنهای مهم نماید * گذشتنهای " امپریالیستها بویژه در شرایط سابقه کشورهای سوسیالیستی با آنها چینه ناگزیر بخود گرفته است * این امر در واقع کمک مستقیم خاصی است که از طرف کشورهای سوسیالیستی به کشورهای کم رشد انجام میگردد * کمک کشورهای کم رشد در دوران ما رشته مهمی در سابقه بین دو سیستم اجتماعی و اقتصادی شده است *

مخترانان مذاکره کننده که کمک کشورهای سوسیالیستی بخصوص نقش مهمی در امر ایجاد بخشد ولتسی ایفا میکنند * نقش جایی که این بخشد در اقتصاد کشورهای آزاد شده ایفا میکنند در جریان تبادل نظر مورد بحث پرشور قرار گرفت *

نوشه وان آرژانتینان گفت :

— فقط بخشد ولتی که مواضع کلیدی اقتصاد را در دست خود متمرکز کرده باشد میتواند علیه امتیالی انحصارات یا احراز موفقیت مبارزه کند و سازمان استعماری اقتصاد را درهم شکند وضعیت ساختن کشورهای — کم رشد را تا مین نماید * تجربه نشان میدهد که کشورهای نوظدید ناچارند راه ملی کردن دارای شرکتی خارجی و تمرکز مواضع کلیدی اقتصاد در بخشد ولتی را در پیش گیرند * ایجاد و تکامل این بخش ، بیشک در حکم عدول از اسلوبهای سنتی سرمایه دار نیست *

تا بنحیثه آرژانتینان بخشد ولتی خصلت سرمایه داری دولتی را در * ولی در عین حال این بخش بدوربینی غامبی است علیه امپریالیسم و علیه " بیعت سرمایه داری خصوصی *

بوروآزی امپریالیستی در تلاش خود برای نگاه داشتن کشورهای کم رشد در سیستم اقتصاد جهانی سرمایه داری با تمام قوا میکوشد تا تسلط " انکار خصوصی انفرادی " را بر زبان بخشد ولتی حفظ کند ، ولی در عین حال نمیتواند این عامل را بحساب نیامرد که بخش دولتی در اقتصاد این کشورها بطور استوار مستقر میگردد * بدینسان سبب امپریالیستهای تا کنون جدیدی علیه بخشد ولتی دست زده اند ، بدینمعنی که بدون نقسی ضرورت صنعتی ساختن و ضمن موافقت با کمک به بخش دولتی میگردند این بخشد را به پستوهای اقتصاد ملی برانند و در عین حال مواضعی را در دستگاه دولتی کشورهای کم رشد تصرف کنند که بکمک آنها بتوانند بحرمایه داری خصوصی میدان وسیع بدهند و این کشورها را در قلمرو اقتصاد سرمایه داری جهانی نگاهدارند *

پشتیبانی نیروهای مترقی و از آنجمله احزاب کمونیست کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره سابق از اقداماتی که در رشته تحکیم بخشد ولتی بعمل میآید ، بر اساس این ملاحظاتی انجام میگردد که تکامل بخشد ولتی در — اقتصاد این کشورها :

— در حکم ادامه سنتی مبارزه علیه امپریالیسم است و در بسیاری موارد وسیله مستقیم است برای تعرض بمواضع انحصارات امپریالیستی ؟

چنین تکاملی میتواند شکل موثری برای بسیج منابع ملی و سوق آنها بنوی بهترین رشته های اقتصاد ملی باشد و در بسیاری موارد چنین شکلی هست ؟

میدان عمل سرمایه داری خصوصی را در اقتصاد ملی محدود میکند ؟

از اقتصاد ملی در نیال عواقب مملکت کشورهای کم رشد در بازگانی جهانی در چهارچوب بازار سرمایه داری جهانی دفاع میکند (بخصوص در صورت وجود انحصار سرمایه خارجی) ؟

موجببات لازم را فراهم میسازد برای آنکه از تجارب کشورهای سوسیالیستی در رشته برنامه گذاری صنعتی کردن ، جنبش مولدین کوچک به کثیرانیوها و غیره بنوید پیشرفت جامعه استفاده بعمل آید *

آرژانتینان در ادامه سخن گفت :

— اکنون بخشد ولتی در کشورهای آزاد شده فقط شامل مجموعه ای از نگاههای دولتی است که بحالت ناچیز بودن نسبت آن در مجموع اقتصاد بهترها شکل اساسی مناسبات تولیدی را در جامعه این کشورها تغییر میدهد *

با این ارزیابی بسیاری از شرکت کنندگان تبادلی در موافقت داشتند. در عین حال بسیاری از حاضرین اظهار نگرانی کردند که در این مورد تنها یک ارزیابی عمومی کافی نیست و باید نقش خرد و ملی را در شرایط تاریخی مشخص و در هر کشوری بطور مشخص ارزیابی کرد.

فرناندو کوئرتز گفت: صنعت ملی نفت در مرکز یک ثروت بزرگ و آرزوی حاکم را بر زبان مردم افزون ساخته. زیرا مردم برای نفت سوخت قیمت گرانتری میپردازند و نرخ حمل و نقل بارها آهسته تری ترقی بیشتری کرده است. ولی در عین حال ما معتقدیم که این ملی شدن بسبب آنکه بنگاهها را از چنگ امپریالیسم خارج میسازد برای پیشرفت اقتصادی کشور سودمند است زیرا موجب ایجاد پیشرفت ملی را فراهم ساخته است.

محمد الشیخ (تونس) در سخنرانی خود خطبتهای متضاد نقش دولتی را مورد تجزیه و تحلیل جالب قرار داد و گفت: برای آنکه ماهیت سرمایه داری دولتی در کشورهای آزاد شده بدرستی درک شود باید به نقطه

مبداء بازگشت و نشان داد که سرمایه داری دولتی در کشورهای نواستقلال چگونه پدید آمده است. در برخی از کشورهای نواستقلال بجزواری ملی اصلا وجود ندارد. در کشورهای دیگر این بجزواری در لحظه آزاد میجوید داشته است. بجزواری ملی با قدرت دست داشتن قدرت سیاسی میجوید از این قدرت برای ایجاد بنیاد اقتصادی که سابقا امپریالیسم بود اجازه ایجاد آنرا نمیداد استفاده کند. طبیعی است این بجزواری مقدم بر هر چیز سرمایه داری خصوصی موشل میکرد و ملی عناصر را قبل آن

دولتی تر بود و مسئله استقلال ملی قبل از دوام جنبه جهانی میزان متوسط ارزیابی سالانه گل برآمده ها در کشورهای مستعمره بواسطه درصد بزرگ درصد بود ولی در سالهای شصت این میزان به چهار درصد در سال رسیده است. سهم کشورهای کم رشد در تولید صنعتی جهان سرمایه داری در فاصله بین سالهای ۱۹۱۵ - ۱۹۶۱ از ۹ درصد به ۱۳ درصد رسیده. این امر نتیجه آزادی ملی و آزرین روشن اشکال غیر اقتصادی استعارا استمارد است. ولی این نقطه گام اول است. زیرا در سوم جمعیت جهان سرمایه داری در کشورهای مورد بحث زندگی میکنند.

خیلی زود متوجه میشوند که این راه به بن بست منجر میگردد. آنوقت است که سرمایه داری دولتی متکی میشوند. بنابراین سرمایه داری دولتی در دین و امر بعنوان وسیله ایجاد بنیاد اقتصادی برای بجزواری ملی پدید میگردد.

مثلا در کشورهای تونس در حالت دولت در اقتصاد ناشی از ضعف سرمایه داری ملی است که ناشی از تعالیق دولت بسوی شامل کشور در راه غیر سرمایه داری. دولت فقط در آن وقت میتواند تولید را به دست خود بگیرد که بجزواری تونس قادر به اکتساب نیست و برعکس هر جا که بجزواری ملی نتواند پیشرفت کند یعنی در کشاورزی و در رشته بازرگانی - در آنجا دولت به بجزواری ملی آزاد عمل میدهد.

" باج " سالیانه ای که امپریالیسم از کشورهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین در قبال مبادله با برابری سود خواه که از سرمایه داری جدید سود میبرد تحریک بیعت میلیاردها دلار است که تقریبا معادل یک بیعت ششم میزان کل محصولات ملی آنهاست. این همان منبع واقعی ثروت است که مردم این کشورهای را میبندد.

عامل دیگر این باید خاطر نشان ساختن آن روشی است که سرمایه داران امریکایی و دیگر سرمایه داران اجنبی در قبال سرمایه داری دولتی در برخی از کشورهای آفریقا آسیا تعقیب میکنند. این نادرست است یا

لااقل در حال حاضر نادرست است ، که سرمایه داران امریکائی در کشورهای افریقائی فقط سرمایه داران خصوصی کمک میکنند . سرمایه داران امریکائی غالباً با ایجاد بخت و ولتی و نگاهبانی دولتی مخالفتی ندارند چرا ؟ زیرا در برخی از کشورهای سرمایه داران خصوصی بزرگی که بتوان با آنها کمک کرد وجود ندارند . استعمارگران " نوین " این نکته را در نظر میگیرند که از نوع معین سرمایه داری دولتی واژنوم معین بخت و ولتی چه نفعی نباید آنها میتواند ببرد . بنابراین لازم است که هر دو این نکات در نظر گرفته شود .

مادرتنوع برای برخی از جنوابع سرمایه داری دولتی جنبه مثبت تألیف ولی ما با تدوین گسائی که سرمایه داری دولتی را منحصراً مثبت تلقی میکنند موافقت نداریم . با توجه به آرمایید از سرمایه داری دولتی علیه مظاهر خود خواهانه سرمایه داران خصوصی دفاع کنیم در عین حال نباید عنوان منفی سرمایه داری دولتی را نیز که در واقع انگیزه اولیه هستند یعنی نیاز بوزوآزی را با ایجاد بنیاد اقتصادی برای خود توجیه نمود . استعمار " نوین " را منعکس میسازند : از نظر دور آرمیم . بنابراین نباید مدعی بود که سرمایه داری دولتی یا بخش دولتی همیشه خصلت ضد امپریالیستی دارد .

ارقام زیر داده و ظاهراً راکه در برابر کشورهای آزاد شده قرار دارند نشان میدهد در این کشورها درآمد سرانه سالانه زیر ۶۰ دلار است و حال آنکه در کشورهای سرمایه دار رشد یافته این رقم به ۸۰۰ دلار میرسد ؟

مصرف مواد غذایی در کشورهای کم رشد برای هر نفر در روز ۱۸۵۰ کالری است ولی در کشورهای رشد یافته این رقم برابر با ۳۱۴۰ کالری است ؟

در کشورهای کم رشد از هر هزار نفر ۱۳۵ نفر باسوادند ولی در کشورهای رشد یافته ۹۸۵ نفر ؟

در کشورهای کم رشد برای هر ۱۰۰۰ نفر ۸ پزشک وجود دارد ولی در کشورهای رشد یافته ۱۰۲ پزشک ؟

طول عمر متوسط در کشورهای کم رشد ۴۵ و در کشورهای رشد یافته ۶۵ سال است .

در برخی از کشورها ممکن است وضع پرمشاور باشد که سرمایه داری دولتی در نتیجه مصالحه با استعمار نوین پدید گردد .

من همچنین تصور میکنم صحیح باشد اگر گفته شود که سرمایه داری دولتی حتماً کار را به بهبود شرایط زندگی نوده مردم منجر میسازد . زیرا در مورد آنچه که بشکورتا مریض میشود برای مایهین شده است که استعمار - زحمتکشان در برخی از نگاهبانی دولتی یا نیمه دولتی شدید تراژیکهای خصوصی است .

بنابراین من معتقدم که نقش سرمایه داری دولتی در فرجام خود وابسته بصیازه بود مردم است . همه چیز وابسته است به مبارزه چه در جهت ضد امپریالیستی آن یعنی در چهارچوب دوری آنچه در مورد مبارزه طبقاتی و انتقال کشور برای واد ارساختن چیروآزی به برآوردن خواستههای حیاتی زحمتکشان و کارگران و دهقانان . همچنین در فرجام خود منوط است به جنبشگی محنتی دولتی .

کشورهای سوسیالیستی به کشورهای آزاد شده برای شالوده بزی اقتصاد ملی دستش کمکهای تراوان میذول میدارند .

مزار کل اعتبارات شوروی و انواع دیگر کمکهای اتحاد شوروی به کشورهای کم

کمک
سوسیالیسم

از لحاظ اقتصادی عقب مانده اند طی سالهای اخیر تقریباً ۳ میلیارد روبل جدید بوده است . از جمله کشورهاییکه اعتبارات شوروی را دریافت داشته اند عبارتند از : هندوستان ، اندونزی ، افغانستان ، جمهوری متحد عرب ، عراق ، کوبا ، حبشه ، غنا ، گینه ، مالی و بسیاری از کشورهای دیگر آسیا و آفریقا و امریکای لاتین .

میزان کمکهای شوروی سال بمسال افزایش مییابد . مثلاً در سال ۱۹۵۹ اتحاد شوروی ساختمان صد بنگاه صنعتی در کشورهای آزاد شده کمک میکرد ولی این رقم در سال ۱۹۶۰ به ۳۰۰ و در سال ۱۹۶۱ به ۳۵۰ رسید . بموجب آمار موجود در پایان سال ۱۹۶۲ یکمک فنی اتحاد شوروی در کشورهای آسیا و آفریقا ۴۸۰ بنگاه صنعتی و موسسات دیگر در دست ساختمان بود و این ساختمانها دامه دارد . از آنجمله است ۳۴ کارخانه فلزشازی سیاه و رنگین ، ۴ بیشراز ۳۰ بنگاه فلزکاری و ماشین سازی ، ۴ بیش از ۲۰ پالایشگاه و کارخانههای شیمیایی ، ۲۰ کارخانه برق و غیره .

یکمک سایر کشورهای سوسیالیستی بیشراز ۴۰۰ بنگاه مهم صنعتی در کشورهای نویناد آسیا و آفریقا احداث میگردد .

در نتیجه کمک کشورهای سوسیالیستی بکشورهای آزاد شده این کشورها امکان یافته اند حتی از کشورهای امپریالیستی نیز اعتباراتی باینباره گفتار دریافت کنند . تا همین دهسال پیش این اعتبارات باینبره سالانه ۸ - ۷ درصد و حتی بیشتر واگذاز میشد ولی اکنون باینبره وامها و اعتبارات به ۴ - ۳ درصد تنزل یافته است . چنین است ارقامی درباره کمک غیر مستقیم سوسیالیسم .

پاول تروتسکی (اتحاد شوروی) ضمن توصیف بخش دولتی ، برخی جوانب دیگر آنرا خاطر نشان ساخت و گفت : دولتی شدن مالکیت در کشورهای آزاد شده نحوه خصوصی تمامیت تولید کار را تا حدودی از بین میبرد و موید آن این واقعیت مسلم است که دولتهای این کشورها بمنزله روز افزونی در بخش دولتی واجتماعی و اقتصاد سرمایه گذاری میکنند . در این بخش جدید تقسیم بندی ثروت بسود ارضاء گروههای مختلف بروز آوری ملی انجام نمیگیرد .

شکل دولتی مالکیت در این کشورها ، بآنکه شیوه تولید سرمایه داری را من حیث المجموع از بین نمیبرد (زیرا وسائل تولید هنوز بزرگ حاکمان متعلق نیست) ، مع الوصف این شکل فعالیت انفرادی سرمایه داران است و نه مالکیت گروههای از این سرمایه داران نظیر کنسرن ها ، انحصارها ، اتحادها یا شرکتهای دولتی و انحصاری که در کشورهای امپریالیستی عمومیت دارند . این شکل مالکیت بصورتی که اکنون رشد مییابد نقش متری بازی میکند ، مواضع سرمایه خارجی را تضعیف مینماید و حاکمیت کشورهای آزاد شده را تحکیم میبخشد بدین سخن سرمایه داری دولتی میتواند بمقابل مهمی تبدیل گردد که به گذار از اقتصاد مستعمره براه تکامل غیر سرمایه داری کمک کند . البته در این مرحله گذار در برخی از کشورها پیدا این اشکال جدیدی از اقتصاد نیز ، که بتوانند جایگزین شکل دولتی کنونی مالکیت گردند ، منعی نیست . ولی معنیت این وضع هم این است که در برخی از کشورهای شکل دولتی اقتصاد مستقیماً کار را به تحولات سوسیالیستی بکشاند و برعکس در شرایط ناسامع آرایه قوای طبقاتی آن شکل دولتی مالکیت که اکنون متری است معنیت بوسیله ای برای استثمار بزرگ حاکمان تبدیل گردد و بعنوان افزاری برای تجدید تقسیم بندی ثروت حدود قشرهای

استعمار گرجا جمع مورد استفاده قرار گیرد . با اینجهت در برنامای بخش دولتی و تحولات دموکراتیک مربوط بآن بهیژان زیادی وابسته بآنست که جهتمی برسر قدرت باشد . در کشورهاییکه قدرت در دست نمایندگان قشرهای مرفعی اهالی ، یعنی در دست سپهبدان شریفی است که با سرمایه ملی و خارجی ارتیسانی ندارند ، شکل دولتی مالکیت نقش تاریخی مرفعی خود را بازی خواهد کرد . همه شرکت کنندگان در بحث با این نکته موافقت کردند که برای ایجاد بنیاد استوار استقلال ، برای برانداختن عقب ماندگی قرون باید به استعمار مستقیم امپریالیستی پایان داد ، مالکیت بیگانگان را ملی کرد و تحت نظارت و کنترل دولتی گرفت ، مسئله تراکم (**accumulation**) سرمایه را حل کرد و طبقه طفیلی و با شرکت مستقیم دولت صنایع را توسعه داد ، مسئله ارضی را بطور عمیق و اساسی حل کرد و طبقه طفیلی مالکان و بیخواران و محترکین را از حیات اقتصادی و سیاسی طرد نمود . اینها وظائف است که وسیعترین قشرهای ملت یعنی طبقه کارگر و دهقانان ، روشنفکران مرفعی و بخش مهمی از بورژوازی ملی میتوانند برای انجام آنها بایکدیگر متحد شوند .

۳- سوسیالیسم جهانی و پیشرفت اجتماعی در

کشورهای نو استقلال

شرکت کنندگان در تبادل نظر توجه زیادی بمسئله چگونگی سیر آتی تکامل انقلابهای آزاد بپخش ملی در شرایط کنونی یعنی در سومین مرحله بحران عمومی سرمایه داری معطوف داشتند . نظر همگان واحد بود : با آنکه منظره عمومی جنبش آزاد بپخش ملی بسیار پیچیده و متفرج است و با آنکه انواع و اقسامی از روشهای متضاد در آن موجود میباشد در نظر دارند . نقد و اهمیت عناصر مرفعی پیوسته رو با افزایش میروند . بدون در نظر گرفتن اینست نکته درک صحیح خصلت انقلاب آزاد بپخش ملی و انقلاب دموکراتیک ملی ممکن نیست .

اتوشه وان لیزومانیان گفت :

به انقلاب آزاد بپخش ملی یا دموکراتیک ملی - انقلابی است با هدف برانداختن تسلط امپریالیسم و احراز استقلال ملی ، حل دموکراتیک مسئله ارضی ، درهم شکستن سازمان استعماراتی اقتصاد و تیل با استقلال اقتصاد ، دموکراتیزه کردن مجموعه حیات اقتصادی و اجتماعی . این انقلاب استقرار دیکتاتوری پرولتاریا را هدف مستقیم خود تعیین نمیکند و خصلت ملی و دموکراتیک دارد . ولی در شرایط وجود سیستم جهانی سوسیالیستی و بحران عمومی سرمایه داری این انقلاب نمیتواند مثل سابق فقط در جارجوب حل مسائل دارای خصلت بورژوازی دموکراتیک محدود گردد . حل بیکیرو مستعرا این هدفها ناگزیر علیه سرمایه داری متوجه میشود .

رقعی سخنرانان خود را نشان ساختند که پاسخ مسئله مربوط به دربرنامای پیشرفت اجتماعی در اعلامیه جلسه شماره سال ۱۹۶۰ اجزاء کمونیست و کارگری و در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی داده شده که در آنها شرح میشود که پیشرفت تاریخی در کشورهای آزاد شده با تکامل غیر سرمایه داری و پیشرفت در راه دموکراسی ملی ارتباط دارد .

اوسکار کراید (پاراگوآ) ضمن اظهاراتی که متن آن کنیا تهیه شده بود گفت :

به ضرورت راه غیر سرمایه داری ناشی از تعامل بسیار مهم است . اول آنکه در دوران کنونی تکامل سیستم جهانی سرمایه داری ، در شرایطیکه تسلط انحصارات مربوط بادی و ملت پیوسته رویه نشدند میروند ، راه سرمایه داری بکشورهای عقب مانده برای ثنابود و ریزی اقتصاد رشد یابنده و مستقلی ، که قادر بر رقابت و بازارهای داخلی و جهانی و عملی ساختن تراکم های بزرگ سرمایه و ایجاد دستگاه صنعتی نیرومند باشد ، امکانات محدودی

میدهد • بعبارت دیگر راه سرمایه داری ، که تا همین چندی پیش راه سنتی بود ، در ایران کنونی ، بحقیقه من ، به ترمز پیشرفت کامل ، سریع و مستقل نیروهای مولده تبدیل شده است • راه سرمایه داری به همین دلیل به مانع تحقق خواستههای توده های مردم بدل گشته که تحت تاثیر جنبشهای طبقاتی و انقلاب جهانی - موسیالیستی برای شرکت در زندگی سیاسی بپا خاسته اند •

عامل دومی که درد ایران ما راه تکامل غیر سرمایه داری را به ضرورت عینی بدل میسازد عبارتست از سیستم جهانی موسیالیستی که چنان مدارج عالییه ای از تکامل عینی ، اقتصادی و فرهنگی رسیده که قادر است به کشورهای عقب مانده کمکهای موثری در امر ایجاد بنیاد مادی مستقل برای صنعتی ساختن مبدول دارد و - بازگانی خارجی آنها را از قید کنترل و مانعهای انحصارات امپریالیستی آزاد کند •

دیگر شرکت کنندگان در بحث ضمن ناقصهای خود خاطر نشان مینمایند که در تکامل کشورهای نواستقلال ، هم سرشی مثبت موسیالیسم انزلیفراست وهم تجربه عینی تکامل سرمایه داری • سرمایه داری برای کشورهای که راه تکامل مستقل در پیش گرفته اند چه نتایجی بیار آورده است ؟ این سؤال را امین آملیا آملی مطرح ساخت و بر اساس تجربه تاریخی کشورهای امریکای لاتین بآن چنین پاسخ داد :

- از هنگامیکه کشورهای ما استقلال خود را بدست آورده اند صد و پنجاه سال میگذرد • ولی واقعیت امریز ، واقعیت زندگی ملل امریکای لاتین چگونه است ؟ استقلال سیاسی که تحت نفوذ سرمایه داری احراز گردید استقلال صرفا صوری از کارآمد • زندگی در ۲ جمهوریهای آزاد و حاکم مستقل * ما نرزدی د هشتادگی است • آنچه در عمل وجود دارد جز وابستگی اقتصادی ، تبعیت سیاسی و بردگی اجتماعی یعنی وابستگی نیمه مستعمره که حتی تکامل عینی خود پرورازی را نیز سد میکند ، چیزی دیگری نیست •

در نتیجه این امر ملل ما مجبورند مقدم بر هر چیز برای آزادی و برای تمام آنچههایی که در همان آغاز احراز استقلال حاکم شده به شمار میرفت ، بیوسته مبارزه ای متداول باشند که هنوز با مایههایی قاطع تر رسیده است • امروز این مبارزه دامنه ای بنجد گرفته که تاکنون سابقه نداشته و در ماهیت امر مبارزه در انبیل به آزادی فلسفی است •

ولی فقط ملل امریکای لاتین نیستند که باین نتیجه میرسند که راه تکامل سرمایه داری فرجام نیچودی ندارد • اردشیر آه استیاری (ایران) گفت :

- از انقلاب شوروییت در شوروی پیش از ۵۵ سال میگذرد • ولی تکامل کشور بر راه سرمایه داری ، بیسارقت مشهودی در پی نداشته است ، کشور عملا در جای میزند و نود - حتی چنان از ستم امپریالیست ها و مالکان بزرگ در رنج است • در برابر کشور ما نیز ، مثل دیگر کشورهای کم رتبه ، مسائل بسیار مهم قرار دارد : از پیشه کن ساختن فقر موزی گرفته تا شالوده ریزی اقتصاد با رروروا بسته از امپریالیسم • بر همین جهت است که اندیشه راه تکامل غیر سرمایه داری در جامعه ایران رخنه میکند •

لین میگوید :

••••• جنبه انقلابی ملل خاور زمین اکنون میتواند با احراز موفقیت تکامل یابد ، این جنبش تنها از این راه میتواند به هدف خود دست یابد که با مبارزه انقلابی - جمهوری شوروی مغلیه امپریالیسم جهانی بیوند مستقیم داشته باشد * (کلیات آثار چاپ روسی ، جلد ۳۰ ، ص ۱۳۰)

* اگر روشنائی انقلابی بیروزمند با بر مرتبه میان آنها تبلیغ کند و دولت های شوروی با تمام وسائلی که در اختیار دارند بکوشند آنها را بشناسند ، آنوقت نادرست است آنرا تصور نمود که بر حلقه تکامل سرمایه داری برای ملل عقب مانده نازل است • کشورها عقب مانده بملک بیرونیهای کشورهای پیشرفته میشوند و در ای مرحله تکامل سرمایه داری ، نظام شوروی را برای خود مستقر سازند و بعد از طی مراحل معینی از تکامل به کونممم برسند * (کلیات آثار ، جلد ۳۱ ، چاپ روسی ، ص ۲۱۹)

تجربه ساختمان سوسیالیسم در جمهوری و چگونه به جنبش آزاد یبختن ملی کمک میکند ؟ بایستن سؤال
 ۱۰. آیدیت شعبن سخنرانی خود باسخ داد و گفت : " کشورهای سوسیالیستی در مبارزه انقلابی و در رشته
 ساختمان جامعه سوسیالیستی تجربه فراوان دارند . جنبش آزاد یبختن ملی در تمام مناطق جهان باید از
 این تجربه درس بگیرد و احکام مارکسیسم - لنینیسم را با توجه بشرايط ویژه هر کشور جداگانه بکار بندد . تجربه
 کشورهای سوسیالیستی بنحویست : ۱. همانند حد مبارزه سز سخت در راه استقلال ملی را فقط تحت رهبری طبقه
 کارگر ، که بیکترین و ذنیفخ ترین طبقه در ساختمان جامعه سوسیالیستی است و آشتی ناپذیری آن باستعماری
 استعماری از همه بیشتر است ، میتوان انجام داد . بدون رهبری طبقه کارگر جنبش آزاد یبختن ملی نمیتواند
 کامیاب شود . و د اتم در دام سازش با امپریالیست ها خواهد افتاد .

کشورهای سوسیالیستی در مهمترین مسئله یعنی در مسئله اتحاد طبقه کارگر با دهقانان نیز تجربه سرشار
 دارند . دهقانان در کشورهای مستعمره و کشورهای سابق اکثریت عظیم جمعیت را تشکیل میدهند
 (در بسیاری موارد ۷۰ درصد بیشتر) . دهقانان بعنوان نیروی مولده اساسی دستخوش استثمار قشودالی
 بیرحمانه ای هستند و ظالمانه شرايط ثرون و سطلای زندگی و کار میکنند . فقط تحت رهبری پرولتاریا و با انتقالیم
 برنامه راضی صحیح ضد قشودالی میتوان دهقانان را برای پیروزی انقلاب و دموکراتیک ملی به جنبش رساند
 امپریالیستی و ضد قشودالی جلب کرد . تجربه کشورهای سوسیالیستی در راه آسایزایی ملی صنعتی و کثونی
 و سابق بسیار شباهت زیاد بین نیروهای اجتماعی این کشورها درخور توجه خاطر است . تجربه این کشورها
 اهمیت حیاتی این موضوع را که دهقانان باید از قید بقایای قشودالیسم ، که هنوز سد راه تکامل ده است ، آزاد شده
 به ثبوت رسانند ، است .

خرد ه جوئی آزی شهر نیز نقش بسیار مهمی در کامیابی مبارزه ضد امپریالیستی ایفا میکند و اتحاد با بیرو آزی ملی
 که به محض تسلط امپریالیستی بسیار خواهند است بسیار ه آزاد یبختن ملی کمک فراوان میتواند .
 وجود سیستم جهانی سوسیالیستی شرايطی را بوجود آورده است که جنبش آزاد یبختن ملی با استفاده از آن
 میتواند راه دموکراتیک ملی را برای نبل به سوسیالیسم انتخاب کند .

اردشیر آمانجیان اهمیت خاصی را که تجربه کشورهای سوسیالیستی در رشته حل مسئله ملی برای اکثریت
 کشورهای آسیا و آفریقا دارد ، در رلیاسی و توضیح کشور خود خاطر نشان ساخت و گفت :

« در اتحاد شوروی آذربایجان همسا ، ترکمنها ، تاجیک ها و کرد ها زندگی میکنند . آذربایجان ،
 ترکمنستان و تاجیکستان که در دوران تزاری سرزمین های عقب مانده روسیه بودند ، اکنون جمهوریهای
 شوقان شوروی هستند . » بنظرهت اقتصادی و فرهنگی در این جمهوریها تفاوتان غرب را غالباً دچار شکستی
 میتواند . بیشتر این جمهوریها پیروزه در جامعه کشورهای آسیا و آفریقا تاثیر فراوان میبخشد . در این کشورها
 بعد اد کماتی که برایشان یقین میشود که چنین پیشرفتی فقط در یرتو نظام سوسیالیستی امکان پذیر است امروز
 افزون است .

تاثیر پیشرفتهای جمهوریهای شوروی در جنبش آزاد یبختن ملی ایران بخصوص بسیار زیاد است زیرا بیستین
 زندگی آزاد و برهه مبارزهتک ملی شوروی و گذران شای زحمتکندان ایران ، که از ظالم رژیم استبدادی شاه
 و مستعطلکان و تاراج امپریالیستیهای بیگانه بجان آمده اند تفاوت فاحش وجود دارد . هشتاد و پنج درصد مردم
 ایران بیسوادند . زحمتکندان ایران از بزرگ و دیرتو قریبا بکلی محرومند و از زندگی جز کسکی و قریب بهره ایند آرتند .
پدرو مونا لیا خاطر نشان ساخت که بدون تاثیر سوسیالیسم نیل به پیروزی برای ملی وابسته باستعماره ،
 اگر تکویم محال بود ، حداقل دشوار بود . کوپا در این مورد نمونه بسیار درختانی است . کوپا نخستین نمونه
 انقلاب پیروزند آزاد یبختن در راه امپریالیست . سیزدهم طبقه ما این نمونه نمودار امکانات موجود برای گذارن مسائل
 آمیز مرحله راه ملی مرحله ساختمان سوسیالیستی است . نمونه کوپا تا تجربه جانیته نمیشد . کوپا الهام
 بخش جنبش طبقه زمین داران ایران ، طبقه قشودالی ، طبقه زندگی ، طبقه تاراج و ستم امپریالیستی است .
 اتحاد محکم کوپا با دیگر کشورهای سوسیالیستی در درجه اول یک اتحاد شوروی نیز در جنبش آزاد یبختن

ماتئیر عظیم میخشد . اقدامات اتحاد شوروی در دریای کارائیب بیماریزهی ملی ود موکراتیک ما کنههای فراوان کرد . این اقدامات صلح جهانی را حفظ کرد ، انقلاب کوبیا را حفظ کرد ، نمونه کوبیا را ، که برای ملل امریکای لاتین و سراسر جهان شماتت عظیم بیماریزهی خود ، حفظ کرد . اگر از وقوع فلاکت جلوگیری نکرده بود - هیچگونه بیروزی پس از جنگ نمیتوانست جبران کننده انهدام اتنی کوبی انقلابی باشد . این نظر مورد پشتیبانی فرناندو کورتین قرار گرفت و او خاطر نشان ساخت که بخصوص تحت تاثیر انقلاب کوبا و کامیابیهای آن قشرهای قابل ملاحظه ای از بیروزی ملی و خرده بیروزی رادیکال مکزیک بشرکت در مبارزه علیه امریکایسم ود راه د موکراتیزه کردن کشوربرد اخذند .

بانو آلبراد ولاین یا بجانب دیگر مسئله توجه کرد و گفت :

- پشتیبانی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از کوبا که باین کشور کمک کرد تا در برابر محاصره ای که ایالات متحده امریکا بآن دستزد ، ایستادگی کند ، بنام ملل امریکای لاتین ثابت کرد که امروز شرایط علمی واقعی وجود دارد برای آنکه کشورهای امریکای لاتین در رشته سیاست و اقتصاد منی منشی بر مصالح ملی خود را تعین کنند . کمک کشورهای سوسیالیستی به کوبا بخلان بر همین " ژئوپولیتیک" اید تولوک های بیرونی را مبنی بر اینکند یکی کشورهای امریکای لاتین به " همسایه شمالی " آنها هرگونه سیاست مستقل را برای آنان بیحاصل میکند - به ثبوت رسانده است .

در اوضاع و احوال کنونی در کشورهای آزاد شده انواع تئوریهای درباره تکامل جامعه پدید میگردد که بآنها عنوان " سوسیالیسم افریقائی " ، " سوسیالیسم عرب " و غیره داده میشود . چرا در کشورهای کمترشد تئوریهای ویژه ای درباره سوسیالیسم وضع میگردد ؟ این سؤال را ارد شیر اوانسیان مطرح ساخت و گفت : - علت این امر آنستکه سیستم سوسیالیستی اکنون چنان نیروی توانائی شده که گام بگام بیشتر مورد قبول واقع میگردد . حتی بیروزی ملی نیز ، بانوجه به نمایلات تودما و مقتضیات زمان ، خود را در رشته تکامل طرفدار نظریات سوسیالیستی مینماید . این نظریات را باید بانوجه به شرایط مشخص مورد بررسی قرارداد و معلوم کرد که چه گروههایی از بیروزی ملی نظریات مزبور را پیش میکنند ، برنامه آنها چیست و خصوصاً باید معلوم کرد که چه طبقات و چه قشرهایی باین نظریات ایمان دارند و از آنها پیروی میکنند . تکامل اجتماعی در آینده ممکنست کار را بدانجا منحصر سازد که بسیاری از رهبرانی که امروز اینقبول نظریات سوسیالیستی را بیان میکنند ، به ارد و گاه سوسیالیسم علمی به پیوندند و بعد دیگری برعکس ممکنست باغوش ارتجاع بیفتند . همچنین وابسته است به تناسب قوا و فعالیت طبقه کارگر . . .

رابون باره ضمن توصیف چگونگی اوضاع در کشورهای افریقائی مرکزی توجه حضار را ب عواملی جلب کرد که در کشورهای بارشد سرمایه داری کم موجب کششیموی سوسیالیسم ود زمین حال موجب پیدایش انواع نظریات در باره سوسیالیسم میگردد .

او گفت در کشورهای افریقائی مرکزی و جنوبی ، که سرمایه داری افریقائی اکثراد ر حالت جنبینی است ، تا حد ود معینی شرایط عینی مساعد برای تکامل غیر سرمایه داری یعنی گذار مستقیم از اشکال سازمان ماقبل سرمایه داری به مناسبات اجتماعی نوع کلکتیویا سوسیالیستی وجود دارد . نظریاتیکه بنیاد سرمایه داری در این کشورها بسیار ضعیف است - امکانات انتخاب بسیار زیاد است و چنین انتخابی بطور عمده به سمت جنبش مردم واراد و رهبران آن وابسته است .

ولی در این کشورها نیروهای اجتماعی که بسوسیالیسم تمایل جدی دارند هنوز ضعیفند . طبقه کارگر در این کشورها جوان و غالباً بسیار کم عد و معمولاً پراکنده است . دهقانان نازه بیدار شده اند و از دهان آنها که هنوز از نظریات قبیله ای (یا طایفه ای) اشباع است ، روشن نشده است .

در زمین حال کامیابیهای جهان سوسیالیستی جامعه بشری را باین زمین به برتری سیستم سوسیالیستی متاعده میسازد . کشورهای که در مدار دول امریکالیستی باقی مانده و تا بن توانین سرمایه داری هستند می بینند که عقب ماندگی نسبی و گاه مطلق آنها در رشته اقتصادی چگونه روی فزاینده است . و حال آنکه کشورهای که راه

سوسیالیستی در پیش گرفته اند آنگاه تکاملشان چنان سریع شده که با آنها امکان میدهند طی چند ده سال عقب ماندگی قرون را جبران کنند *

این اوضاع و احوال و این واقعیت اجتماعی در افریقا ملت این امر که چرا نودها با چنین حرارتی بسوی سوسیالیسم کشیده میشوند و آنرا نیاز خود احساس میکنند و چرا در برخی از کشورهای مفهوم سوسیالیسم با آنها در تنگنای تفسیر میگردد * روشن میسازد

ایدئیس کوکون سخنرانی خود را به تحلیل نظریات مختلف " سوسیالیسم افریقائی " اختصاص داد و گفت :

— تردید نیست که رشد سیستم جهانی سوسیالیسم در ملل افریقائی تاثیر سیاسی عمیق بخشیده است * بسیاری از لیدرهای افریقائی * با آنکه جرئت بستگی خیلی نزدیک با جهان سوسیالیستی را در خود نمی بینند * باین واقعیت معترفند * اکثریت این لیدرها با مافع افریقائی بورژوازی ملل افریقا که در حال اعتلا است * بستگی نزدیک دارند (برخی از کشورهای این بورژوازی تحت نفوذ استراتژی استعمار " نوین " هستند) * این لیدرها بطرح نزاریه خود درباره " سوسیالیسم افریقائی " میگویند موضع وسط برای خود پیدا کنند * اکنون تقریباً تمام لیدرهای افریقائی خود را طرفدار " سوسیالیسم افریقائی " میخوانند و این کار محقیده مانعم دارای جنبه مثبت است و هم دارای جنبه منفی * جنبه مثبت آن اینست که " سوسیالیسم افریقائی " معترف است که آینده افریقا به سوسیالیسم تعلق دارد * ولی جنبه منفی آن وقتی است که از آن بعنوان پرده ای برای جدا گرفتن خود از سیستم جهانی سوسیالیسم استفاده میشود *

ایدئیس کوکون پس از تشریح سه نوع مختلف " سوسیالیسم افریقائی " — " سوسیالیسم " لئوپولد سنگور (سنگال) ، جولینو شیفره (شاکانیکا) و قوم لکروه (غنا) — باین نتیجه رسید که " سوسیالیسم " سنگور رماهیت امر فقط پوششی است بروی سیاست همکاری با امپریالیسم * " سوسیالیسم " نیه ره بر پایه تکریر اوقای بیانه بازگشت بجامعه قبیله ای استوانگال صنوع زندگی اجتماعی را ایده آلیزه میکند و اما نظریات قوم لکروه بیشتر خصیصت پیگیر مثبت و ترقی دارد و امکانات پیشرفت برای غنا بوجود میآورد *

ایدئیس کوکون در باره آینده سوسیالیسم در افریقا گفت :

— در شرایط ویژه افریقا اشکال و سلوب های جامعه سوسیالیستی آینده نمیتواند تقلید دقیق اشکال و سلوب های متنوع کشورهای سوسیالیستی موجود باشد * میتوان پیش بینی کرد که در قاره افریقا راه افریقائی نیل به سوسیالیسم بیا راهبهای مختلفی بوجود خواهد آمد * سوسیالیسم در افریقا از لحاظ شکل ممکنست متنوع باشد ولی محتوی اساسی آن یکسانی خواهد بود * این مرحله جدیدی از تکامل جامعه در مقایسه با تمام صورت بند بهای اجتماعی (فرماسیون ها) پیشین مرحله ایتر نیست *

انوشه وان ایزومانیان ضمن بررسی تجاری که جنبش آزاد یبخش ملل طی سالهای پست از جنگ اند وخته است گفت : " نیروی محرکه انقلاب آزاد یبخش ملل توده مردم یعنی اهلکارگر ، دهقانان و روشنفکران ترقی هستند * در کشورهای هیک بورژوازی ملل حکومت رسیده و ضح بر همین سوال است * و اهداف انقلاب آزاد یبخش ملل در صورتی بدون کامل و بیگیر با انجام خواهد رسید که انقلابی ترین طبقه جامعه یعنی " طبقه کارگر پیشوازی (هزمون) انقلاب باشد *

ولی در اکثریت کشورهای پرتاریا بعقل مختلف در انقلاب آزاد یبخش ملل پیشوازی (هزمونی) را بدست نیابرد و نیروهای دیگری حکومت رسیدند *

در گروهی از کشورهای امپریالیست سابقه ام عقب نشینی توانستند گروههای مترجع بورژوازی را در اتحاد بسا عناصر قنود ال برضند قدرت بنشانند * ادامه انقلاب آزاد یبخش ملل در این گروه از کشورهای تسلط ارتجاع ملل رویرو میشود * و البته اساسی انقلاب در این کشورها همچنان عبارت از آنستکه نیروهای ملل ضد امپریالیستی — حکومت را تصرف خود درآیند *

در گروه دوم کشورهای بورژوازی ملل ضد امپریالیستی حکومت رسیده که طبقه انحصارات امپریالیستی مبارزه

میکنند . مطلق تکامل انقلابی این پررؤزی را بر راه تحکیم بخش و ولت ایجاد بنیاد صنعتی تسویح جنبش
کشورپوی در دهه واقعات دیگری که با کوریتی به پیش شدن انقلاب کمک میکند سوق میدهد .

این گروه از تهرها البته هنوز دستخوش استعمار اقتصادی بیگانه هستند و در قلمرو اقتصاد جهانی سرمایه
دار را نرارد آرند . ولی بر این اساس نمیتوان با اهمیت غلطی تاثیر اجرا استقلال سیاسی کم بهاداد .

در گروه سوم کشورها نمایندگان دموکراسی ملی انقلابی و روشنگران مشرق بحکومت رسیده اند که بیسند
منافع خلق هستند و میگویند مسئله اصلی را از طریق انقلابی حل کنند و موجبات اعتدالی اقتصادی را فراهم
سازند . اینان را مبارزه انقلابی ضد امپریالیستی را در پیش میگیرند و میگویند با تکیه بر خود ما طبیعت -
سرمایه داری را مہارند .

در چنین اتمام و توافق انقلابی دموکراسی ضد امپریالیستی و ضد نفوذ ملی نیروهای دموکراسی ملی ،
اگر این دو اتفاق را با یکدیگر انجام دهند ، تاثری زیر پرچم انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و اثرات بیونالیسم
برولزی قرار میگیرند .

شرکت کنندگان در تبادل نظر بر اساس بررسی و تحلیل تجاری که جنبه آزاد بخش ملی اند وخته و ضمن
پژوهش رایش تکامل کنونی و محصلت و وسعت تعداد های طبقاتی تاثرات خود را در باره آینده تکامل جنبش آزادی
بخش ملی بیان داشتند .

مسئله مهم در مورد رونمای مبارزه جانشینان تکامل غیر سرمایه داری و دموکراسی ملی عبارت از اینست که بررسی
این مبارزه توسط چه کسی انجام میگیرد . شرکت کنندگان در تبادل نظر خواه نشان ساختند که در هر حال مختلف
مبارزه در چیزی ممکنست توسط نیروهای اجتماعی مختلفی انجام گیرد که در آرای موضوع سیاسی مشرق هستند .
ولی قانون مسلمینارست از افزایش پیوسته نقش طبقه کارگر که با اتحاد با دهقانان تکیه میزند .
احمد اسکندر افغانی (اتحاد دیموکری) مدافع ملی - دورا بعنوان نقش طبقه کارگر در جنبش آزادی بخش ملی
اختصاص داد و گفت :

- این امر اخیراً نیکوکاران سرمایه انحصاری و بخش معدنی از پررؤزی ملی باشد تمام روی جوانی ،
بی تجربگی و ناچنگی ، طبقه کارگر کیمیکنند و میخواهند با این وسیله ثابت کنند که ما طبقه کارگر قادر نیست در
جنبش آزادی بخش ملی روز مستقل و فعالی ایجاد کند . طبقه کارگر کشورهای نواستقلال فی الواقع هم هنوز
چنان است و تا چه معنی در پیشبرد آرای و نظریهای قابل ملاحظه ایست . ولی واقعیات خلقی از رشد نامنتظم
تعداد افراد طبقه کارگر و افزایش تشکل آن ، پدید آید . احزاب جدید مارکسیست - لنینیست ، اعتقاد جنبش
کارگری ، تخریب روز افزون طبقه کارگر را در انجمنهای آزادی بخش ملی و تبدیل آن به نیروی سیاسی بانفوذ است .
بین خصوصیات است که نظر اجتماعی - بینکار بر او در کشورهای آزاد شد معین میکند .

واضح است که اختلاف در روش اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشورها مربوط است خود را بر چگونگی تکامل
جنبش کارگری میگذرد و در اکتال و استواریهای ویژه مبارزه طبقاتی برولزاری را معین میکند . در کشورهای
که سرمایه داری محلی شامل کم بهادار باشد ملاحظه می نیافته است طبقه کارگر در حمایت از طبقه سرمایه
و تکیه گاه ایسی آن شود الجسم پاره میکنند ولی در کشورهای دارای سرمایه داری تمیز یافته و وسیع
بخارج تری وجود دارد . در این قبیل کشورها و معمو به بد مبارزه نامزد و چون مبارزه قابل اطمینان علیه سرمایه
بزرگ " خودی " ، که با انحصارات امپریالیستی و از حیاط داخلی ، حاکم حکم دارد . در حاشی و واقعی از پسند
دایمی امپریالیستی ممکن نیست .

آنگون در مسئله از کشورهای آسیا ، افریقا و امریکای لاتین اثباتات ساختی برای تبدیل طبقه کارگر
به نیروی قادر بر تعین جنبه آزادی بخش ملی بود نماید . سن تهریست که شامل آید انقلاب آزادی
بخش ملی یعنی انعطاف به رشد سیاسی طبقه کارگر ، همبستگی و درجه تشکل و توانایی آن برای رد آمدن
مخدین و مقدم بر آمدن دشمنان در برخورد و نیز به رشد دائم اعتبار و نفوذ بیشتر ، آن یعنی احزاب لنینیست
کارگری - زمین خود را ، بستگی خواهد داشت .

ارد شیراوانتیمان بهنامیت بحث بیرون مسئله دولت دموکراسی ملی این نظار را بیان داشت که دولت دموکراسی ملی میتواند تحت رهبری البته کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی، روشنفکران و افسران پدید آید. هر یک از این طبقات یا قشرها، بعاید ه سخنان، میتوانند جنبش آزاد بیخش ملی را آغاز کنند و آنرا رهبری نمایند. ولی دولت دموکراسی ملی فقط تحت رهبری نیروهای مترقی میتواند پدید آید. در کشورهای که طبقه کارگر رشد یافته است فقط این طبقه میتواند رهبرینین دولتی باشد. ولی در کشورهای که رشد طبقه کارگر ضعیف است و یا این طبقه وجود ندارد دولت دموکراسی ملی میتواند بر بنیاد اتحاد محکم طبقات دموکراتیک به پیروزی برسد. در تمام حالات، سیستم سوسیالیستی در این پیرویه تفوق عظیم خواهد داشت.

بسیاری از سخنرانان خاطر نشان ساختند که صرف نظر از شرایط مشخص کشورهای مختلف، یک شرط حتمی دیگر هم برای مبارزه موفقیت آمیز با خادرات کامل غیر سرمایه داری و دموکراسی ملی وجود دارد و آن وحدت همه نیروهای مبارزه پیشرفت جامعه است.

آ. م. رومانسوف (سرمد برمدک * مسائل صلح و سوسیالیسم *) در تبادل نظر شرکت کرد و ضمن سخنرانی خود خاطر نشان ساخت که هدف شرکت کنندگان در این بحث رسیدن به احکام و نتایج قطعی و نهایی نبود. سخن بر سر آن بوده که روش تند ن نظرات و پدید آوری ن ثبات مشترک گن شود و برای پژوهش خلاق مسائل در آینده انگیزه ای بوجود آید. البته تمام جوانب مسئله رابطه سوسیالیسم و جنبش آزاد بیخش ملی در اینجا مورد بحث قرار نگرفت. برخی از آنها با تائیل بیشتری بررسی گردید و به بقیه فقط اشاره شد. بسیاری از مسائل مطرح شده جای بحث دارند.

رومانسوف نظر خود را در باره برخی از مسائل مطرح شده بیان داشت و گفت:

— گاه میگویند که یکی از مهم ترین تضاد های دوران کنونی تضاد بین کشورهای رشد یافته و رشد نیافته است. آیا ما میتوانیم با چنین نظری موافقت کنیم؟

مارکسیست ها در تحلیل مسائل اجتماعی مقدم بر هر چیز تضاد های طبقاتی را در نظر میگیرند. و واقعا هم در ارد و گام سوسیالیستی نیز کشورهای نسبتا کم تر توسعه یافته تر وجود دارند. ولی بین آنها تضاد وجود ندارد. برعکس در جهان سرمایه داری بین کشورهای نسبتا کم تر توسعه یافته تر تضاد وجود دارد و این تضاد ها به معنای مثال بسیاریا تضاد هم بوجود میگرد. چرا؟ نه بدان علت که برخی از آنها سطح تولید نشان پایین تر و برخی بالاتر است بلکه بدان علت که کشورهای کم رشد مورد استثمار کشورهای امپریالیستی رشد یافته قرار میگیرند.

به همین طریق ما نمیتوانیم نظار آن طور بسین حاشی را بید بریم که به پیروی از کیپلینگ به تکرار فرمول: "شرق شرق است و غرب غرب" می برد از دیدی همه چیز را به قرار دادن مناطقی جغرافیایی یا گره های نژادی افراد در نقطه مقابل یکدیگر منحصر میسازند. ولی تضاد شرق و غرب وجود ندارد. تضاد بین ایقنسات وجود دارد و مقدم بر هر چیز تضاد اساسی یعنی تضاد بین سوسیالیسم و سرمایه داری وجود دارد که تمام تضاد های دیگر بر پایه آن گسترش می پذیرد.

تضاد اساسی دوران کنونی برای تمام پیروسان تکامل اجتماعی و از جمله برای جنبش آزاد بیخش سوسیالیستی جنبه تعیین کننده دارد. هیچ جنبش آزاد بیخش ملی نیست و نمیتواند باشد که از این تضاد اساسی جدا و یا آن را ارتباط نباشد. پیروزی جنبه آزاد بیخش ملی نیز بدون تکامل موفقیت آمیز سیستم جهانی سوسیالیسم ممکن نیست. نکته دوم در همین راستا این نکته است که در تمام شرکت کنندگان در جلسه ملاقات ما نگاه روشن ساختند.

البته در جهان افراد بسیاری وجود دارند که ارتباطا نالاستمندی بین جنبش جهانی و تکامل سیستم جهانی سوسیالیسم را نمی بینند یا مورد تردید قرار میدهند. مقدم بر همه سخن بر سر این است که سوسیالیسم و انسان آزادی طلب است که آرزو دارند بین سرمایه سوسیالیستی و کشورهای در حال آزادی شدن تخم نفاس بیندازند، کشورهای در حال آزادی را از یکدیگر جدا کنند و بدین ترتیب طبقه و در مورد اشتقاق مبارزه آزاد بیخش

را تسهیل نمایند . گسست پیوند بین سوسیالیسم و جنبش آزاد بیخشم ملی یکی از مهم‌ترین هدفهای امپریالیستیک امپریالیسم است .

از طرف دیگر پیوند بین سوسیالیسم و جنبش آزاد بیخشم ملی را گاه کسانی مورد تردید قرار میدهند که برای درک خصلت و عمق تاثیر متقابل و بستگی متقابل سوسیالیسم جهانی و جنبش آزاد بیخشم ملی ، سلاح مارکسیستی مجهز نیستند .

برخی ها میهند آرند که مناسبات بین سیستم جهانی سوسیالیستی با کشورهای نواستقلال با پیشرفت - اجتماعی این کشورها ارتباطی ندارد . از این گذشته بعضی ها مدعیند که کمک‌های سوسیالیستی به کشورهای کم‌رشد بطور فزاینده‌ای موجب حفظ وضع موجود در این کشورها میگردد و یا حتی قوای ارتجاع را تقویت مینماید . در این ادعا هیچ چیزیکه شبیه به مارکسیسم خلاق باشد وجود ندارد .
در شرایط کنونی مسئله استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی کشورها و ملل در دستور روز قرار دارد . برای اینکار از دست‌نهاییات امکانات و شرایط مادی موجود بوده و اکنون امکانات اجتماعی نیز موجود است . شرایط مادی مثلا در اوایل قرن نوزدهم نیز وجود داشت ، ولی امپریالیسم با داشتن انحصار در رشته وسایل افعال فشار اقتصادی ، سیاسی ، ایدئولوژیک و نظامی کشورهای مستعمره را اسیر و منقاد میساخت و مورد استعمار بیرحمانه قرار میداد . در دوران کنونی وضع از پیش همین دگرگون شده است و عامل معین کننده این دگرگونی پیوند بین سیستم جهانی سوسیالیسم بود .

هنگامی که کشورهای سوسیالیستی با جنبش آزاد بیخشم ملی به اجرای قوانین بی چون و چرای تاریخ کمک میکنند ؛ این قوانین خواستار تحکیم اشکال مستقیم ملت بر ملت دیگر است . همین امر به تنهایی گواهِ نقش تاریخی مترقی این همکاری است .

در دوران ما که سیستم جهانی سوسیالیسم محتوی عمده ، سمت عمده و خصوصیات عمده تکامل تاریخ را معین میکند تا آخرین سیستم برعکس افزایش یافته برفته و برنامه جوانب زندگی ملل مبارز آزاد را اثر بخش شده است . پشتیبانی ایدئولوژیک ، سیاسی و مادی همه جانبه سیستم سوسیالیستی از نیروهای جنبش آزاد بیخشم ملی بخصوص با اشکال زیرین متجلی میگردد ؛

ملی عمومی سیاست خارجی سوسیالیسم (مبارزه در راه صلح ، در راه خلع سلاح عمومی و کامل) به ایجاد شرایط بسیار مساعد برای رهائی ملی و رستاخیز ملی کمک میکند . کشورهای سوسیالیسم با قطعیت تمام در تقابل تلاش و امپریالیستی برای مدخله در امر داخلی کشورهای نواستقلال ایستادگی میکنند و تلاش آنها را برای ضد و رتد انقلاب عقیم میدارند ؛

گسترش و ایدئولوژی همه جانبه کشورهای سوسیالیستی استقلال سیاسی کشورهای آزاد شده و اعتبار بین المللی آنها را تحکیم میبخشد و به توسعه " مطلق صلح " و جنبه مبارزه علیه امپریالیسم و در راه صلح کمک میکند ؛ بسط " مبارز اقتصادی کشورهای آزاد شده با سیستم جهانی سوسیالیستی به عامل مهمی برای تکامل این کشورها و تغییر ساختمان جهانی اقتصاد تبدیل شده به این معنی که به از بین رفتن روابط اقتصادی نابرابر بین کشورها که امپریالیسم بر آن‌ها ساخته (فارتگری ، مبادله غیرمتساوی عادل ، خرید مواد خام به نرخ نازل و فروش فرا آورده ، صادرات مواد به نرخ گران که سیستم " فیزی " در نظر بندی موسوم است ، ضد رسوای های حاصله و غیره) و نیز به درهم شکستن ساختمان مستعمراتی اقتصاد کشورهای جوان کمک میکند و در عین حال به پایه گذاری تولید وسائل تولید ورشته‌ای مدرن صنایع به تقویت بخش دولتی اقتصاد و به برنامه‌ریزی - اقتصادی مساعدت مینماید ؛

استفاده از ابزار - خاصه در رشته جهان عقب ماندگی کشورهای سابقا کم‌رشد سیستم جهانی سوسیالیسم در پایه گذاری اقتصاد مستقل کشورهای نوبتاد نیز مهمی بازی میکند ؛ همکاری در رشته علوم ، آموزش و فرهنگ به جهان عقب ماندگی قرون و به پرورش نسل ملی و به رستاخیز ملی ملل مستبد و به کمک میکند .

نتایج عینی پشتیبانی سوسیالیسم جهانی از جنبشهای آزاد بیخوش شد بدترین ضربه را بر تمام سیستم ستواری امپریالیستی وارد میسازد. طبیعی است که امپریالیسم بانعام قوامینکشد مواضع خود را در کشورهای مستعمره و وابسته مابقی حفظ کند. برای این منظور انواع وسائل و حتی با استفاده از نیروهای مسلح توسل میجوید (نمونه اخیر آن تهاجم انگلیس به برتو است) .

ولی وجود سیستم جهانی سوسیالیستی ، حداث مبارزه آزاد بیخوش ملی ، اعتلا جنبش انقلابی در کشور های سرمایه داری رشد یافته و وضعی را در جهان بوجود آورده که اجرای سیاست قدیم امپریالیستی من حیث المجموع غیر ممکن شده است .

نمونه های آن کم نیست . همه بیاد دارند که امپریالیستها چگونه نتوانستند نقشه ماجراجویانه خود را در سوتز انجام برسانند چگونه کوبای قهرمان انقلابی دویار در ایالت تاجور مورد مدافعه قرار گرفت . یک مثال دیگر همیابوم و آن مثال گوانتالاماست . در دوره ایکه انقلاب گوانتالامای داد سوسیالیسم هنوز مثل امروز چنین نیروی از خود نداشت . در آن شرایط امپریالیسم توانست سیهاکاری خود را بانجام رساند و آزادی مردم گوانتالامارا خفه کند .

ولی در شرایط کنونی امپریالیستها مجبور به عقب نشینی هستند . آنها مجبورند در اکثریت قریب بنام موارد به شناسائی استقلال سیاسی کشورهای مستعمره سابق تن در دهند . عناصر در اندیش در ریسمن امپریالیستها تحت فشار شرایط تاریخی حاضر میشوند بستمعرات خود استقلال سیاسی واگذار کنند نمیتوانند خود را لاقول " تیاوکار " جلوه دهند و مواضع اقتصادی خود را تقویت بخشند . در عین حال آنها در جستجوی اشکال جدیدی برای حفظ وابستگی ملی این کشورها به دول امپریالیستی و در درجه اول حفظ وابستگی اقتصادی آنها هستند .

احراز استقلال سیاسی بی شک کامیابی مهم جنبش آزاد بیخوش است . ولی نامل عده در تاسیس تکامل مستقل کشورهای آزاد شده ، استقلال اقتصادی یعنی پایه گذاری اقتصاد ملی مستقل است . این کار البته آسان نیست . پایه گذاری تولید مدرن سرمایه های بزرگ و وجود عده زیادی متخصص را ایجاد میکند که علی القاعده در کشورهای آزاد شده وجود نداشتند . در این شرایط کمک کشورهای سوسیالیستی که صفت مشخصه آن همان پشتیبانی از مساعی کشورهای جوان در زمینه برانداختن وابستگی بدول امپریالیستی و پایه گذاری اقتصاد مستقل است اهمیت فوق العاده کم کرده است .

بدینسان عامل عده در مرحله کنونی جنبش آزاد بیخوش ملی ، که کار را بختلاشی کامل سیستم استعمار منجر میسازد ، عاجز است از تحت بحران عمومی سرمایه داری در مرحله سوم آن ، حدتی که مقدم بر هر چیزی بصورت تکامل و تقویت سیستم جهانی سوسیالیسم نمودار میگردد .

آنچه گفته شد البته بهیچوجه بیان کننده تمام محتوی و اهمیت فئاسیات سوسیالیسم جهانی و نیروهای جنبش آزاد بیخوش ملی نیست . آنچه موجب ایجاد محکمترین پیوند بین آنها میگردد آنستکه سوسیالیسم جهانی و نیروهای جنبش آزاد بیخوش ملی نمودار ماهیت واحد پیروم جهانی انقلابی هستند که در فرجام خود کار را به پیروزی سوسیالیسم منجر میسازد . تنها در شرایط کنونی که سرمایه داری مدتهاست در دوران خود را از نظر تاریخ به پایان رسانده و سیستم سرمایه داری من حیث المجموع ، موجبات لازم را برای سوسیالیسم فراهم ساخته مسئله سوسیالیسم بمسئله عام و منجمده بمسئله داخلی کشورهای بدل شده که راه تکامل مستقل در پیش گرفته اند . محتوی اجتماعی جنبش آزاد بیخوش ملی عمیق میشود و گرایشهای مترقی اجتماعی در آن قوت میگیرد . مناسبات یا سوسیالیسم جهانی بخوره یعنی باین پیروم کمک میکند به گام نهادن ملل آزاد شده بر راه تکامل غیر سرمایه داری یعنی راهیکه پرازدلی مراحل انتقالی چند میتواند کار را به سوسیالیسم منجر سازد ، مساعد نمینماید .

جای شگفتی نیست که در چنین اوضاع و احوالی در یکمسئله از کشورهای آزاد شده انواع تئوریها و ربا ره ساختمان جامعه سوسیالیستی وضع میگردد . بدیهیست که بسیاری از این تئوریها از سوسیالیسم علمی بکلی

دورند و ولی حتی اعلام سوسیالیسم بعنوان دورتمای تکامل و تصویب برنامه‌های در این زمینه را من حیث المجموع
 میتوان یک پدیده مفرق تلقی کرد . زیرا این امر نشانه آنستکه سوسیالیسم در مقیاسی بزرگ وسیع‌تر توجه تمام
 ملل را جلب میکند و برای آنها به نائون مفرق خود بخود روشنی در نقطه مقابل سرمایه داری بدل شده و بل نتیجه
 اعلام آن با ایجاد و توسعه محیط آید نولوژیکی ، که بحال سرمایه داری مساعد نیست ، مساعدت میکند .

در این مورد می‌خواهیم نکته ای را مانند هر سوم و آن اینکه جنبه نیروهای متقابل سوسیالیسم بسیار متنوع و وسیع
 اند . اشکال زندگی کشورهای آزاد شده و شرایط ملی فوق العاده پرتنوع است و لذا با کار بردن معیار واحد برای
 همه این کشورها خطا خواهد بود . همچنانکه خصوصیات مهم بسیار وجود دارد . خصوصیت عمده مشترک عبارت
 است از مبارزه علیه امپریالیسم . بر همین جهت مسئله راه‌ها و اشکالی که گذار به سوسیالیسم را میسر می‌سازند ،
 بنظر من باید در هر مورد بر اساس شرایط کاملاً مشخص بررسی شود .

مسئله دورتمای تکامل اجتماعی کشورهای آزاد شده با مسئله خصیلت و تناسیح اجتماعی تکامل بخشهای
 دولتی و کنکوریتور اقتصاد کشورهای آزاد شده بستگی محکم دارد . خصیلت این بخش را محتوی اینها تعیین
 مناسبات حاکم در این بخش‌ها را فقط با توجه به مجموعه مناسبات اجتماعی در کشورهای آزاد شده میتوان معین
 کرد . این کشورها یاد داشتن سطح نازل تکامل نیروهای مولده و مناسبات اجتماعی بسیار کم رشدی ، که در
 آنها غالباً اشکال فئودالی و نیمه فئودالی و گاه قبیله ای و لایفه ای مسلط هستند و سرمایه خصوصی رشد یافته
 ندارند ، بحال مسائل اقتصادی و اجتماعی دست‌نیزند .

در این شرایط بخشهای دولتی و کنکوریتور ، که بهترین رشته‌های اقتصاد را در بر می‌گیرند ، شکل خاصی از
 سرمایه داری دولتی را تشکیل میدهند . خصوصیت اصلی شکل قبل از مریجینر آنست که این شکل شکست
 سرمایه انحصاری دولتی نیست و نیز سود امپریالیستی دارد و هدف آن دفاع از منافع ملی این کشورها است .
 البته سرمایه داری دولتی تکامل بورژوازی ملی را متغی می‌سازد و حکومت در کشورهای مستعمره سابق هنوز متوجه
 غلبه اجتماعی منافع ملی ندارد . با اینجهت بسته به چگونگی ترجیح‌ها مبارزه بین نیروهای ترقی‌خواه و نیروهای ارتجاعی
 ملی آزاد شده تکامل ممکنست هم درجهت تشدید تسلط مناسبات سرمایه داری ، سیر کند و هم درجهت پیدایش
 مناسبات سوسیالیستی . در این مورد من با کمپانی که می‌گویند مناسبات بخش دولتی در کشورهای مستعمره سابق
 مناسبات دوران گذار از سرمایه داری سوسیالیسم را تشکیل میدهند موافق نیستم .

ولی هم اکنون روشن است که تکامل بخشهای دولتی و کنکوریتور در این کشورهای مناسبات اجتماعی قوی العاده
 مهمی در پی خواهد داشت . در شرایطی که تکامل بورژوازی ملی ناچیز است احداث بناهای دولتی با رشد
 سریع بلطفکار کرد جامعه همراه خواهد بود . من در اینجا سخنرانی خود را به عواطف بوکراتیک بورژوازی را ، که گناه
 خدای بزرگی است ، بررسی نمیکنم . تکامل جنبه کنکوریتوری معاصر موجب اعتدالی تولید کشاورزی میزند ، بخصوص
 که در کشورهای مستعمره سابق در دهقانان ، علی القاعده ، با مناسبات نوع کمون زندگی می‌کنند . برای تمییز
 این نوع برای پیشرفت شرایط لازم فراهم می‌سازند و بنیاد سیاسی راه تکامل سرمایه داری و دولت بوکراتسی
 ملی را تحکیم می‌بخشند . این نکته بخصوص هنگامی روشن است که دموکراسی توسعه می‌یابد و رشته خود را
 پیشرفت میکند و شرایط زندگی آنها بهتر میشود .

همه اینها بار دیگر نقش مسلط‌تر خود را تأثیر از آنها متقابل سوسیالیسم جهانی و جنبه آزاد بیخانی ملی و اهمیت
 تاریخی پشتیبانی مجدانه سوسیالیسم از نیروهای جنبه آزاد بیخانی ملی را آشکار می‌سازد . بدیهیست که
 پیشرفت اجتماعی در مقیاس جهانی به اوضاع اساسی وابسته باین ارتباط متقابل است .

يك عمل توجیه ناپذیر

روز ۸ ژانویه دولت تونس رسماً به حزب کمونیست تونس اطلاع داد که این حزب باید فعالیت خود را متوقف کند. این تصمیم که قانون اساسی را بارزانه تجاری نظر می‌نماید، پس از توقیف روزنامه "الطلیحه" ارگان مرکزی حزب کمونیست و روزنامه مشرقی "تربون د ویروره" اتخاذ شد. غیبه مدیران این روزنامه هاپرورنده جنبه باقی‌مانده "تحریک به شورش" درست شده است.

برخی از رهبران تونس برای توجیه این اعمال خود سری می‌گویند باقی‌مانده حزب کمونیست تونس به "کارشناسی" در پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و "برهم زدن" وحدت ملت آن حزب را بد نام کنند. اینان کار را بجای رسانده اند که ادعا می‌کنند گویا حزب کمونیست در دوران تحت الحمایگی "متخلف مبارزه در راه استقلال" بوده است.

ولی واقعیات بدان کامل این افتراءات را ثابت می‌کند. همه میدانند که کمونیست های تونس در امر آزادی ملی کشور سهم بزرگی داشته اند. بسیاری از آنها بدست استعمارگران مورد زحمت و بی‌وفایی قرار گرفتند. مثلاً رفیق محمد النفاغ در بیرواول حزب کمونیست تونس در بارزاد اشگاه فرانسه می‌ماند می‌بود. همه‌ها کمونیست جان خود را در راه آزادی و استقلال سپس نثار کردند. هشام تجاویز فرانسه به ناحیه جزیره کمونیست‌ها در صوفیه اول مبارزان راه استقلال این آخرین پایگاه تمامی استعمارگران فرارده استند.

پس از اخراج استقلال، کمونیست‌ها همیشه برنامه مثبت و سازنده ای برای تکامل اقتصادی و اجتماعی کشور عرضه داشته اند. آنها انجام اصلاحات عمیق و بویاگویی آمال و آرزوهای حقه مردم را اوجبار بوده اند. همین خندی پیش که نواخته ای علیه دولت بورژوازیه کشف شد کمونیست‌ها روی صریح روشنی اتخاذ کردند و اسلوب های کشتار و توطئه را که مخالف پارون اصول سیاسی و معتقدات دموکراتیک آنانست، نگوهر کردند.

دولت بورژوازیه در واقعیت امر حتی یک بهانه اندک جدی هم برای توجیه خود سری خوب در تبال اختار عمومی پیدا نکرد. در چنین شرایطی این دولت باز چگونه ادعا خواهد کرد که در کشور اصول دموکراتیک مراعات می‌کند. تا این اواخر رهبران تونس ضمن احتجاجات خود درباره تسلط دموکراسی در تونس هیچ توان فتنه بران برای اثبات سخن خود بطنی بودن حزب کمونیست تونس را ستاد می‌کردند. ولی اکنون با اعمال خود علیه حزب کمونیست خود سند حکومت خود را اعدا کرده اند.

بر هیچ‌کس پوشیده نیست که دولت تونس با تمام فعالیت حزب کمونیست و توفیق در روزنامه قانون اساسی را که در آن آزادی ملی و تکمیل سازمانها تصریح کرده، آشکارا نقض می‌کنند. این اقدامات در مورد سران و دموکراسی در کشور شرکاتی جدی بوجود می‌آورد. شرکاتی مخالف اجتماعی در فرانسه و سایر کشورهای اروپایی گن دانند. جوان تونس نیز متعجب است. این دشمنان ما "اقدامات ضد دموکراتیک" را باید دولت را با تعصب تمام نگوهر می‌کنند و می‌راندند که توفیق در روزنامه اپوزیسیون "الطلیحه" و "تربون د ویروره" و نیز منسب فعالیت حزب کمونیست تونس که بیانه حزب اپوزیسیون در کشور است، در حکم سوء قصد جدی بآن قسمتی از دموکراسی است که هنوز در تونس وجود دارد.

آنچه در این اقدامات ضد دموکراتیک را ثابت می‌کنند این واقعیت است که مقامات تونس دشمنان ما تمام اعضا "ری" حزب و نیز شناسنامه دکتر سلیمان بن سلیمان رئیس کمیته مبارزه در راه آزادی و صلح تونس را ضبط کرده بود پس از این از امکان خروج از آن و بر محروم ساخته اند.

تحلیل برخی جوانب اوضاع و احوال سیاسی در تونس نشان میدهد که کارزار ضد دموکراتیک همزمان پس از شدت یافتن امریالیمشها آغاز شده است . از دوران استقلال تونس قریب ۶ سال میگذرد . ولی وضع کشور سال بسال بدتر میشود و مصائب و بدبختی های مردم روزافزون است . دولت تونس در روزه های کشور را به روی انحصارات اجنبی چارچاق کرده است . همین چندی پیش مداکرات فرانسه و تونس در باره مسائل اقتصادی صورت گرفت و قرارداد ای با امریکادیناره واگذاری اعتبار به دولت بورتیبه با مضمون رسید . بدین طریق هم عزیز روشن میشود : امریالیمشها شرایط خود را تعیین میکنند ، استعمارگران سابق در آرزوی استعمار " نوین " هستند (والیته فقط به آرزو اکتفا نمیکنند) و در تونس برخی از محافل بسیار دیسلاسه به همکاری با امریالیمش سیاست ارتجاعی ضد دموکراتیک تعقیب میکنند و آنرا مورد پشتیبانی قرار میدهند . رهبران تونس با اعمال خود وحدت نیروهای سپین پرست را برهم میزنند و بمصالح مجموعه ملت زیان میرسانند . تصمیم دولت تونس موج نیرومندی از اعتراض در تونس و در سراسر جهان بجا کرد . رفیق سعد النفاع ضمن اظهاراتی که از طرفه کمونیست های تونس کرد گفت : * این عمل بکلی ناحق و خشن خشم و برآشفتگی تمام زحمتکشان ، تمام دموکراتها و تمام کسانی را که ملی سالیان دراز بناها و خواهی روزافزون جریان مبارزه کمونیست های تونس را تعقیب کرده اند ، برانگیخته است . این عمل در همین حال موجب خشم تمام دموستان واقعی مردم تونس در سراسر جهان شده است * .

این اظهارات در راجع به کارهای سیاسی و اجتماعی در تونس از بسیاری از کشورها پیامهایی حاکی از ابراز همبستگی دریافت داشت . در بین آنها کافیس اعلامیه حزب کمونیست اتحاد شوروی و اعلامیه های حزب کمونیست فرانسه ، کمونیستهای الجزیره و مراکش و سایر احزاب کمونیست برادر نام برده شود . ستانورهای ایتالیایی عضو حزب کمونیست و حزب سوسیالیست اعتراف نامه ای بعنوان رئیس جمهر بورتیبه فرستادند .

دموکراتهای سراسر جهان در برابر اقدامات خود سرانه ای که بمباران پرشور و دفاع از مصالح ملی مردم تونس ضربت میزند نمیتوانند سکوت کنند . آنها اعطال توجیه ناپذیر دولت بورتیبه را تعقیب میکنند و مراتب همبستگی عمیق خود را با کمونیست های تونس ابراز میدارند .

پ . ب . پ

نیجریه بیدار میشود

(نامه از لاگوس)

موک و وگو اوکویه

نیجریه پرجمعیت ترین کشور آفریقا است و ۳۸ میلیون سکنه دارد . در عین حال نیجریه یکی از ثروتمند ترین کشورهای قاره آفریقا و دارای بهترین موقعیت استراتژیک است .
هشتاد درصد جمعیت فعال کشور به زراعت اشتغال دارند . زارعین کار خود را به تولید روغن خرما و هسته خرما اختصاص میدهند . نیجریه در رشته تولید و صدور این محصولات جای اول را در جهان دارد . در این کشور بسته زمینی ، کائوچو ، کاتوچوک و موزیرور شریبیلاید . این محصولات نیز بطور کلی صادر میگردد . برای مصرف داخلی در دهات کشور گیاهی بنام مانیوک (**Manioc**) که ارزشه آن آرد میگیرند و نیز نوعی سیب زمینی بنام پاتات (**Potato**) و همچنین ارژن و غیره کشت میشود .
نیجریه معادن فراوانی دارد . بهترین معادن آن عبارتند از قلع ، کولومبیت ، آهن ، نفت و زغال . این کشور از لحاظ استخراج کولومبیت جای اول را در جهان دارد . در سال ۱۹۶۰ بیش از ۱۵ میلیون تن نفت و قریب ۸۰۰ هزار تن زغال در آنجا استخراج شد .
نیجریه کشور بیست و دارای امکانات فراوان است . استفاده از این امکانات مستلزم محبوبیای استعمار و سیج مردم برای مبارزه در راه رستاخیز ملی است .

در نیجریه قریب ۲۰ حزب سیاسی فعالیت میکنند . اکثریت آنها خصلت اصیل طبسی احزاب سیاسی ندارند و از نفوذ سیاسی در کشور برخوردار نیستند . از میان آنها فقط سه حزب نقش مهم دارند :
" شورای ملی افراد نیجریه " ، " کنگره خلق شمال " و " گروه اقدام " .
" شورای ملی افراد نیجریه " قدیمی ترین و مشکل ترین حزب کشور و در رشته مبارزه سیاسی با تجربه ترین حزب است . این حزب در نیجریه شرقی حکومت را بدست دارد و در دولت مؤتلفه مرکزی در لاگوس شرکت دارد . در انتخابات کشوری سال ۱۹۵۹ این حزب ۲۹ درصد مجموع آرا و ۹۰ کرسی در پارلمان بدست آورد .
" شورای ملی افراد نیجریه " پیرو سنن جمهری خواهی و سوسیالیستی در نیجریه است و مبارزه در راه استقلال کشور را رهبری میکند . ترکیب اجتماعی آن یکدست نیست . در آن علاوه بر کارگران و دهانان ، پیشه وران و بورژوازی کوچک و متوسط نیز رهسنگران و دانشجویان شرکت دارند . سران قوام ایبو (**Ibo**) نیز عضو این حزب هستند .

یکدست نبودن ترکیب اجتماعی حزب که منشا اساسی اختلافات درون حزبی را تشکیل میدهد و نیز سیاست کند کاری و آشوب طلبی رهبری بورژوازی آن حزب را از تنهایی برنامه اصیل سوسیالیستی باز میدارد .
حزب " کنگره خلق شمال " مدافع شایع سرکردگان فتوئال و ثروتمندان نیجریه شمالی است که اکثریت اهالی آنرا مسلمانان تشکیل میدهند . این حزب در انتخابات سال ۱۹۵۹ بیست و چهار درصد آرا و ۱۵۰ کرسی در پارلمان بدست آورد . حزب مزبور در نیجریه شمالی حکومت را بدست دارد . اکثریت پستهای وزارت در دولت مرکزی نیز متعلق باین حزب است .
حزب " کنگره خلق شمال " سازمان ملی ندارد و از پشتیبانی عمومی در مقیاس سراسر کشور برخوردار نیست . این حزب از ستورهای امپریالیستهای انگلیس پیروی میکند . وجه جنبش اتحاد در غرب (پان عربیسم) تکیه مینماید .

حزب * کنگره * د برتر از سایر احزاب بزرگی نیجریه خواستار واگذاری استقلال شد و همین جهت تصادفی نیست که در نیجریه شمالی ، که حکومت آنجا را بدست دارد ، جریان دموکراتیزه کردن مقامات حکومت محل و تکامل حیات اجتماعی بر مابقی کثرت در از سایر مناطق کشور انجام میگیرد .

با وجود این پیرا از آنکه نیجریه استقلال خود را تحصیل کرد ، حزب * کنگره خلق شمال * با تفاق حساسیت * شورای ملی افراد نیجریه * و * گروه اقدام * جداگانه بحیثیت کادر ملی پرداخت تا آنها را جایگزین کارشناسان فنی خارجی و کارکنان اداری خارجی کند . ملی سالها ی اخیر این حزب با انجام یکسلسله اقدامات دست زد که هدف آنها دموکراتیزه کردن مقامات حکومت محلی است . * کنگره خلق شمال * علاوه بر این برای ایجاد بخش دولتی رشته های جدید اقتصاد یعنی صنایع بافندگی ، سیمان و صنایع دستی و تیدیل کننده مواد خام با اقدامات معینی پرداخت .

و اما سومین حزب متنفذ کشور یعنی * گروه اقدام * در انتخابات کشوری سال ۱۹۵۹ هفتاد و یکوسی در پارلمان بدست آورد . این حزب تا جندی پیش حکومت نیجریه غربی را بدست داشت . ناهمگونی شدید در ترکیب اجتماعی و تفرقات سیاسی رهبری آن موجب نا استواری و ناپایداری مبنی سیاسی * گروه اقدام * و در آمیختن جوانان ارتجاعی و مرفعی در فعالیت آن گردید .

عناصر دست راست حزب هنوز هم برسوم کهنه طایفه ای و قبیله ای و شوینستی چمبیده اند . و این امر در سال گذشته کار را با نفعیاب در حزب کشاند . وجود شایعاتی درباره رشوه گیری ، مقامات رهبری این حزب و نیز این شایعه که کودتای از طرف آن در آنگ سرگرد موجب شد که دولت مرکزی کمیسیون مخصوصی تشکیل دهد . مابین کمیسیون مأموریت داده شد بازرسی کند و به پیوند حزب * گروه اقدام * دارای عمومی شش موزه تحت اختیار دولت نیجریه غربی را چه سفری میسراند . سپس در آنجا حکومت نظامی اعلام شد و دولت محلی مدت ششماه از حکومت برکنار گردید و ۲۵ تن از فعالین سرشناس آن حزب و متجمله رهبران آن آیاتمی آو لوبو حیانت به کشور متهم شدند (۱) .

رشته های جدید صنایع که ملی شش سال اخیر در کشور احداث گردیده ، برای بسیاری از افراد کار برای منازعه هاکا لاتا میگردند است . برخی از این رشته ها با شرکت سرمایه داران خارجی ایجاد شده که بیشتر ترجیح میدهند در رشته های سرمایه گذاری کنند که ژوسود آور میشوند تا بر آجوسازی و دخانیات ، بانک و موسسات بیمه و بازرگانی . دولت برای برقراری تجارت پرسود های حاصله و با بر میزبان دستفرد ها تقرباً اقدام نمیکند . در نتیجه این امر سرمایه خارجی بیزمانی بیش از آنچه وارد میشود ، از کشور خارج میگردد .

تکامل اقتصادی نیجریه ، با وجود سازمان شورای اقتصاد ملی و وزارت دولتهای صحت ایالات برای تأسیس بانکهای دولتی ، شرکتهای بیمه ، کارخانه های تور فولاد ، کارخانه های بافندگی و شرکتهای تجارتی که بتوانند با موسسات خصوصی رقابت کنند ، خلقت خود بخودی دارد . بسیاری از رهبران افریقا غالباً این نکته را فراموش میکنند که پیرا از احراز استقلال تنها با تأسیس البسم نمیتوان با افراد اطمینان وثوق و وثقی را که برای حل مسائل عامه تحولات اجتماعی لازم است ، داد . باید در نظر داشت که در ناسیونالیسم این تعابیل نهفته است که پالپتند خود را بدست همان امپریالیسم ، کسبیه موجب بروز ناسیونالیسم گردیده است ، بدهد .

(۱) - حکومت نظامی روز اول ژانویه ۱۹۶۳ ملتی شد . ساموئل آکینتولا نائب رئیس سابق حزب

* گروه اقدام * به نخست وزیر نیجریه غربی منصوب گردید . آکینتولا سینه خود حزبی بنام

* حزب متحده خلق * تشکیل داد و اکنون با حزب * شورای ملی افراد نیجریه * ائتلاف

کرده و پیمانهای آن حزب دولت محلی را تشکیل داده است .

اگر کشوری در عقاید خود و در رشته ملی و فنی وابسته بکشورهای دیگر باشد ، عملاً تحت جمعیت آنها خواهد بود ، و لولائیکه کشورهای مزبور اثرات استعماری وسازمان اداری استعماری هم در آن گذراندشته باشند .
ماهیت استعمار در استعمار اقتصادی کشور وابسته ، استعمار منابع و نیروی کار آن بسود انحصارهای بزرگ دول امپریالیستی و منابع ساحلی آن بمقاعداستراتژیک خود وجلب آن به بلوک جهانی امپریالیستی است .
استعمار یعنی " شکار " دادن کشور وابسته بعنوان منبع مواد خام و نیروی کار ارزان ، بازار فروش و عرصه سرمایه گذاری و نیز حفظ آنچنان سیستم سیاسی که صرفنظار از داشتن هر شکل خارجی حصول اینسن هدفها را تامین کند .

دو سال پیش لیدرهای راست مرا مورد استهزا قرار میدادند زیرا گفته بودم :
- اگر چه مادر نیچریه احداث موسسات مختلف شرکت کمپانیهای خارجی را تشویق میکنیم ولی کشور ما میتواند در آینده یعنی کردن برخی از رشتهها اساسی اعتماد ، به ملی کردن استخراج تله و نفت ، بانکها ، شرکت های بیمه و صنایع نورد فولاد دست بزنند و انحصار بازرگانی خارجی برقرار کنند .
لیدرهای راست این را بعنوان " کمونیسم مستور " تلقی کردند . ولی همانطور که شیرو در سال ۱۹۶۳ نوشته است : " اگر دولت ملی جایگزین دولت اجنبی شود و بخواهد حقوق سایر را در رشته درائی هسلا مصون نگاهدارد ، به چنین وضعی حتی نام سایه آزادی هم نمیتوان داد ."
چون راهبهای آهن ، بنادر ، خطوط هوایی و کشتی رانی ، کارخانه های برق و صنایع زغال و واحد و دی تولید سیمان ، منسوجات ، سفال سازی و داد و ستد محصولات کشاورزی اکنون قسمتی در دست دولت و قسمتی تحت کنترل آنست ، لذا بدیهیست که در نیچریه ملی کردن ملی الاصول یک سیاست رسمی شناخته شده است . آنچه روشن نیست فقط اینستکه آیا ملی کردن شامل حال رشته های دیگر اقتصاد نیز خواهد شد یا نه .
تکته شایان ذکر در این مورد اینستکه اصل مالکیت دولتی در قانون نیچریه راجع به روشها معدنی کشور متعکس است . در قانون مصوب سال ۱۹۶۵ گفته میشود که " تمام مواد معدنی و فنی که در زیر خاک مجریه است و نیز تمام رود های بزرگ و کوچک و راهبهای آبی در سرزمین نیچریه بد دولت تعلق دارد " . در قانون - اساسی کنونی نحوه سلب مالکیت خصوصی از طرف دولت ، بهرینی شده است . دولت ضمن بررسی وضع اقتصادی سال ۱۹۵۹ مودا اعلام کرد که ملی کردن در آینده نیز متغی خواهد بود . این واقعیات بوعین لیدرهای راست را تضعیف میکند .

برخی افراد مدعیند که گفتگوی ملی کردن ممکنست سرمایه گذاری خارجی را برماند . ولی این استدلال مثل خود امپریالیسم کهنه است . در سال ۱۹۳۹ وقتی آفریقای حاصلخیز متکثرند میزان مالیات ماخوذه از معادن طلائی که انحصارات خارجی در ساحل دلا استخراج میکردند ، افزایش یابد - حدود سون حکمران در این آنها گفت :

- من مطمئنم که مدخله دولت در این قبیل امور غلطی است کوتاه بینانه و غلط ، زیرا سرمایه بسیار حسمان است و چنین سیاسی آنها مجبور میماید در ساحل دیگری از جهان برای خود عرصه فعالیت جستجو کنند .
در دوران مانک اتحاد شوروی به کشورهای نواستقلال آسیا و آفریقا وامهای بزرگ داد و اگر بربند و ایالات متحده آمریکا با آن سابقه میدهد هیچ دلیلی برای غریب از غل سرمایه گذاریهای لازم برای شامل ط وجود ندارد .
سازمان ملل متحد نیز برنامه های برای کمک های فنی و غیره بکشورهای کم رشد تدبیر کرده است .
در این مورد بجاست خادرنشان شود که نیچریه برخلاف سایر اژکسورهای دیگر آفریقا از لحاظ منابع ثروت فقیر نیست . نیچریه به سیستم جدیدی برای سازمان اقتصاد خود نیازمند است که با سازمان کشور از طرف سرمایه خارجی پایان دهد و بیعزم امکان دهد ثروت ملی و در راه بهره گیری که در راه برای خود باسی گزارد و خود از آن استفاده کنند .

سرمایه داران خارجی پول و در راه برسپیل جوانمردی یا مهربوری در اقتصاد بآیات کشورهای دیگر نکار - تمیاند ازین ، بلکه هدف آنها بقا بدست آوردن حد اعلا میود است . حصول این مقصد در کشورهایمانیکه

دستبرد وسطی زندگی زحمتگشان پایین تر از کشورهای خودشان و مواد خام آن ارزاتر از مال خودشان است ، برای آنها آسانتر است .

طی صد سال اخیر در نتیجه برای سرمایه داران خارجی هر نوعی را که لازم داشتند ، فراهم ساختند . ولی آنها سرمایه های خود را در رشته‌هایی بکار انداختند ؟ بطور عمده در رشته بازرگانی ، آجوسازی و معادن یعنی در آن رشته‌هایی که بود سود می‌آورد و آنها امکان میدهند کشورها بجای ثروت مند ساختن غارت کنند . درآمد یک گمانی خارجی در نتیجه فقط در سال ۱۹۶۰ معادل با ۵۵ میلیون لیره انگلیسی بود . در همین حال گمانی مزبور پیشیزی در صنایع سنگین ما سرمایه گذاری نکرد .

میزان سرمایه های خارجی در اقتصادات کشورهای افريقای زياد نيست . مثلا در سالهای بيستون ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۵ مبلغ کل سرمايه گذاريهاي ايالات متحده امريكا در افريقا ۲۲۳ ميليون دلار بود و اين فقط برابر با ۰٫۷ درصد كل سرمايه گذاريهاي آنها در کشورهای خارج است که بیشتر در تايوان ، کره جنوبي و ویتنام جنوبي بکار رفته و به پیشرفت مقاصد " جنگ سرد " کمک کرده است . تنها طی سال ۱۹۵۷ این سه ناحیه ۶۷۰ میلیون دلار دریافت کرده اند و این نصف تمام کمک است که به بقیه کشورهای کم رشد با جمعیت ۱٫۲۵۰ میلیون نفر انجام گرفته است . اروپائی ها در افريقا قریب ۷۰۰ میلیون دلار در سال سرمایه گذاری میکنند ولی ۲ برابر این مبلغ را هر سال بصورت سود از آنجا خارج میکنند و ضمناً انواع امتیازات سیاسی و اقتصادی را نیز برای خود تحصیل میکنند .

ولی آیا این سیستم سرمایه گذاری خارجی خصوصی بهره جرح و مرج ، مسئله اساسی یعنی بیکاری ، تکامل ناموزون ، نرخهای شرمناکانه مجبورانه محلی و نیز مسئله فرهنگ و بهداشت را حل کرده است ؟ نه حاصل نکرده و هرگز حل نخواهد کرد . همانطور که تجربه حاصله در مورد لیبیا ، بورتوگو ، ایران ، کواتالا و سایر کشورهایشان داده است سرمایه خارجی نقش اسب دانسانی توأماً بازی میکند کفنیات واقعی خود را با مهارت پنهان میدارد .

مانیتوئیم اقتصاد خود را با حساب کردن روی " ائتلاف " تصادفی رشد دهیم . ما باید برنامه فلسفی جامعه داشته باشیم که رشد رشته های اساسی اقتصاد را مرجح بداند و عرصه فعالیت سرمایه خصوصی را محدود کند ، همان کاری که در کشورهای نظیر هند وستان ، سیلان و جمهوری متحد عرب انجام میگردد . از آنجا که ما کشور جوانی هستیم که در عصر اتم بمبیریم نمیتوانیم در قاره افریقا وقت را بیهوده تلف کنیم . ما باید ظرف چند سال آنچه طی صد سال از دست داده ایم جبران کنیم . بعبارت دیگر ما باید در طول عمر یک نسل عصر بخار و برق را طی کنیم و وارد عصر اتم شویم .

ما باید وجوه هنگفتی را برای پیشرفت جامعه و مسیح تمام منابع مادی و ذخائر نیروی کار جهت پیشرفت اقتصادی اختصاص بدهیم ، بانکها ، شرکت های بیمه ، صنایع معادن ، موسسات کشتیرانی و وسائل نقلیه شهری را ملی کنیم و تحصیل بازرگانی خارجی برقرار سازیم . این اقدامات منابع لازم را برای پیشرفت کشور بر اساس برنامه تأمین خواهد کرد .

برنامه ۶ ساله کنونی نتیجه (۱۹۶۲ - ۱۹۶۸) نشانه آنست که دولت

تاجکودی به ضرورت برنامه گذاری برای تکامل کشوری برده است .

برنامه ۶ ساله پیشرفت

در برنامه هزینه‌های معادل با ۲۷۲ میلیون لیره انگلیسی پیشروینی شده

است . ولی از این مبلغ فقط ۲۵۹ میلیون از منابع داخلی تأمین میگردد .

اقتصادی

بقیه را در شانز گرفته اند از طریق ورود سرمایه از کشورهای دیگر و منجمه ۸۰

میلیون لیره از ایالات متحده امریکا ، ۱۵ میلیون لیره از انگلیس و ۹ میلیون

لیره از آلمان غربی تأمین کنند .

در برنامه جدید ساختمان کارخانه برقی در رود نیجر با ارزش ۷۰ میلیون لیره پیش بینی شده که باید نیروی برق بدهد و به پیشرفت صنایع کمک کند . * ساختمان کارخانه ذوب آهنی به ارزش ۳۰ میلیون

لیره در نظر گرفته شده که با شرکت شرکا* خارجی سالانه ۱۲۵ - ۲۵۰ هزار تن فولاد خواهد داد و نیز در نزاراست بانک ملی توسعه و ترقی ب سرمایه ۴ میلیون لیره تاسیس شود *

در دوران ما فقط دولت است که میتواند در یک کشور کم رشد انقلاب صنعتی انجام دهد * کارفرمایان خصوصی سراپا در فکر منافع خویش و تحصیل سود سریع هستند * آنها نمیتوانند بکار صنعتی کردن - بپردازند * در کشوری که افراد آن نه سرمایه دارند و موسسات فنی ، دولت باید در توسعه صنایع و پیشرفت سرویسهای اجتماعی نقش روز افزون بازی کند * و کار خود را فقط به هماهنگ ساختن برنامه های کارفرمایان خصوصی منحصر نسازد *

اکنون دورانی است که دولت باید با خود اروپا توسط موسساتش اقدامات اجتماعی را برنامه گزاری و هدایت کند * امروز در نتیجه این فقط کارگران نیستند که میگویند رشته های جدید صنعت باید ملی شود * حتی بازرگانان نیز ، خود وسیع انحصارات بزرگ خارجی در کلیه شئون حیات اقتصادی مسلط محترضند * ولی تنها جلوگیری از نفوذ انحصارگران کافی نیست * دولت باید مداخله فعال و دامنه دار سازمانهای ترقی و توسعه را در رشته تولید صنعتی تشویق کند و شبکه وسیعی از کثیراتیو ها احداث نماید که کار خرد و فروشی و صنایع دستی را بدست خود بگیرند *



نچریه جدید از بسیاری جهات جانومرد و رخ رید النوع روم باستان را بیاد میآورد * یکنرخ آن بسوی گذشته متوجه است * آنجاوادی ارتشا* ، عقب ماندگی ، اختلافات طبقاتی و استثمار است * رخ دیگر آن بسوی آینده میگردد ، آینده ای که صفت مشخصه آن فرهنگ عالی است *

شعاعسرمیاریزه انقلابی و شوروشوق مردم برای دست یافتن به زندگی بهتر و زیاده ایست برای این امید که سرزمین پهناور و ثروتمند و زیبای ما را آینده ای با عظمت در پیش است * در تمام لحظات بحران تاریخ آن - اراده مردم همیشه عالیترین قانون بوده است * در حال حاضر ما سازمان واحدی که تمام افراد شرفیخواه متعلق به احزاب و سازمانهای مختلف را در برگیرد ، نداریم * ولی در مبارزه داخلی نیروهای اجتماعی عناصر مترقی بالنده درفش آینده را بدست دارند و عامل قاطع تکامل نچریه در آینده آنها خواهند بود *

اندیشه‌هایی در باره تبلیغات

نورمان فرید (روزنامه نگار کانادایی)

و کلد استرلینگ (روزنامه نگار دانمارکی)

منشی هیئت تحریریه در حالیکه چند خبرخبرگزار به بارها روی میز میگذاشت گفت :

— به بینید شاید بتوان در این باره چیزی نوشت *

یکی از این اخبار توسیفا در دستگاهی اختصار داشت که برای احتیاجات رکلام ساخته شده و واکنش انسان را در قبال برنامه های تلویزیون و حتی در قبال برخی از کلماتی که در آن بکار میرود ، ثبت میکنند . در خبر دیگر از روانشناسی سخن میرفت که طرح ساختمان دستگاهی را برای " سنش " فعالیت مغز و حرکات چشم انسان هنگام خواندن متن های مختلف تبیین کرده اند . در خبر گذشته یک دفتر مطبوعاتی بلافاصله این دستگاه را خریداری کرده است . سرانجام خبر سوم حاوی شرح برنامه ای بود که " شرکت ملی صاحبان صنایع " (۱) برای کارهای تبلیغاتی خود در سالهای ۱۹۶۳ - ۱۹۶۴ تنظیم کرده و علیه سندیکاهای متوجه است و در این نگارش مقالات متعدد ، تهیه فیلم های " علمی " و عامه فایده ، سخنرانی های درد انگها و جاهای دیگر ، برنامه های رادیویی و تلویزیونی و غیره پیش بینی شده است *

آنچه در فکری که پیش از خواندن این اخبار بجا آورید این بود که رقابت بر سر رکلام های بازرگانی گرایشی برای تبلیغ اسلحه های علمی تاثیر بر افراد بوجود میآورد و این اسلحه ها مستعد تبلیغات سیاسی نیز میباشند . هر چه وسیعتر مردم استفاده قرار خواهد گرفت ، زیرا اکنون که اندیشه همگونی مسالمت آمیز با کلمات استوار به پیش میرود برای خود راه باز میکنند ، مبارزه ای طولانی تا کی برسد تا روزی که کسب می نماید . هر اندازه که سوسیالیسم در سخنرانی و عقوبت کامیابی بیشتری بدست میآورد مخالفین آن باتب و تاب بیشتری به جستجوی وسائل جلوگیری از این پروسه بر میخیزند *

باین جهت بود که ما فکر افتادیم در باره شرایط و وسائل جدید تبلیغات ، در باره تفحص شیوه ها و اسلحه های جدید بیکه آنها بتوان حقیقت مارکسیسم - لنینیسم را با موفقیت هر چه بیشتری در دسترس افکار مردم ما گذارند ، نفع ای گفتگو کنیم . (متذکر میشویم که تجربه ما محدود است به کشورهای اروپایی غربی و امریکای شمالی) *

از هنگام پایان جنگ ، پیشرفت فزونی نه فقط موجب تکمیل وسائل قدیمی تا نیز بر عقول و آذهان را فراهم ساخته بلکه امکان داده است وسائل نیرومند جدیدی نیز اختراع گردد و با آنها اضافه شود .
مثلا تلویزیون یکی از قویترین وسائل برای تبلیغ در مقیاس وسیع محسوب شده است . در اکثر کشورهای پیشرفته سرمایه داری تقریباً هر خانواده

و وسائل جدید

تبلیغات

(۱) - شرکت ملی صاحبان صنایع * - یکی از بزرگترین سازمانهای سرمایه داران انحصارگرایالات

متحد و امریکاست *

تلویزیون دارد . در ساعت شروع برنامهها هنگام عصر از خیابان دید* میشود که چگونه در پشت تمام پنجره ها یکمتریه چراغها خاموش میگردد و از صفحات آبی رنگ تلویزیون ها نور ملایمی ساطع میشود . تلویزیون را - میتوان با شخص غریبه ای که وارد خانه میشود ، باینکه مبلغ دانهویز را مقایسه کرد* وقتی انسان فکر میکند که چنین مبلغی با نیات بد خواهانه سخن میگوید بوحشت دچار میشود ، زیرا باینکه او میتوان ظرف چند ساعت غوغای همیشگی به پا کرد ، غوغای که علناً در آغاز بحران کارائیب بیاند* تنها این واقع استثنائی* نیست که نشان میدهد تلویزیون بعنوان یک وسیله تبلیغاتی بسطح هنر رسیده است* همه روزه به تئاتران - تلویزیون ، استفاده از تجارب حاصله در رشته دکلام فروزشابون* ، اتصال ویا حازری برقی ، شبیه نقشگر معینی تلقین میکنند *

راد پوهم عقب نمیاند* حتی برخی از شرکتها* حدی* راد پوهی اکنون اصل سوداگران برنامه های موسیقی شبانه روزی را بکار میبرند* موسیقی در فواصل معینی برای دختر آگهی ها و اخبار کوتاه و تعمیر قلمسج میشود* این اصل بر پایه روانشناسی مبتنی شده است* شتار آمد اوم یک مطلب معین موجب بروز واکنش های نیمه خود بخودی معینی میگردد که اندیشه و تفکر خاصی را ایجاب میکنند *

با وجود رقابت روز افزون تلویزیون و راد پوه بازم همجنان در تبلیغات نقش مهمی بازی میکنند و این واحد پوزنادی نتیجه استفاده از همان اسلوب های دکلام بازرگانی است* تعداد مجلات تصویری افزایش می یابد* روزنامه های میوه با شرایط جدید در مساز میشوند و کار کارکنان خود را افزایش میدهند ، تعداد هر چه بیشتری بخرن چاپ میروند و انواع نشریات فوق العاده به ضمیمه روزنامهها منتشر میگردد که در آنها با وی و سلیقه تمام اعضا* خانواده در نظر گرفته میشود ، روزنامه های ایام تعطیل هفته باندازه یک آخر وزن دارند* بیشتر فنی در امر وصول اخبار و ضبط اخبار روزی نوار و پخش یا چاپ آنها از بندهای رایج است* فقط خرائد بزرگ یو میوه از عهد برداخت آن بر میآیند* به همین جهت تمرکز تبلیغات جنبه ناگزیر خود میگردد و فولان بزرگ خرائد حلف روزنامه های کم پیش مستقل و حدی را بکام خود فرو میبرند* وقتی یکسلسله از روزنامه های مشهور انگلیسی با تراست های تیرومند* در آمیختند* ، این موضوع سرچشمه ای زیادی بر پا کرد ، ولی نظیر همین جریان را در تمام کشورهای سرمایه داری میتوان مشاهده کرد *

وسائل جدید و تکمیل شده تبلیغات در عین حال با انحصارات امکان میدهند بطوری اثربختر تر و سریعتر نشر های وسیع اهالی را در کشورهای پیشرفته سرمایه داری تحت تاثیراید تلوونیک قرار دهند* در این مورد بچاست نشر روز افزون* هماهنگ کننده* خبرگزاریهای بزرگ سرمایه داری نیز یاد آوری شود* بطوریکه میدانیم اخبار مربوط به سیاست خارجی و ارتباطی حوادث بین المللی در بین اخبار دارای جنبه سیاسی جای هر چه بیشتری را میگیرد* حتی روزنامه های بزرگ یومیه که از خود در خارجه خبرنکار دارند از اخبار خبرگزاریها استفاده میکنند و آنها را فقط با کمی اختصار و تغییر انتشار میدهند* با نجهت پنج - نشر خبرگزاری بزرگ صد ها و صدها روزنامه را نه فقط از لحاظ خبرتایمین میکنند بلکه سمت آنها را نیز تعیین میکنند *

ما سخن تازه ای نگفته ایم اگر اظهار کنیم که تبلیغات سرمایه داری درد و جهت اساسی توسعه مر یابد* هدف یکی از آنها انصراف توجه افراد از مسائل اساسی اجتماعی و سیاسی* ، دلیشه کردن* آنها بمسائل روزمره معیشت و مشغول داشتن آنان یادها راهتاشی میدهند در امر معیشتی و هزارها خرده ریژی بوده است *

صحت آنها چیست ؟

چطور باید لباس پوشید ، چگونه باید خرج و دخل خود را جور کرد و اطفال را تربیت نمود ، راز تند رستنی و زیبائی ، بجه وسیله میتوان با قضاوت در خارج شهر و یا خرید* ، حالا بخیرید بعد پول بدید* - این دعوت از هر طرف با ساحت شمارا در نیال میکند* شما پیشنهاد میکنند بخارجه بروید - آنچه که از روی دیرین شماست - این مسئله فکر و ذکر همه خانواده را با تاپ و تاپ تمام بخود مشغول میدارد* خود بساز* - کاری که برای شما باقی میماند فقط تست پت کارگاه مکانیکی تازیر زمین خانه است* ، اینک دیگر هر دقیقه از وقت

آزاد شما گرفته است وقت برای تفکر باقی نمانده است . . .
 کار باین سادگی و در عین حال باین بختی . بدینسان منافع مشروع و عادلانه افراد عادی بامنافع
 شرکت‌های تجاری آمیخته میشود . از امارات و ارز، انسان برای تنگ کردن میدان دید و فقر معنوی او استفاده
 میکنند .

جهت دیگر تبلیغات تجارتست از تلاش برای آرایش‌نمای سرمایه داری و پوشاندن گرگی پیر در پوست
 بره . این جریان بصورت موعظه و تبلیغ سرمایه داری خلق ، دولت‌پهروزی و نیکبختی ،
 جامعه و فرهنگست ، معجزات اقتصادی و توزیع یکسان عوائد متظاهر میگردد .
 هدف آن - اتعاق افراد باین مطلب است که مبارزه طبقاتی ناپدید گردد و با زائد شده برای
 خود زحمتکشان بسیار خطرناک گشته است . نتیجه ای که بکمک چنین تبلیغی تلقین میگردد اینست
 که خطر از جانب کمونیست هائیشی میشود ، زیرا آنها قصد دارند شمارا از زندگی مرفه و آزاد
 محروم کنند . این ادعای احتجاجاتی درباره تجاوز کمونیستی ، نقش‌سحیلانه برای ایجاد
 بحران و بیکاری عمومی و متزلزل ساختن اقتصاد کشور های سرمایه داری و تضعیف قدرت مقاومت آنها در مقابل
 تجاوز ، - تحکیمشود .

آنتی کمونیسم همیشه بدرهمه جا بیک اندازه خشن نیست ، ولی با وجود این اندیشه جنگ سرد ،
 میلیتاریسم ، توازن هراس ، نژاد پرستی و غیره همیشه در رزاد خانه تبلیغات سرمایه داری باقی
 میماند بعنوان چاشنی اخبار طلاق ستارگان سینمایی و توجیه خرید مل جدید به افراد عرضه میگردد .
 این اسلوب در قایت امر به مکتوم داشتن نیروهای محرکه اصلی پروسه‌های اجتماعی و سیاسی و به بختی
 ساختن مسائل محدودی که فقط کارشناسان بهره بتوانند ازان سردر آورند و با برعکس ساده کردن مطالب
 بدرجه ایکه نوییدی آورشود - کمک میکند .

گفتگو درباره اتوصیل ، درباره مد و کاربردانی در امر معیشتی ، اگر این
 اشیا برای زحمتکشان مطلقا غیر قابل دسترس بود ، فقط موجب اشمسزار
 روی سخن آنها با کیست ؟
 میشد (ضمنا در برخی از مناطق کم رشد که این اشیا کم است ، تلویزیون
 موجب شده است کمپروهای مرفعی با حدیث بیشتر ، بیماریزه در راه خواست
 های خود بخریزند) . ولی در برخی از کشورهای سرمایه داری گروه‌های
 از کارگران با افزایش دستمزد واقعی ناش آمده اند و حتی در کشورهای که دستمزد واقعی افزایش نیافته و
 کاهش پذیرفته ، خصلت عرضه و تقاضا با حداقل خواستها در این زمینه ب میزان معینی تغییر کرده است .
 تبلیغات مرفعی در عین اینکه نشان میدهد که زحمتکشان در معرض استثمار ریز افزون قرار میگیرند و مردم از
 سنگین شدن بار مالیات ها ، کمبود مسکن ، بیکاری و غیره رنج میبرند ، نمیتواند تغییراتی راهم که رهی
 داده است در نظر نگیرد .

یک پدیده شاخص دیگر تجارتست از محرومیت و پنا سبایی که سابقا از خصوصیات مشخصه زندگی شهری
 بود ؛ سبکی از زندگی بوجود آمده است که گاه آنرا سبک زندگی مجزایمفرد (ایزوله) مینامند .
 خانصهای مدرنی در اطراف شهرها پدید گردیده که با مرکز شهر مساحت زیادی فاصله دارد . افرادی که در
 این خانه‌ها زندگی میکنند کارشان خوردن و خوابیدن و تعاشای تلویزیون است و مدت با همسایگان خود معاشرت
 میکنند . در بعضی از جاها آنها را حتی شهر خوابگاه مینامند .

علاوه بر این میان کارگران ، کارمندان و کسبه واحد معینی همترازی اجتماعی بوجود آمده است .
 این امر از یک طرف موجب بهبود درک منافع مشترک میشود و از طرف دیگر عده زیاد کارآفران را بسوی شیوه
 زندگی خرده بیزواری میکشاند .

سرانجام کارگران شاکی هستند از اینکه تاکنون هیچگاه چنین خستگی و کوفتگی احساس نکرده اند .
 شدت کار ، کار بیش از میزان مقرریا کار دردمحل ، فاصله زیاد بین محل سکونت و محل کار ، تاثیرات هیستری

جنگی و نگرانی عمیق از فرد احشی در شرایط روند اقتصادی - همه این عوامل در تحولات و اعصاب تاثیر میبخشد .
 بند بطریق البته برای کتاب خواندن وقت کمتر و برای شرکت در جلسات نیروی کمتری باقی میماند . در برخی
 از کارخانه های کتونی شد بخار بدرحه ای رسیده که کارگران فقط در ساعتش میتوانستند باهم صحبت کنند .
 استفاده از اژاشیا ، جدید کثیر المعرف نیز منتهی به صرف وقت است .
 روشن است که تبلیغات سرمایه داری همه ایشهارا مورد استفاده قرار میدهند . علاوه بر بحروف درشت ،
 انواع اصوات و تصاویر ، موسیقات سبک و آسان - تمام برادخانه اعمال نمودند این تکنیک با تاشیح بوجود
 میاید و ایجاد تشفع مینماید .

ضعف آنها

چند ، پیشرو زمانه ، تیویک تایمز ، ضمن احصا بر تعامیل به فلسفه یاقسی
 نوشت سیاست یعنی فن واداشتن مردم بانجام کارهای که مفهوم آنرا
 درک نمیکند . این تعریف اگرهم خصلت تبلیغات بیرونی را تمام و کمال -
 آشکار نماید حد اقل ، خصوصیات ذاتی آنرا توضیح میدهد : دروغ پرانگی ،
 تحریف واقعیت ، وقاحت و تحقیر انسان . سرانجام در زمینه چنین افسرافی
 ادعای ایدئولوگ های بیرونی بر اینکه ، سرمایه داری اصلا تبلیغات نمیکند ، بسیار خنده آور میشود .
 باید پرسید که در این صورت چگونه افراد را ، بانجام کارهایی که مفهوم آنرا درک نمیکند ، وادار میسازند ؟
 هدف تبلیغات بیرونی که وسیله ایست برای نمود دادن ایدئولوژی بیرونی تمام شئون زندگی و مسا
 - تمام اشیا را از خشن ترین اشکال گرفته تا ظریفترین اسلوبیگری از سیر قانونی پروسه تاریخ ، انصراف توجه
 افراد از مسائل مردم اجتماعی و از بین بردن امکان فعالیت خلاق آنها است . این تبلیغات نه فقط در برابر
 کمونیت ها ، بلکه در برابر تمام جامعه بشری ، مانع ایجاد میکند .

تبلیغات بیرونی با وجود وسعت و استفاده از وسایل قش ، بکار بی ثمری مشغول است . اندیشه
 های سوسیالیسم و واقعیت آن هم اکنون در یک سلسله از مسائل قاطع به تبلیغات بیرونی شکست وارد ساخته
 و آنرا وادار کرده است ولو در گفتمان هم شده به حقانیت خواستهای مربوط به اشتغال کامل به کار ، تامین رفاه
 اجتماعی ، امکان برابر در رشته کسب معلومات و واحد ودی حتی به نظریه برنامه گذاری اعراف کند . توجهی
 که تبلیغات بیرونی بمسائل بیرون شرایط زندگی مردم معطوف میدارد وید بطریق چنین وانمود میسازد
 که سرمایه داری پیشرفته در حکم دولت بهروری و تکیختش است عملا انعکاسی از تعرض سوسیالیسم
 و کامیابیهای تبلیغات است . تکیه ای که تبلیغات بیرونی بر وی جستن مسائلی مینماید ، همانند
 بومران (۱) است که پستی خود سرمایه داری باز میگردد .

خستگی و بیختگی ، مظاهر بارز استثمار سرمایه داری تفاوت روز افزون بین آنچه که اکثریت اهالی بدست
 میآورند آنچه که با وجود امکانات تولیدی کتونی میتوانند بدست آورند ، محدودیت در مگراسی و محدودیت شرایط
 لازم برای رشد و تکامل شخصیت ، انحطاط فرهنگ ، خطر نابودی اتمی - اینهاست آن عواملی که تبلیغات
 انحصارگران قادر به تغییر آنها نیست و وجود آنها به گسترش بازاره ضد مونوپولیستی تود معاکم میکند .
 سرانجام ساد گردن مطالب بود اگر جنبه مثبت استفاده از تکنیک نوینس در نظر گرفته نمیشد . این صحیح
 است که تبلیغات بیرونی از این تکنیک برای رشد آگاهی زحمتکشان استفاد میکند ، ولی این نکته نیز صحیح
 است که در نتیجه وجود تلویزیون ، رادیو ، سینما و جرائد و مجلات صورت تود معای بزرگ مردم امروز بعزابت بهتر از
 هر زمان دیگر اطلاع بدست میآورند . اکنون مردم میتوانند (ولو گاهگاه) در طول روز و نوبت ها ساعتها را که
 در شرایط سوسیالیسم انجام میکردند ، استمال کرده از بهروری کارگران پس از از گذشتن از سفر کیهانی در میدان سرخ

(۱) - بومران - سلاح فلزی ضایع و وحشی استرالیایی بوده است . این سلاح چوب کمانی شکلین است که
 پس از پرتاب خود بخود پستی پرتاب کنند و باز میگردد . (شرح)

بعمل آمد - تماشاکنند ، در نمایش‌های برای میلان ، وادیهات و هنرکلاسیک آشنا شوند . همین تقریباً مقالات مندرجه در مجلات مهر ، کتب ارزان قیمت و تعداد روزافزون فیلمها (مخصوص فیلمهای مستند) که در آنها مسائل و معضلات واقعی جامعه بشری مطرح میگردد - انجامید هند .

این تکنیک به بدنه حصارها رخنه میکند ، افراد را به نزدیکی مینماید ، معلومات آنها را همه جانبیه تر میسازد و آنان امکان میدهند اندیشه ها و افکات هارا با سرعت بیسابقه و در مقیاسی بیسابقه آشناء دهند .

این تکنیک میتواند هم عامل خیر باشد و هم عامل شر . در نخستین مرحله بحران کارآیی تکنیک مذکور در کشور های سرمایه داری تخم آشوب پراکند ولی همین تکنیک بعدها سرعتر تشنج اوضاع در مرحله دوم کمک کرد .

فعالیت کمونیستها در بین توده ها در صورتی میتواند موافقت آمیز باشد که شرایط حد بدر در نظر گیرند .

• احزاب کمونیست امن اواخر را : تک - اهل و تبدیل تبلیغات خود مساعی عظیم بکار بردند و فعالیتهای مشهودی رسیده اند .

• نخستین نمودار بازاران این واقعیت است که احزاب کمونیست اتمام - انواع وسائل تبلیغاتی در مقیاس وسیع استفاده میکنند و تنوع تبلیغات کمونیستی پیوسته بیشتر میشود .

متنوع و مشخص

مطبوعات حزبی با وجود دشواریهای مادی نیروی کمتری در یکسلسله از کشورها علاوه بر روزنامه های ارگان مرکزی حزب روزنامه های محلی آن که اخبار و اطلاعات عمومی در دسترس خوانندگان خود میکنند ، موجبات انتشار نشریات ادواری دیگری فراهم شده عکسهای فراوان در آنها بچاپ میرسد . صفحات موسیقی ، نوار های صوتی ، عکسهای رنگی روی شیشه ، پلاکتهای رسامی و غیره جزو وسائل تبلیغاتی کمونیست هسا میشود . بعضی از احزاب تلاش کرده اند برای مساهم حدیدی نظیر تلویزیون را محلهائی پیدا کنند . آنها میکوشند حق شرکت در برنامه هارا بدست آورند ، علیه تبعیض مبارز میکنند ، با انتشار اخبار یکجانبه و غرض العود اعتراض میکنند .

• در مورد راديو نیز وضعی همین متوال است .

• در کشورها تیکه راديو و تلویزیون متعلق بدولت است ، طبقه کارگر خواستار برقراری نظارت و میکروانیت بر آنست و آنجا که چنین حق برسمیت شناساخته شده انعکاس واقعی و همه جانبه زندگی واقعی را در برنامه هسا طلب میکند .

تفکیک هرچه بیشتر بخشهای مختلف تبلیغات از یکدیگر شایان توجه خاصی است . پیرا زاین غالباً این حقیقت ساده فراموش میشود که اگر گروههای اجتماعی مختلف نباید با یکدیگر و مطالب واحدی سخن گفتند . زیرا اولاً هر یک از آنها مشکلات خاص خود را دارد که بدون بیان نشدن آنها و ارائه طریقی برای حل آنها این خطر پیش خواهد آمد که افراد لایق بصی اشنا بمانند . ثانیاً هر یک از گروهها با اجتماعی از خود شیوه انجبرائی درک مسائلی مشترک دارد ؛ زنان را نگرانی از منوشت کودکانشان بمقبوض مبارزه در راه صلح میکشاند ، روحانی را ایمان بمسیح مسالمت جو (ما تاجدودی مطلب را ساد میکنیم تا ضرورت در نظر گرفتن مجموعه شرایط و عوامل ، از موقعیت اجتماعی گرفته تا انگیزه هاد روانی ، را برجسته تر ببانزرد و با شیم) . ثالثاً استدالات و جنسین کلماتی که برای یک گروه مفهوم است برای گروههای دیگر یکگانه نامفهوم خواهد بود .

• مایه خوشبوئی است که تبلیغات کمونیستی روز بروز جنبه مشخصتری پیدا میکنند بیشتر در سمت هدف قرار میگیرد .

• عده نشریات اختصاصی : مخصوص زنان ، جوانان ، دهقانان ، دانشمندان ، فرهنگیان افزایش می یابند .

• در این مورد هنوز هیچوجه تعام اقدامات لازم بعمل نیامده احزاب کمونیست این انتقاد را حدلاً از همین شمارند که تبلیغات در بین قشرهای مختلف مردم هنوز هم گاه بشیوه " آکادمیک " انجام میگیرد بیرونی از قشرهای اجتماعی (مثلاً معلمین ، مهندسان ، کارمندان و غیره) بتدرت شامل آن میشوند .

• بدیهیست که انجمنی تبلیغات تنها بجنبه مشخص (کنکرت) و هنر یافتن استدلال و کلمات موثر در این یا آن گروه اجتماعی منوط نیست . عاملی که در غایت دامن درجه مشخص بودن را در تبلیغات معین میکند جملگی و بررسی خلاق مسائل مهم زندگی اجتماعی است . ما میخواهیم یاد کرد و مثال نشان دهیم اکنون که فعالیت

اید تلویزیونیک احزاب مشغول بررسی خلاق شعری مارکسیسم - لنینیسم بر روی قوی العاده ای رسیده است چه امکاناتی برای تبلیغات فراهم کرد *

مشکل کسی باین نظر اعتراض کند که یکی از معتبرترین قسمت های تبلیغات ما در کشورهای سرمایه داری این بوده بی تردیدین وظایف مهم و هدف تبلیغاتی مبارزه زحمتکشان بعد کافی روشن بیان نمیشد : عبارات ضمنی ، ما از نعمت صحبت میکردیم که سوسیالیسم برای مردم بسیار میارزد ، به کارگرمیگتیم ؛ * در راه سوسیالیسم مبارزه کن * * کارگر میگفت : * بسیار خوب ، من حاضرم وقتی که لحظه آن فرارسد ، در راه امر حق مبارزه کنم * ولی تا آن لحظه من برای اضافه کردن دستمزد م مبارزه خواهیم کرد *

یستگی وظایف مهم و هدفهای نهائی

اکنون باین تصور که سوسیالیسم آرمان در دست که هنوز وقت مبارزه در راه آن نرسیده ، پایان داده میشود . احزاب کمونیست اندیشه های لنین را در باره وجود پیوند ناگسستنی بین مبارزه در راه دموکراسی و مبارزه در راه سوسیالیسم ، مطابق با شرایط کنونی بسط داده و خواسته های مشخصی را تنظیم کرده اند که فکر توده ها نزدیک برایشان مفهوم است . این خواسته ها که طرح آنها موجبات تشکیل واتحاد زحمتکشان را فراهم میسازد از جمله عبارتند از ملی کردن و محدود ساختن قدرت انحصارات ، اصلاحات ارضی و اصلاح سیستم وام و اعتبار بسوی فارمهای کوچک ، برنامه های عمران مناطق عقب مانده و مناطق در حال رکود و انحطاط ، برنامه های خانه سازی ، اصلاح سیستم آموزش سپید است ، کنترل دموکراتیک سرمایه گذاری ها میانزگانی خارجی ، حل دموکراتیک و بترقی مسئله وسائط نقلیه (ترانسپورت) که بیش از پیش جنبه حاد بخود میگیرد ، برنامه های شهر سازی ، محدود کردن یا برانداختن سود آگزی پارمین ، از طریق ملی کردن یا کنترل آن توسط اجتهت های شهر . نکته جالب توجه اینست که تبلیغات اکنون در بیشتر موارد با اتهامات کلی علیه انحصارات بلشی فقط بعنوان انحصار بودن ، اکتفا میکنند ، بلکه برنامه های مثبتی هم بسوی قشرهای دموکراتیک مردم پیشنهاد میکنند . شیوه جدیدی طرح مسائل جنبه کارگری کنونی امکانات فراوان برای توسعه مبارزه سند یگانه فراهم میسازد . جنبه سند یگانی بمبارزه در راه منافع مستقیم اقتصادی زحمتکشان محدود نمیشود ، بلکه این مبارزه را بیشتر از پیش با خواسته های در زمینه توسعه آزاد و بیاد حقوق خود سند یگانه ، کنترل و شرکت در اداره امور موسسات - نیز توجیه میسازد *

بدینسان تبلیغات کمونیستی خادار نشان میکند که مبارزه در راه دموکراسی یک شعار تاکتیکی نیست ، بلکه در همین حال حاضر ، یعنی قبل از حصول کامل انحصارات موجبات تیل به هدفهای معین مادی ، فرهنگی و سیاسی را فراهم میسازد . این توضیح به مبارزه برای دفاع و توسعه حقوق دموکراتیک و علیه ارتجاع و فاشیسم نیروی تازه ای میبخشد *

تنظیم اشغال مخصوص دوران گذار ، طرح شعارها و خواسته های مربوطه امکانات جدیدی برای تبلیغات کمونیستی فراهم ساخته است . این تبلیغات باسعت یابی کاملاً مشخص خود نشان میدهد که احزاب انقلابی طبقه کارگرتنها به افشای نظام سرمایه داری و تمویق افق تابناک کمونیسم اکتفا نمیکنند ، بلکه خود میان توده ها هستند ، نیازمندیهای روزمره آنان را بررسی میکنند ، در راه دموکراسی راه جزئی لاینفک مبارزه در راه سوسیالیسم است توسعه میدهند *

یکی از وظایف اساسی احزاب کمونیست تبلیغات در راه مزایای سوسیالیسم بود و هست . خود زندگی در این مورد - هر روز هر ساعت بر همین هر چه اولین توند درد سترس میگذارد . سوسیالیسم به اشتغال انسان بدست انسان همه بیکاری پایان داده ، به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی آهنگ سریع بخشد ، شامل سریع هم و تکثیر راه که به روشن ترین طرز در رشته پژوهش جهان - متخلی گردیده ، تامین نمود ، است . سوسیالیسم توانائی خود را در حل مسئله ملی عملاً به ثبوت رسانیده ،

سرمشق سوسیالیسم

- برنامه‌ای تازه ای برای بحث دامنه د میکراسی بوجود آورد ، کاملترین سیستم تامین رفاه اجتماعی و آموزش عمومی را ایجاد کرده و امکانات هرچند ساده‌تری برای تکامل همه جانبه فرد فراهم میسازد . این سرمشق بمنوب آئنده
 * در کاراست * بدوستان سوسیالیسم نیروی تازه میبخشد ، روزی روزی و بیشتر از این بر فرد رفاهی سوسیالیسم
 میکشاند *

این مطلب حاجتی یائبات ند ارد که عامل تعیین کنند و کامیابی تبلیغات سوسیالیسم تنها د ستاورد هسای
 مشخص سوسیالیسم نیست بلکه تا حد ود معینی شیوهها و اسلوب هاشکه در این تبلیغات بکار برده میشود ، نیز
 هست * این تبلیغات درگذشته نقائص جدی داشت * پاسخ ما به تحریفات و واژگون سازیهای خراشد بهروز و آوسی
 که بسوسیالیسم رنگ سیاه میزند ، گاه این بود که سوسیالیسم را با الوان * طلائی * رنگ آمیزی میکردیم *
 در زمینه اینچنین رنگ آمیزی هرلکه کوچکی منظره منحوس بخود میگردت *

نه ، سوسیالیسم برنگ آمیزی آرایش ، به نفی مشکلاتی که پیروسه بغرنج ساختمان جهان نوین آنها را پدید
 میآورد ، نیازی ند ارد * با نخبعت کوشش تبلیغات کمونیستی برای آنکه سوسیالیسم را یک پیروسه اجتماعی بسا
 تمام تمام هاروشکلات ان بنمایاند ، نه فقط مزایای انرا کوچک جلوه نمیدهد ، بلکه برعکس این مزایا برانستب
 بر خسته تر و گویا تر میسازد *

بظهوریکه میدانیم افشا * کثیر شخص پرستی د شواریهای معینی در حینتر کمونیستی پدید آورد * ولی تجربه
 نشان د داد که حزب کمونیست اتحاد شوروی وسایر احزاب کمونیست با آگاه ساختن مردم از حقایق مربوط به کیش
 شخص پرستی هار مبارزه پیگیر علیه تمام عواقب آن ، چه کار صحیحی کردند * این اقداماتز جمله بقشرهای وسیع
 جامعه کشورهای سرمایه داری کمک کرد تا به طبیعت د میکراتیک نظام سوسیالیستی پی ببردند ، با این اقدامات
 تبلیغات بیرونی از تره های خود درباره خصلت * دیکتاتورمنشی * و * مطلق العنانی * دولت سوسیالیستی
 محروم شد *

حزب کمونیست اتحاد شوروی ودیگر احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی برای ایجاد موثرترین تشهیسات
 درقبال هرگونه تجدید کثیر شخص پرستی وسیراث هائی از ان تبلیغ فرمالیسم ، فقدان قدرت واقع منی ، ترس
 از اتقاد ، دکاتیسم وسکارتیسم ، شیوه این الوقی ود مسازی در علم (بخصوص در علم اجتماع) وغیره مسائلی
 فراوان بکار میبرند * تحقو آند یسه نین درباره ایجاد سیستم پر قدرت کنترل ونظارت مردم ، نقش مهمی در
 اسبسط دامنه د میکراسی سوسیالیستی د ارد * مجموعه این اقدامات به تبلیغات کمونیستی اجازه میدهد امکانات
 تعلیم د میکراسی سوسیالیستی را بتحوروشن ومقتع تشریح کند *

ذکر مجموعه مسائلی که تبلیغات به تشریح انها مشغولست در حوصله یک مقال نم گنجد وحاجتی هم بان
 نیست * در اینجا ما فقط میخواهیم لون فکرا خاطر نشان کنیم که شرایط جدید با امکان داده است تبلیغات
 خود را بپوزه از نظر انتخاب مسائلی که باید مورد تشریح قرار گیرند تکمیل کنیم * و این تنها شامل مسائل مبارزه
 در راه د میکراسی با برنامه سوسیالیستی نیست بلکه هعز منشی مسالعت آمیز ، مبارزه در راه استقلال ملی
 بسیاری مسائل اساسی دیگر حیات سیاسی دوران کنونی را که د تبلیغات کمونیستی منعکس میشود ، نیسز
 د بهر میگرد *

حال میخواهیم به برخی مسائل مربوط باشکال ، اسلوبهاوشیوه های

در باره مباحثه تبلیغات بپردازیم *

چه کسی از ما این سرزنشرا نشنیده است که تبلیغات ما * همیشه بیشتر از
 اندازه جنبه مباحثه ومناقشه داشته است ؟ * ما با آنکه کامل یحقاتیم خود
 در پاسخ چنین سرزنشی بیلگوئیم : اری ما با هرانچه که گفته است بخاطر آنچه که نواست مباحثه میکنیم و اینکار
 افتخارد اریم ، و اگر این مباحثه گاه بحرارت تر از آنستکه در سالن هار مرسوم است این بهیچوجه نشانه ضعف
 اعصاب نیست : مثلا چگونه میشود از میاهداریهای امپریالیستها ، که حیاتی را بکشاندن در گرداب جنگ هسته
 تجدید میکنند ، پی خشم و بیزارای سخن گفت *

ولی نباید ناگفته گذاشت که ما زیاد در مریوم و انوقت است که جرحی بیش از اندازه ، واقعا انعکاس ضعف است ؛ یا انعکاس اطلاع ناهم از فکات ها و یا کمبود اتحاد و ایقان یا چیزی که دیگران را باید بحفاظت آن متقاعد ساخت .

بسیاری از این نقاط ضعف اکنون در پرتو تبدیل جنبش کمونیستی به جنبش جهانی وجوده ای ، افزایش کادر و تجربه این جنبش و در پرتو کامیابیهای حاصله در امر تکامل خلق مارکسیسم - لنینیسم بطرف شده است . علی ساختن اتحاد های وسیع که تا حد حد معینی بر شیوه صحیح مناقشه یا مباحثه مبتنی باشد ، بنوع خود موجب بهبود املوسهای مباحثه ، هم از جانب ما و هم از جانب متحدین بالقوه ما ، خواهد شد . همین مطالب در مورد رنگ آمیزی سپاه یا تلاشی نماد قیامت * ما در باب این تغییراتی که در رشته تصویر واقعیت سوسیالیستی پدید گشته اشاره کردیم ؛ با آنکه هنوز تمام هدفهای آن تحقق نیافته و یا بنحیت در این واقعیت همه چیز بد انسان که دلخواه ما است نشده است ، معیند اواقعیت سوسیالیستی توانایی خود را برای تأمین برتری خود ، حتی در رشتههایی که هنوز سرمایه داری حلو است ، بشخصه نمودن نشان میدهد . در کشور های سرمایه داری البته همه چیزها بد نیست ؛ طبقه کارگر ، نیروهای د میکراتیک در طول زندگی چند نسل بیماریزه در راه بهبود و تسخیر زندگانشان مشغولند . اگر کارگران ما بدانشندان ما استعداد هیچ کاری را نداشتند ما چگونه میتوانستیم فکر کرد در شرایط سوسیالیسم ، فکر ساختمان جامعه بغرنجی چون جامعه کمونیستی را در سر داشته باشیم ؟

بنظر ما طی سالهای اخیر مباحثات نمر بخش تر شده و بلکن منجید و ثروا فخرینانه تری که این مباحثات بخود گرفته است به احزاب کامیونیستی در راه نیل به هدفها کمک میکند . این فقط اندام کارگران هستند که نفعشان اقتضای ارد محیط همیشه یک وجود آورد . زیرا چنین محیطی یانها امکان میدهد مردم رایا استفاده از اولگتشیهای عصبی (رفلیکس) خود بخودی تحت تاثیر قرار دهند ، تا بنگفت اند بنوع پیرهان . فقط سکتاریست ها معتقد ندکه چنین عملی را باید بهمان شیوه پاسخ داد و قوت صد ارا جایگزین قوت برهان واستدلال کرد . البته این بدان معنی نیست آنها امید و ارمیم بد دعوت به پیروی از انقلاب در ا دنا تریا فو اکتا تاثیر کنیم . این بدان معنی است که لحن معقول میتواند در نودها تاثیر بخشد و نودها را برانگیزد تا سیاستمداران مرتجع را وادارند اراده خلقهارا بحسب آورند .

میدانیم که بسیاری از احزاب کمونیست در مبارزه علیه رفرمیسم رشد یافته اند - بدون چنین مبارزه ای جنبش انقلابی کارگری اصولا نمیتوانست وجود داشته باشد . ولی در عین حال بگوئیم پوشیده نیست که در گرامر کم این مبارزه گاه افراطهایی شده که بصورت روتین سکتاریستی در قبال توده های پیرو سوسیال دموکرات ها بروز کرده است . آیا ما توانسته ایم در مبارزه با روتین سکتاریستی دوران کنونی از چنین افراطی تمام و کمال اجتناب کنیم ؟ اکنون که مبارزه علیه دکلاسیسم و سکتاریسم اهمیت فراوان کسب میکنند نمیتوان تجربه گذشته را نادیده انگاشت و در جریان مباحثه راه افراط در پیش گرفت . باوریکه میدانیم دفاع از مواضع اصولی نیازی به خشونت ندارد و تکلیفی معقول را ایجاب میکند . بدینبیت که این سخن هرگز بمعنای آن نیست که باید با " برایشین ها " بی موافقت کرد که میکنند ؛ " این مباحثات چه لزومی دارد ، باید کار کرد " چگونه باید کار کرد و وحدت را بر چه پایه ای باید مستحکم ساخت ؟ اینست مسئله ای که اهمیت اصولی دارد .

استدلال دیگری که اغلب بگوت میخورد اینستکه : " شما همیشه پاسخ مشاالات را میدانید و همیشه حق بجانب شماست " .

آیا همیشه حق

واقعا هم اگر اشیا بد انسان کمکست و در نظر گرفته شوند نسبت قضایتهای نادرست در بین احزاب کمونیست در قبال سایر احزاب سیاسی بطور شکفت آرد کم است ، زیرا کمونیست ها شعری علی را رهنمون عمل قرار میدهند . و اگر انسان واقعا بخواد بحار توده ها معیند باشد اقتدرها بد نیست که پاسخ مشاالات را بداند . (ناگفته نماند که اگر کمونیست ها اشتیاع هم باشند اشتباهات خود را پیشان نمیدارند زیرا نیروی آنها در راستی است) .

بجانب ما است ؟

ولی * یک فکر نیگوست ، اما د پکر به از آنست * ، بنابراین مامعتقدیم که یکی از مهمترین مسائلی که در برابر تبلیغات کمونیستی برآورد آرند ، باز است از جنبه محافل هر چه وسیعتر برای تعیین محتوی و اشکال این تبلیغات * این موضوع مملکت جوان بسیار زیادی داشته باشد : از همکاری با متخصصین در رشته تخصصی اسطوبهای اثر بیشتر از زیبایی اشکال گوناگون تبلیغات گرفته تا مراجعه وسیع به افکار عمومی از طریق پخش پرستنامه ها (که هم اکنون برخی از احزاب حتی در شرایط دشوار کشورهای سرمایه داری انجام میدهند) اینجامم جامعه شناسی علمی ، هم * نقل سلیم اتمان پراتیک * وهم تحریر اعلماء داد حزب میتواند کمکهای فراوان بنماید *

ایشما مید خصلت د موکراتیک و علمی حیثهاست * از طرف دیگر تخصص شیوههای تبلیغاتی خود بخود - موجبات بکار بستن اثر خشنترین شیوهها را تامین میکند ، زیرا نیروهای حد بدی را بفعالیت خلاق و آگاهانه وامیدارد *

مادارای نظریه علمی و پیوند د موکراتیک با تودهها هستیم و این د وظایف با اعان مید هد برای مسائل اجتماعی پاسخهای صحیح بد ست آوریم ولی نکته مهم فقط توانایی پاسخ دادن صحیح بمسئله نیست بلکه باید توانست دآوری پاسخ داد که توده ها - این یگانه نیروی که قادر است به پاسخ صحیح ، اهمیت علمی به بخشد - آنرا درک کنند *

واقعیات و تئوری ها

خستگی ناشی از تشدید استثمار و کمی وقت برای مطالعه و پیاحته ، مبلغین کمونیست را موظف میکند باز بهاز در این استدلال تعمق کنند : * آنچه شما مینویسید صحیح است ولی ما اصلا وقت خواندن همه اینها را نداریم * شما بما فقط چند فاکت و نکات اساسی را بد هید - همین برای ما کافر است * هر یک از ما خوب مید اند که بیان کوتاه نظریات بغرنج و پیچیده و توضیح نقطه نظریهای حد بدی که در جریانها حجابان نظریات منسوخ و خرافات رایج پدید میگردد چه اندازه دشوار است * تبلیغات ما اگر مسائل بغرنج را حل نکند با این خطر روبرو خواهد شد که هدف از بد نظرت در روشود فقط به فاکتها محدود گردد و مید یمناسج گامویل و تقسیمها را درست مید ان بد هد با وجود این اگر ما میخواهیم اثر بخشی تبلیغات را زیاد کنیم باید بخاطر خستگی ناپذیر نظریه جستجو کنیم که بتوان عمل را با اختصار در آمیخت * برخی از احزاب کمونیست هم اکنون برای تبلیغات سبکی بپواید آورده اند که بکن آن میتوان نظریات بغرنج را در یک مقاله روزنامه یا مجله ، با حجم حد اکثر ۳ - ۲ هزار کلمه ، بیان کرد * البته ما معتقد نیستیم که چنین مقالاتی میتواند حد مقالات و نطقهای طولانی تری را که بادقت بیشتری تهیه شده باشند بگیرد ولی این تجربه را ظاهرا میتوان بررسی کرد و در مقیاس وسیعتر بکار برد *

یکی از علل * درازنویسی * آنستکه نویسندگان مقالات میکوشند همه چیز را با دآوری کنند * (شاید به همین جهت هم مقاله حاضر را نتوان کوتاه نامید)

فن کوتاه نویسی یعنی فن بلیغ نویسی و بکجه بروی نکات اساسی بندجوی که نفس خا را بشود و افراد را بسه اندیشه و فکر وادارد * فن طنز گوئی و پوشاندن فکر در قالب تشبیهات و لطایف کپینه ه نیز در این مورد اهمیت فراوان دارد *

ماباید در اینجه روزی برای میتینگ انتخاباتی حاضر میشدیم * در این میتینگ میا بیست برنامه سیاسی مهم و پریشان یکی از محافظه کاران نامزد نمایندگی اقامت کرد * پس از محاضرات طولانی انواع مختلف شخصهای طویل و خسته کنند * نطقی که میا بیست ایراد شود به سید کاغذ نخویل گردید و آنچه که باقی ماند عبارت بود از جنس استدلال سنجیده و بعید و بیک پایان بلین و ضمیم بدین مضمون : * پس شما د برابر خودتان شخصهای بیبنید که میخواهد در آن واحد سوار بود و مرکب بتازد و شما هر یک از شما را به معنی براند * روزی یکراهن سخنان در روزنامهها بچاپ رسید (و از جمله در روزنامههای بیرونی) و میزان زیادی به افشا و علوحزب محافظه کار در انتخاباتی گم کرد *

تفحص

در بین واژه های کثیر زبان انسانی یک واژه هست که دقیقتر از هر واژه دیگر مفهوم کار داشته در خوشنکی ناپذیری را ، که تبلیغات کمونیستی انجام میدهد ، بیان میکند . این واژه - تفحص است .

همچنانکه در همه وسعها با بکار جالب ، اشکال و شیوههای جدید برای تبلیغات پدید میگردد . مدع و مبتکر در اینجا مطبوعات کمونیستی هستند که با انتشار مقالات کوتاه ، نامهها ، یادداشتها ، رپورتاژهای گسسه خبرنگاران مستقیماً در کارخانهها و در سینه یگاها و در بخشهای عقب مانده شهرهای استانهاتپیه میکنند ، نقش تریبون افکار عمومی را ایفا میکنند .

اکنون این مسئله مورد بررسی است که از صفحات موسیقی و نواهای صوتی برای ضبط نطقهای که یک هنرمند خوش صد ایراد کرده باشد در مقیاس وسیع استفاده بعمل آید . نطق ضبط شده را با موسیقی ملی توأم میکنند و با شکل مساحبه در میآورند .

به اسلوبهای سنتی تبلیغات نظیر تشکیل جلسات و اجتماعات نیز اشکال جدیدی داده میشود . در این جلساته میباحته و مناظره و سؤال و جواب توأم با برنامههای موسیقی و کنسرت ترتیب میدهند . شیوههایی نظیر سخنرانی (توأم با موسیقی) از داخل ماشینهای مجهزه بلندگو در حین حرکت در خیابانها ، جلوی در کارخانهها در ساعت نیاورد و محلهای دیگر تجمع مردم در بازارها و مراکز خرید و فروش و غیره بسیار اثر بخش بوده اند .

یکی از اشکال بسیار مهم تبلیغات که بهتاسیت تعبیر شرایط اهمیت روز افزون گسب میکند - مساحبه انفرادیست . در این مساحبه هر عضو حزب یا انجمن سازمانهای دیگر تحت نفوذ حزب میتوانند شرکت کنند . متأخر از این اقدام آنستکه فن بحث ، تسلط بر خود ، توانائی بسط منطقی و پیوسته فکر ، ساده و مفهومی سخن گفتن ، ایرازشکایشی و آمادگی برای در نظر گرفتن نقطه نظر معارض ضمن کوشش برای متقاعد ساختن ایهقانیت خویش - به مبلغین تعلیم داده شود .

تجاری که طی سالهای اخیر اند وخته شده برای ما ثروت گرانیهایی استهویای تکمیل کردن و یکبار بستن این تجارب قبل از هر چیز نباید کادر مبلغین را با نیروهای جدید تکمیل کرد .

هر فردی که بحقانیت راه خود ایمان داشته باشد میتواند مبلغ و پیاگاندیست باشد و این مطالب بطریق اولی در مورد راه کمونیسم و کسانیکه بحفاظران مبارزه میکنند صادق است .

درباره کادر مبلغین

یکی میتواند تبلیغات را در سطح حرفه ای و علمی انجام دهد و دیگری در سطح مقدماتی و ابتدائی آن . یکی میتواند روزنامه بفروشد و مساحبه کند و دیگری میتواند در باره مسائل روزمره را بهتر میتواند انجام دهد و دیگری بحث در باره مسائل بفرنج تعبیر را .

روشن است که تبلیغات تنها وظیفه یک دستگاه اختصاصی نیست و نمیتواند باشد . تبلیغات وایله تمام حزب است و هدف آن برقراری پیوند حزب با توده ها و توده ها با حزب است . تبلیغات وظیفه دارد تمام جوانب زندگی را مورد بررسی قرار دهد و این بررسی شامل گذشته ، حال و آینده است . هر اندازه که تبلیغات مسابیشتر واقع بین باشد و احتیاجات مستقیم توده ها و هدفهای تنهائی خویش را متعکس سازد ، ما بیشتر میتوانیم مبارزه در راه صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم را بسط دهیم .

در برابر ما مسائل متعددی قرار دارد : چگونه باید ده افرادی را که با تبلیغات کمونیستی همکاری میکنند افزایش داد ، چگونه باید برای اشکال دیگر تبلیغات توده ای کادر بیشتری تهیه کرد (و از جمله کادرهایی که بتوانند خوب بحث کنند) ، برای دریافت سریع اخبار و اطلاعات موثق چه ترتیبی باید داد و غیره . همه اینها طبعاً با چگونگی بسط دامنه دموکراسی درون حزبی ، با زندگی حزبی سوشال از بحثها و اقدامات پر شور و کادوبین خلاق و جمعی مسائل ارتباط مستقیم دارد .

آنچه که ما داریم و آنها ندارند

دستگاه تبلیغات بیرونی بحزب پیروز از احزاب کمونیست کشورهای سرمایه داری وسیله در اختیار دارد. ضمناً خود این تبلیغات جزو "سوداگری بزرگ" است و چه بسا سودهای بسیار کلان میآورد. روزنامه های بزرگ در اختیار آنست هر رادیو، تلویزیون، سینما، پنجاههای نشریات مدارس و غیره تسلط دارد.

ما هم به برخی از این وسایل دسترسی داریم ولی باید این دسترسی بیشتر شود و بیشتر هم خواهد شد. ولی هم اکنون ما دارای آن چیزی هستیم که سرمایه داری هرگز نخواهد داشت. ما مردم را داریم، ما اطمینان مینمایند که داریم، ما مبارزان آگاه راه حق داریم که در نفعای بیرونی، الهام بخشنده آنانست. اینست عامل تعیین کننده تبلیغات کمونیستی و اینست وجه تمایز اساسی که تبلیغات ما از نظر ماهیت و هدفهای خود با تبلیغات سرمایه داری دارد.

تبلیغات کمونیستی تلاش آگاهانه ایست برای نشر و اشاعه حقیقت و راستی میان وسیعترین قشرهای مردم، در عین تأکید این نکته عدالت را نمیتوان یا افراد برقرار ساخت بلکه فقط با اقدامات جمعی مردم است که میتوان راه را برای تأمین زندگی بهتر، برای رسیدن به کمونیسم هموار کرد. به همین جهت هم تبلیغات کمونیستی - تبلیغات به مفهوم عامی کلمه نیست؛ بلکه جز "لایفک پیشرفت جامعه بشری" است.

از این رو کاملاً طبیعی است که تبلیغات کمونیستی در هر آرزوی بزرگتری موفق مالی و فنی تبلیغات بیرونی پیوند زندگانی "از انسان با انسان" را مورد استفاده قرار میدهد و منبع اخبار و اطلاعات قابل اطمینان است و اصول و مسائل به شرح تشریح را بررسی میکند.

اگر هر کمونیست متفرداً یا به ظاهر مشکل، در کار فعالیت ایدئولوژیک سازمان حزب، از تمام امکانات برای انجام تبلیغات، میان رفقای هم کارخانه خود، میان اقوام و دوستان، میان همسایگان خود به عبارت دیگر میان تمام ادراکیان خود - استفاده کند، نفوذ و تاثیر تبلیغات بیرونی قطع خواهد شد.

*

چون غیر از نگارش این مقال تبلیغ در باره تبلیغات است. لئین از تبلیغات بعنوان یک هنر، بعنوان فعالیت خلاق مبتنی بر مفاد پرزیا دفاکت و توانایی برگزیدن بارزترین و جامعترین آنها، در آمیختن مفهوم علمی با شکل ساده، عامه فهم و متعین، احتراز از فرمول های قالبی و عبارت پردازی و متوجه ساختن آن بسوی حد اکثر افراد کمونیست و زحمتکشان - سخن میگفت.

انتخابگران اختراعات و اسلحه های خود را از رفقای خویش پنهان می دارند تا بتوانند در بازار تفوق حاصل کنند. ولی ما کمونیست ها دلیلی نداریم که بچند احزاب گرانمایا اسلحه های خود را پنهان سازیم یا برای خود نگاهداریم، زیرا همه ما برای نیل به هدف واحدی مجادله میوریم که کمونیسم است. بنابراین صلاح کار اقتضای آنست که ما همه تبادل تجارب و اسلحه ها را بسود تمام احزاب کمونیست همواره توسعه دهیم.

کشورهای غیر متعهد وسیاست جهانی

میخائیل گورباچف

- در پیش صحنه زندگی بین المللی ، جبهه سازمان ملل متحد دگرگون میشود .
- بنیاد عینی - مبارزه آزادیبخش ملی است . امپریالیسم سلاح بزمین نمیگدازد .
- اردوگاه سوسیالیستی - مطمئن ترین تضمین است . ابرکنشور هم و دورنمای واقعی .

عصر ما شاهد تحولات انقلابی عظیمی در زندگی جامعه بشری است . سوسیالیسم در سراسر جهان پیروز شده است .
کام بر میدارد ، استعمار انسان بدست انسان را برمیاندازد و نابرابری حقوق میان ملل و دول را از بین میبرد .
ظهور انقلابهای آزاد یخسرتیما را آخرین بازمانده های امپراتوریهای استعماری را درهم می پیچد . بر جای
مستعمرات و نیممستعمرات سابق کشورهای مستقل جدیدی پدیدگشته و میگردند .
پیدايش گروهكشورهاي نواستقلال در عرصه جهاني پديده درخشان عصر ما است . اين پديده در تناصب
قواد رحبان ناثير عميق مي بخشد ، عرصه تسلط امپرياليسم را محدود ميكند و مواضع آنها را متزلزل مينمايد .

استقلال سياسي كسل افريقا و اسيايد ست آورده اند بخودي خود موجب خلاص قطعي آنها
از قيد استعمار امپريالستي نشده است . اكثريت كشورهاي آزاد شده همچنان در سيستم اقتصاد
جهاني سرمايه داري باقعيانده اند ، گرچه بايد قيد كرد كه در اين سيستم جاي خاصي را دارند .
آنها هنوز حل مسائلي را در رفته آنها هم بنياد مستعمراتي اقتصاد ، نيل به استقلال اقتصادي و تعميم ديمكراسي
در تمام شئون زندگي اجتماعي و سياسي در پيتر دارند .
ولر اكثريت كشورهاي نواستقلال اسيا و افريقا در عرصه بين المللي سياست خارجي مستقل را تعقيب ميكندند .
و تيرو مستقل را در سياست جهاني تشكيل مي دهند . اين مشي مستقل را معمولاً بيطرفي مينامند .
ماهيت آن بدينقرار است :

الف - پشتيباني از اصول همزيستي مسالمت آميز ، مبارزه در راه خلع سلاح و منع سلاح هسته اي ؛

ب - پشتيباني دائم از جنبشهاي آزاد يخسرتي ؛

ج - امتناع از شركت در بلوكهاي نظامي ؛

د - امتناع از واگذاري خاك خود براي احداث پايگاههاي نظامي به دول خارجي .

سياست بيطرفي يا اصطلاح ديگر سياست عدم تعهد سرمايه اصل همزيستي مسالمت آميز مبتني است .
كشورهاي غير متعهد هواد ارهكاري ديستانه و چشني برابري حقوق بين تمام كشورها هستند و در حل بهترين

مسائل بین المللی بسهم خودکامیهای نریخس منعیاد . موضع گیری این کشورها در عرصه بین المللی بطور عینی موجب میشود که بعد از آن عمل محافظه امپریالیستی تجاوزکار و اکانات آنان برای ایجاد تصادمات نظامی متحد و دگر د .

نقش مثبت کشورهای غیر متعهد در مبارزه برای صلح و تحقق اصول همزیستی مسالمت آمیز بهنگام بحرانی که در نتیجه عملیات تجاوزکارانه ایالات متحده امریکایه کمپای قبرمان در منطقه دریای کارائیب بروز کرد ، با وضوح تمام آشکار شد .

در روزهای که جامعه بشری در آستان جنگ هسته ای قرار داشت کشورهای جوان آسیا و افریقا با حدث خاصی احساس کردند که صلح تقسیم پذیر نیست و آنها نیز در ردیف دولت بزرگ در مورد سرنوشت صلح مسئولیت معده دارند و نقش آنان در مبارزه علیه حاکمیت بیشتر از هر زمان عظیم است . اوتانت دبیرک - سازمان ملل متحد بنا بر ابتکار و اضراعه ۵ کشور ، که سیاست بیطرفی را تعقیب و از آن پشتیبانی میکنند ، دو لنین اتحاد شوروی و ایالات متحده ، امریکا را بجل مسالمت آمیز بحران کما و انجام مذاکرات باروخ آمادگی بسیاری - مصالحه و گذشت پذیر بود . نقش مثبت کشورهای بیطرف همسازمان ملل متحد از طرف محافل اجتماعی سراسر جهان مورد ارزیابی شایسته ای قرار گرفت .

سیاست عدم تعهد خصمیت آشکار ضد امپریالیستی دارد و ماهیتا یکی از اشکال مبارزه ضد امپریالیستی است . لیه تیران علیه استعماری ، علیه سیاست امپریالیستی تشکیل بلوک های نظامی و قدرت سو* قصد های جدید برای آزادی و استقلال ملل متحده است . کشورهای نواستقلال سیاست خود را برای بزدن موثرترین کمپای باطل مبارزه راهش از قید استعمار هم آهنگ میسازند . آنها از جمله میگو تشکیل کنفرانس ماند ونگ بودند که در آنجا جنبش نیرومند ضد امپریالیستی همبستگی افریقا و آسیا حکیم پذیرفت . اصول باند ونگ پایه نظریه عدم الحاق به بلوکها قرار گرفت و میزان زیادی در تعیین شی سیاست خارجی کشورهای نواستقلال آسیا و افریقا تاثیر بخشید .

کشورهای غیر متعهد علیه بلوکهای نظامی امپریالیستی مبارزه میکنند و این بلوکها را بدرستی دشمنان خطرناک خود تلقی میکنند . چنین نظریه ای کاملاً مستدل است . از یک طرف تاکنون همونتلانتر امپریالیستها برای حلق کشورهای مذکور به این بلوکها بید بخترقی محروم ساختن آنها از امکان تعقیب سیاست مستقل قطع نشده و از طرف دیگر بلوکهای نظامی امپریالیستی بعنوان سلاح استعمار جمعی بمنظور ادامه زدن به استقلال کشورهای جوان و اختناق مبارزه آزادی بخش ملی مورد استاده قرار میگیرد . برای نمونه کافیسیت تقیر بلوک ناتو بهنگام بحران سوتزد رسال ۱۹۵۶ میا فعالیت تجاوزکارانه بلوک سینو علیه اندونزی یاد آوری شود . بسیاری از رهبران کشورهای آسیا و افریقا بلوکهای نظامی سیتو و ستورامورد انتقاد شدید قرار دادند .

کشورهای غیر متعهد با احدث پایگاههای نظامی خارج در خاک کشورهای غیر مخالف هستند . این نظر در تصمیمات کنفرانس کشورهای غیر متعهد در بلگراد تصریح شده است . میدانیم که کنفرانس مزجر خواست عادلانه کما را درباره انحلال پایگاه دریائی امریکا در گوانتانامو* مورد پشتیبانی قرارداد ایالات متحده امریکا برخلاف اراد ملت کما این پایگاه را بخاور غیرانونی در خاک کما اشغال کرده است . محاذات تونس برای انحلال پایگاه دریائی فرانسه در بیزرت چنانکه بعد از نیم در تابستان سال ۱۹۶۱ موجب تصادم خونین بین میهن پرستان تونس و استعمارگران فرانسوی گردید .

سیاست بسیاری از کشورهای غیر متعهد ختبه فعال دارد . مثلا در روش بیارونی هندوستان با اندونزی هیچ چیزی شبیه به لاقید و بیعلاقگی بمسائل مردم درون معاصرویا تعالی به دهمه رفتن شرکت فعال در امور بین المللی دیده میشود .

سوکارتو رئیس جمهپوری اندونزی ضمن نطق خود در کنفرانس بلگراد گفت : * سیاست عدم تعهد ، سیاست اتخاذ موضع بیطرفی در صورت بروز جنگ نیست . عدم تعهد یعنی دل بستگی جدی به امر خطیر استقلال ، صلح دائم و عدالت اجتماعی

اکثریت کشورهای غیرمتعهد میبراند. از زمانده های سیستم استعماری جدا نه لکت میکنند . بعضی از کشورهای بیطرف طی سالیان دراز نیز با ملت الخزیره یا استعمارگران فرانسوی با این ملت کمکهای علی فراوان مبدول میداشتند . هند وستان پس از آنکه تمام طرق ووسائل مسالعمت آمیز را بکار برد ، با سلحه متوسل شد تا غاصبین و تخالی را از سرزمین خود بطرد نماید و اندویش آماده شده بود تا از طریق مسلحانه آزادی ایرسیان باختری را تأمین نماید .

همین نوعه ها بعضیهائی کاهمیت برای آنده با نظر دستانیکه سیاست بیطرفی کشورهای نواستقلال را با سیاست بیطرفی دائم * نظیر بیطرفی برخی از کشورهای اروپائی یکی میدانند ، موافقتنمود . سیاست عدم تعهد را مورد دوران طولانی مبارزه ازاد بیختر طی ملل کشورهای مستعمره و وابسته است و آنرا نمیتوان از این مبارزه جدا در نظر گرفت و حال آنکه روش * بیطرفی دائم * بیشتر معلول موقعیت جغرافیای کشورهای استن تاریخی است . چنین کشوری معمولاً میکوشد شرکت خود را در امر بین المللی محدود کند (سوئیس حتی عضو سازمان ملل متحد نیست) و در راه همزیستی مسالعمت آمیز بطریق اولی علیه امپریالیسم بیطرف فعال مبارزه میکند . روش فعال برای حفظ صلح و لابقب نبودن نسبت بان - چنین است تا ملل بعد . ایکه بیطرفی کشورهای نواستقلال را از سیاست بیطرفی دائم * متمایز میسازد . بهبود نیست که رهبران کشورهای بیطرف برای تاکید این وجه تمایز ، مش کشورهای خود را در رشته سیاست خارجی غالباً سیاست بیطرفی فعال یا تحریک پذیر مینامند . البته این بدان معنی نیست که بیطرفی کشورهای نظیر اتریش یا سوئد در مسایات بین المللی نقش مثبت بازی نمیکند . این بیطرفی برفع صلح تعارض بشود ، زیرا دال بر امتناع از شرکت در بلوک های نظامی و امتناع از واگذاری خاک خود برای پایگاههای نظامی اشورهای دیگر است .

چنین خط مشی در قیاس با سیاست شرکت در ایگه های نظامی امپریالیستی کامی است بطولو . گرایش به اتخاذ موضع بیطرفی ، که این او اخردر یک مسئله از کشورهای پیشرفته سرمایه داری اروپا و امریکا مشاهده میشود (کانادا ، دانمارک ، نروژ و غیره) مؤید نیروی حیاتی و وجهه روز افزون اصول همزیستی مسالعمت آمیز بودم الحاق به گروه بندی جهانی نظامی تجاوزکار است و افزایش نفوذ نموده مردم را در سیاست خارجی نشان میدهد .

سیاست خارجی مستقلی بر اصول همزیستی مسالعمت آمیز و مبارزه فعال علیه امپریالیسم در صحنه بین المللی به کشورهای غیرمتعهد امکان میدهد تقدر روز افزونی و در امر بین المللی ایفای کنند و خود را به پیش صحنه سیاست جهانی بکشانند . در امری که ملل متحد دیده با اصلاح نئین فقط بوقف * آمحای تاریخی * بودند برای همیشه سیری شده است . اکنون اکثریت بین ملل زنجیره های پردگی استعماری را از هم گسسته و در تعیین مقدرات جامعه بشری و مبارزه در راه صلح و تحکیم امنیت بین المللی شرکت فعال دارند .

۲

زندگی یکسانیکه می پنداشتند آسیا ، افریقا و امریکای لاتین برای همیشه محکوم به برکتا رساندن از اشراه سیاست جهانی هستند ، در مرتعرت انگیز داده است . چقدر در اعیانه است سخنان نئین که میگوید : * از پی بیداری خاورزمین ، در انقلاب معاصر دوران شرکت تعاملی خاورزمین در تعیین مقدرات سراسر جهان فرامیرسد تا این ملل دیگر فقط آماج بی برای ثروت اندوختن نباشند . ملل خاورزمین از خواب برمیخیزند تا فعالیت علی بنود آزند . و هر ملت در تعیین سرنوشت تمام جامعه بشری شرکت باشد . * (کلیات اناره جلد ۳۰ ، چاپ روسی ، ص ۱۳۹) .

تغییراتی که در نتیجه بیداری گروه کشورهای بیطرف در مسایات بین المللی روی داده ، بین از هر جادر سازمان ملل متحد با وضوح مشاهده میشود . تا امروز کشورهای آسیا و افریقا در صحنه بین المللی از ۱۱۰ کرسی موجود در دارند . افریقا سابقاً در سازمان ملل متحد ۴ کرسی داشت ولی حالا ۳۳ کشور در آنجا نمایندگی دارند . طی این مدت عسده کشورهای سوسیالیستی نیز در سازمان ملل متحد افزایش یافته است . توجه باید لکت که جمعوری نموده ای چین خای قانونی خود را در این سازمان اشغال کرده است . بدین طریق در سازمان ملل متحد آرایه جدیدی از قوا بوجود آمده است .

هدف همین دوره اجلاسیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد بسیار شایان توجه بود . در این دوره اجلاسیه در مورد اکثریت مسبقترین مسائل دستور روز اتحاد دامنه داری از نیروهای صلح دوست بر اساس مشن مبسوط ره علیه خطر جنگ جهانی جدید ، مبارزه با استعمار ، مبارزه در راه خلع سلاح و تأمین همکاری اقتصادی مبتنی بر تساوی حقوق میان همکشورها تأمین گردید .

این اتحاد بطور عمده در نتیجه سیاست خرد مندانه و پرنرمز کشورهای سوسیالیستی علی شد . تقریباً همه موارد این نیاست کشورهای سوسیالیستی مورد پشتیبانی وسیع کشورهای بیطرف قرار میگرفت . استعمارگران غرب تاکنون هیچگاه مثل هدف همین دوره اجلاسیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد یک چنین فشار نیرومندی را از طرف نیروهای ضد استعمار احساس نکرده بودند . در تمام مسائل مربوط به آسیا و آفریقا اکثریت مجمع عمومی موضع ضد استعماری اتخاذ کرد . از جمله مجمع عمومی به کمیته مخصوص نظارت بر اجرای اعلامیه و گذاری استقلال به کشورهای و ملل مستعمرات ماموریت داد برای تسریع تحقق این اعلامیه و نیز لازم اتخاذ نماید . البته روش کشورهای آفریقا و آسیا و حتی روتر آن کشورهای که پیروی خود را از اصل عدم تعهد اعلام داشته اند به پیچیده در تمام مسائل با هم تطبیق نمیکرد . بدینجهت نمیتوان گفت که در سازمان ملل متحد یک بلوک یک پارچه آسیایی و آفریقایی وجود دارد . چه بسا کشورهای آسیا و آفریقا پیوسته با اصطلاح " گروه بندی برآز اوپلی " کشورهای آفریقایی که استعمار " نوین " ریشه های محکمی در آنها دوانده است ، از اول غرب پشتیبانی کردند و این امر اثربخشی کار مجمع عمومی را به میزان زیادی کم کرد . به امپریالیستها امکان داد در برخی موارد از دستگاه سازمان ملل متحد برای پیشرفت مقاصد خود استفاده کنند .

آسیا سیاست عدم تعهد پایه عینی دارد و با اینکه تعقیب چنین سیاستی ناشی از شرایط مساعد و توافق و احوال بین المللی و تعایلات ذهنی رهبران دول بیطرف برای مانور کردن " میان شرق و غرب " است که مقاصد ازمنده دارند و میخواهند با تعقیب این سیاست ، هماهنگی گاه گاه بگوش بیجود ، برای خود سرمایه سیاسی پدید آورند .

۲

البته عوامل ذهنی در تعیین سیاست خارجی کشورها آزاد شده و اتحاد پوی نقتر خود را بازی میکند . این سیاست در عمل غالباً خصصت تمام ندارد و اتحاد و معیشتی ناپیگیر است . برخی از رهبران کشورهای بیطرف بهرین نیتند یا اینکه بروی " استقلال " و " خارج از بلوک بودن " سیاست عدم تعهد سود آوری کنند و از این راه نفع سیاسی معیشتی را برای کشور خود تأمین نمایند و چند میلیون دلار بر میزان اخبار رسکه دریافت میکنند بقیازند . ولی آنها هیچکدام در رعایت امر پایبندی سیاست عدم تعهد را تشکیل نمیدهد .

سیاست عدم تعهد بنا بر ماهیت خود جریان عمومی تکامل مناسبات بین المللی دوران کنونی را تقویت میکند .
خصلت صلح دوستانه و سمت ضد امپریالیستی آن معلول تغییراتی است که بشود صلح و سوسیالیسم در تناسب
قوا در عرصه جهانی روی داده . معلول پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی و اتحاد پوی زیادی ایضا معلول پیرویه
های اجتماعی و اقتصادی داخلی است که در جریان مبارزه کشورهای نواستقلال برای نیل به آزادی ملی کامل
در این کشورها انجام میگردد .

غلت اینستکه سیاست کشورهای غیرتعهد خصلت صلح دوستانه دارد و اتحاد پوی زیادی آستمنگ رهبران این کشورهای این نکته را درک نمیکند که در صورت بروز جنگ همه ای هیچ کشوری ، در هر نقطه و در افتاده ای از دنیا جهان هم قرار آفته باشد ، نمیتواند از برانهایی عظیم وجه بسا فانی مستقیم اجتناب ورزد . علاوه بر این کشورهای غیرتعهد صلح را برای برآند اختن سریع عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی خویش برای محو عساقب میراث استعمار لازم دارند . فقط در شرایط صلح باید ارمحیط سالم بین المللی است که آنها میتوانند از منابع داخلی خود بحد اکثر استفاده کنند . اقتصاد ملی خود را توسعه دهند و سطح زندگی مردم را بالا ببرند .

خصلت ضد امپریالیستی سیاست عدم تعهد نیز کاملاً منطقی است . ملل کشورهای غیرتعهد استقلال خود را در جریان مبارزه سرسخت مد اوم با امپریالیسم تحصیل کرد و اکثر آزادی خود را سلاح بدست تأمین نمود . اند . بر آن ملل اند و ژنی " عراق " الحزبه و بسیاری از کشورهای دیگر با امپریالیسم یک مغزومجرد نیست بلکه

درنده استعمارگری است که بتاراج منابع ملی کشورهای آزاد شده ادامه میدهد و میکوشد اشکال نوین استعمار استعماری را جایگزین اشکال سابق نماید .

در اکثریت کشورهای مستعمره و وابسته سابق تضاد عمده عبارتست از تضاد بین نیروهای ملی رشد یابنده و اکثریت و امپریالیسم فئودال الیم از طرف دیگر . در کشورهای که سیاست عدم تعهد را دنبال کرده رخنه اندک پیروزی ملی بر سرکار است که در پایان دادن به عسائات و روابط مستعمراتی در اقتصاد و سیاست و نیز در امور روانه اختن فئودال الیم که مانع تقویت مواضع پیروزی است ، نافع است .

سیاست خارجی پیروزی ملی هنگامیکه نفع طبقه حاکم را بازی میکند تحت تاثیر شدید علاقمندی آن به مبارزه ضد امپریالیستی شالوده ریزی میشود . توده مردم ، بویژه و قبیله در صحنه سیاست فعال باشند ، در موضع گیری پیروزی در رشته سیاست خارجی تاثیر فراوان میخشند . شوو و ذوق میهن پرستانه توده مردم مبر و نشان خود را بر برنامه سیاسی پیروزی ملی میگذارد و گرایشهای ترقیخواهانه ضد امپریالیستی آنها تقویت میشود . هر قدر آگاهی سیاسی و فعالیت توده مردم کشورهای نواستقلال بیشتر باشد و هر قدر آنها در پیروزی ملی حاکم کشور خود تاثیر بیشتری داشته باشند بهمان اندازه سیاست عدم تعهد که این کشورها تعقیب میکنند پیگیری میشود و خصمیت ضد امپریالیستی آن آشکار تر بروز میکند .

بدیهی است که ناپایداری ذاتی پیروزی ، ترسان از توده ، و عدم اعتماد آن به توده ها موجب پیدایش تزلزل در سیاست خارجی میگردد . این خصائل مشخصه پیروزی ملی به توجه باینستکه پیروزی تا حد ود معین مقاصد آزمندانه دارد ، ممکن است پایه ای برای بند بست با امپریالیسم در رخهای توده مردم بهر ای چم و خم های سیاسی قرار گیرد که در سیاست یک سلسله از کشورهای غیر تعهد و در خط مشی رهبران آنها تنیسز شاهد میکنیم .

مثلا خوب میدانیم که هم کشورهای غیر تعهد مسئله مربوط به سر نوشت کنگو روتر ضد امپریالیستی فاطمخ اتخاذ کردند . همین مطالب در مورد مسئله انعقاد قرارداد صلح المان و استقرار وضع طادی در برلین نمایی نیز در مورد بعضی مسائل بین المللی دیگر هم صادق است .

در برخی از کشورهای غیر تعهد اقدامات ضد دموکراتیک و حتی غیر قانونی اعلام کردند و اجزاب کمونیست جایگزین تحولات اجتماعی مرفقی میگردد . چنین وضعی مثلا در تونس و الجزیره مشاهده میشود . رژیم جدید عراق در مبارزه علیه کمونیستهای شیوه های دو صفخانه دست زده است .

روتر ضد کمونیستی محافظ حاکمه برخی از کشورهای بیطرف بسود نیروهای امپریالیسم و ارتجاع را خسل تمام میشود . البته علت اتخاذ چنین روشی همیشه فقط تاثیر این نیروها نیست . کمونیستها صاحب القاعده از سیاست خارجی مستقل پشتیبانی میکنند . برای اتحاد تمام نیروهای ملی و میهن پرست ملت در جنبه واحد ضد امپریالیستی مجاهدات میروزند . بدینجهت سیاست داخلی ضد کمونیستی فقط با ارتجاع کمک میکند و وحدت ملت را در مبارزه علیه امپریالیسم تضعیف نمیناید .

فاطمخ ترین و پیگیریترین خط مشی در رشته سیاست خارجی و جد ترین روتر در تعقیب سیاست عدم تعهد خاطر آنکشور هاد جوان آسیا و آفریقا است که میکوشند خود را از سیستم اقتصاد سرمایه داری بیرون بکشند برای تأمین آینده بهتر راه تکامل غیر سرمایه داری را مصلحت میدانند . در این کشورها کشن سوی سوسیالیسم و نیرو سرمشق کشورهای سوسیالیستی توأم با میهن پرستی توده ها عامل تعیین کننده سمت بسیاری از اقدامات اجتماعی و اقتصادی است که شرایط را برای ورود به راه غیر سرمایه داری فراهم میسازد . همین عوامل در سیاست خارجی نیز تاثیر فاطمخ میکنند . راه غیر سرمایه داری به سیاست بیطرفی و بیخاکیم پایه ضد امپریالیستی آن همه نزدیکی روز افزون آن سیاست ارد و نگاه سوسیالیستی کمک میکند .

در بین کشورهای غیر تعهد برخی کشورهای دارای رژیم ارتجاعی سلطنتی هم هستند که بسیاری از اصول اساسی سیاست بیطرفی باید نظاها را برایشان تحمیل میگانه باشد . علت اینستکه سران مرتجع این کشورها سیاست خارجی صلح و ستانه تعقیب میکنند آنستکه اولاً تمایز و بوجه سیاست

عدم تعهد بی‌خصوص در آسیا و افریقا روزافزون است و ثبات آنها می‌کوشند. بهر قیمت شده امواج جنبش آزادی‌بخش ملل را که برارگان حکومت آنها می‌تازد از سر بگذرانند .

رژیم های ارتجاعی پادشاهی در خفا بر زمین مایل بودند که خلعت ضد امپریالیستی سیاست عدم تعهد را در بسیاری موارد تضعیف کنند . مثلا میدانیم که در جریان کنفرانس مللگرا در هیئت های تفابندگی یمن ، حبشه و کشورهای پادشاهی دیگر خط مشی دست راست اتخاذ کردند و می‌کوشیدند در جنبه های تصمیمات این کنفرانس تاثیر بپوشند و این کوشش آنها بدین معنیقت منتهی شد .

نیروهای ارتجاعی در سیاست آن کشورهای جوان آسیا و افریقا نیز که در آنها رزمهای مبتنی بر اصول دموکراسی به روزی نهیتمیکردند و بن شک تاثیر می‌بخشند . عناصر نفوذ ال و گروه کمپرادزورده برخی از کشورهای همجنس به روزی بزرگ سرمایه انحصاری خارجی ارتباط نزدیک دارند می‌کوشند دست آوردهای انقلابی مردم را از بین ببرند و کشور خود را براه خواهی از امپریالیسم سوق دهند و مناسبات خود را با کشورهای سوسیالیستی تیره کنند . میا حتی قطع نمایند .

عزوه بر این استعمارگران در کشورهای نوابستقلال مواضع اقتصادی و در برخی از آنها حتی قسمتی از سیاستم اداری مستعمراتی سابق خود را حفظ کرده اند . با استفاده از این اهرم ها می‌کوشند سیاست خارجی آنها را کنترل کنند .

محافل امپریالیستی با اتکا به ارتجاع داخلی تمام نیروی و وسایل خود را برای بقیم گذاشتن تحولات ترقی خواهانه در کشورهای نوابستقلال و احیا مواضع خود در این کشورهای بکار میبرند . حمله سیاست بیطرفی کشورهای آسیا و افریقا جز برای اثبات این باطنی . آن هم از داخل بعمل می‌آید . بهم از طرح . خون فوسترد الس در دوران خود سیاست بیطرفی را . منافع اخلاق . منامید و خواستار آن بوده که کشورهای تعقیب کننده سیاست مستقل مبرک مجازات اقتصادی و سیاسی فرار گیرند . این اواخر حملاتی از این نوع شدت یافته و مدت آن بیشتر روزافزون کشورهای غیر متعهد و مبارزه برای صلح و نامین پیروزی اصول همزیستی مسالمت آمیز است .

دول امپریالیستی در درجه اول ایالات متحده آمریکا می‌کوشند از عرصه اقتصاد و کشورهای نوابستقلال برای واداشتن آنها با تحریف ابراه شامل مستقل استعداد کنند . وسیله آنها برای شناختن سیاست و اعمال فشار خشن غالباً کمک آمریکا به کشورهای در حال رشد است . این کمک . حسب القاعده ، بهر آشکار بسا پوشیده ، به تریایی از تمیز تعهد خود داری از انجام برخی اصلاحات اقتصادی یا اقدامات سیاسی مستقل مشروط است . موازاتی را که بعنوان مثال میتوان ذکر کرد عبارتست از مانورهای سود گرانه دول امپریالیستی در باره نقشه های ساختمان سد عالی اسوان در جمهوری متحد عرب ، امتناع اولیه آمریکا از واگذاری وام به غنا برای ساختمان سد پارخانه برق این سرزود و بنا علیا و سرانجام امتناع چندین کشور از کمک اقتصادی و مالی به سیلان ، بعلمت آنکه دولت سیلان در ازای چند شرکت نفت آمریکائی را مقرر کرد .

دیپلماسی آمریکا برای ایجاد و تشدید اختلاف بین کشورهای بیطرف ، برای تولید تعاد بین آنها ، تیره کردن روابط آنها با کشورهای سوسیالیستی پر هم زدن وحدت کشورهای افریقا و آسیا لات مبرورده . ارتجاع جنبشی برای حمله باین وحدت سیاست عدم تعهد از تصادم مرزین مسلحانه بین هند وستان و چین استفاده و وسیع آورد .

سیاست بیطرفی دولت هند وستان در نخستین روزهای وقوع این تصادم یکی از اناحیاب عمده حمله بود . هم از طرف ارتجاع داخلی ، که تغییر اساسی در منشی سیاست خارجی کشور و جلب آن به بلوک های نظامی امپریالیستی برات . دفاع در قیام تجاوز را راه طلب میگرد ، بهم از طرف دول غیره که هند وستان را به . فد کردن . سیاست عدم تعهد دعوت می‌کردند . مانورهای امپریالیستی نتوانست هند وستان را از راه بیطرفی منحرف سازد و در عین حال حوادث هند وستان نشان داد که شناسایی توان سیاسی در داخل یک سلسله از کشورهای بیطرف هنوز بطور قاعمی تعیین نشده و در شرایط معین ممکنست باین صلح و آزادی ملل تغییراتی جهت یابند .

۵

یکی از دلایل دلچسپ مخالفان سیاست عدم تعهد این ادعاست که گویا کشورهای بیطرف
 به هیچوجه بیطرف نیستند و در اکثر موارد طرف اردوگاه سوسیالیستی را میگیرند ، خصوصاً وقتی
 که پای مبارزه با استعمار ، مبارزه در راه خلع سلاح و صلح میان مایند * این اوخودار و نگاه
 امپریالیستی ادعاهایی بگوش میرسد حاکی از اینکه سیاست بیطرفی بطور کلی " الت دست
 کمونیزم بین المللی " است .

پروان جون فوستر دلسر نمیخواهند این واقعیت را برسیفت پیشانند کفایت امارت مشترک کشورهای
 سوسیالیستی و کشورهای بیطرف در مبارزه برای حل مسائل مهم بین المللی دوران معاصر به هیچوجه شیجه
 بند هست بین آنها نیست بلکه یک پدیده قانونی مبتنی بر اشتراک منافع سیستم جهانی سوسیالیستی و جنبش
 جهانی آزاد بیختملی است . وظایفی که کشورهای سوسیالیستی در رشته سیاست بین المللی در برابر
 خود قرار میدهند هدفش تحکیم دوستی و همکاری برادرانه با کشورهای آسیا ، افریقا و امریکای لاتین است که
 در راه نیل به استقلال ملی و تحکیم آن مبارزه میکنند .

اردوگاه سوسیالیستی هشتاد و یک سال از زمان وقوع جنبش جهانی آزاد بیختر خراست میکنند و هر بار که متجاوزان
 امپریالیست میکوشند به صد مرتبه انقلاب دست بزنند را را بر آنها سد میماند * حوادث اخیر منطقه دریای
 کارائیب بار دیگر این واقعیت را ثابت کرد که کشورهای سوسیالیستی تحت رهبری اتحاد شوروی پشتیبانی از
 جنبشهای آزاد بیختملی را وظیفه انترناسیونالیستی خود میدانند .

اقتدار سیاسی و اقتصادی نظامی اردوگاه سوسیالیستی مطمئن ترین وثیقه استقلال کشورهای نواستقلال
 است . خود سیاست عدم تعهد فقط در شرایطی امکان پذیر شد که جهان تبدیل سیستم سوسیالیستی به عامل
 قاطع کامل جهانی آغاز کرد . کشورهای سوسیالیستی سیاست بیطرفی کشورهای نواستقلال پشتیبانسی
 میکنند بر آنند که در دوران مابین سیاست خوابگویی منافع ملی کشورهای آزاد شد و عامل مهم تامین صلح
 جهانی است .

اتحاد شوروی و تمام کشورهای سوسیالیستی بد کشورهای غیرمتعهد کمکهای اقتصادی ، فنی و مالی دامنه
 داری میزول میدارند که بقا من استقلال سیاسی آنان مساعد تعینماید . این کمک موافق کشورهای نوستو
 استقلال راه رصخته بین المللی تقویت مینماید و یکی از عوامل قاطع حافظ امنیت این کشورهاست .

سیاست عدم تعهد در جریان مبارزه کشورهای آسیا و افریقا علیه بلوک های نظامی امپریالیستی
 پدید آمد و شکل اولیه آن عدم الحاقی به بلوک های نظامی ساخته دست امپریالیستها بود .
 امتناع مصر در سال ۱۹۵۱ از پیوستن به اصطلاح " فرماندهی خاورمیانه " ، مقاومت قاطع اندونزی
 در برابر تلاشهایی که برای کشاندن آن به بلوک نظامی سیتو بعمل میآمد ، عدم تعالی اکثریت

۶

کشورهای عربی به گرفتار ساختن خود در دام جهان بغداد سابق (وستوی کوشی) - از جمله نخستین
 جوانمهای بارور سیاست عدم تعهد هستند که بر زمینه مبارزه علیه دشمن محاف امپریالیستی روئیدند .
 مسافانه این حقیقت بی چون و چورا از طرف برخی از رهبران دولتی کشورهای غیرمتعهد مورد توجه قرار
 تمکیر در این رهبران و راتقاد از سیاست بلوک های نظامی گاه بجای آنکه سیرجوات بین المللی را با نظیر
 واقع بین ارزیابی کنند برخی احکام کلی بیطرفی لاقیدانه را ملاک قرار میدهند . برای " سیاست خارج از -
 بلوک ها " جنبه مذلق قائم میشوند . اینان با هر گوشه بلوکی بظاهر ایم ابراز مخالفت میکنند . بین بلوک های
 نظامی تجاوزکار دول امپریالیستی متحدین آنها از نظر و سازمان دفاعی مشترک کشورهای سوسیالیستی
 بعضی جهان پرشو از طرف دیگر علامت مساوی میگذارند .

ولی برهمگان معلوم است که پیشترستی در ایجاد بلوک های نظامی با دول امپریالیستی بوده است .
 کشورهای سوسیالیستی در برابر حصار امپریالیسم امریکای شمالی که بقا اساسی پرانها مان حثک جهانی راه
 احیا میلتاریسم و بلاعجوتی و بیرزه در اعلان غرضی وژاپن ، در پیرو گرفت ، ناچار تحکیم قدرت نظامی خود
 و ایجاد اتحاد های دفاعی شدند . سازمان جهان پرشو زمانی پدید آمد که بلوکهای تجاوزکار ناتو و سیتو

بوجود آمده بودند و پسیاه پیمان بغداد هم گفته شده بود. * این گروه بندیهای نظامی برای مبارزه با کشورهای سوسیالیستی برای سرکوب چندین آزاد بیختر ملی کشورهای آسیا و افریقا در نظر گرفته شدند. * میان این بلوک های تجار و روسازمان نظامی کشورهای سوسیالیستی تعاقب اصولی وجود دارد. * نیکیتا خروشچف در ششمین کنفرانس حزب سوسیالیست متحد آلمان گفت: * بحاست یاد آوریم که همیشه سازمان پیمان ورشو پدید آمد کشورهای سوسیالیستی بلافاصله اعلام کردند که مثل سابق طرفدار انحلال تمام بلوک های نظامی هستند. * اگر کشورهای امریالیستی با انحلال گروه بندیهای نظامی خود موافقت کنند، آنها نیز آماده اند پیمان ورشو را بجزرئیک منحل سازند. * ما این مطلب را بارها اعلام کرده ایم و اکنون نیز بر همین موضع تکیه زده ایم. *

جنبه مطلق قائم شدن برای سیاست خارج از بلوک ها * طرف دیگری هم دارد. * بعضی از ملغین این سیاست تناسب کنونی قوا را در جهان بسیار خود سرانه تفسیر میکنند و آنرا به دلیلک نظامی امریالیستی و سوسیالیستی تقسیم میکنند و گروه کشورهای غیر متعهد را از آنها جدا میسازند. * آنها در زمانی محد که شامل مناسبات بین المللی را افزایش تعداد کشورهای غیر متعهد میدانند و میدانند که این افزایش بویژه توسط کشورهای انحصاریگردد که اکنون داخل بلوک های نظامی هستند و بدین راجع راه * سیاست خارج از بلوک ها * را در پیش خواهند گرفت. * سیاست عدم تعهد از نظر این تشریحین ها اکثر همه دردها و عوامل فاطم کا هوش تشنج اوضاع جهان روقه خاطر جنگ جهانی جدید است. *

سیاست عدم تعهد نگاه مقابله سیاست خارجی هواخواهی از امریالیسم است و آنرا فقط در قیاس با چنین مبنی در رشته سیاست خارجی میتوان موقتاً نامید. * نوع جدید مناسبات بین المللی را سیستم سوسیالیستی و سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی بوجود میآورد که پایه آنرا اصول صلح، برابری حقوق، حق ملل در تعیین سرنوشت، احترام به استقلال تمام کشورها و اسلحههای دارای ماهیت اصولی جدید در رشته دیپلماسی تشکیل میدهد. *

عدم درک این حقیقت معنیت موجب انحراف شدید از راه عمومی تکامل مناسبات بین المللی کنونی گردد. * متکثرین این حقیقت تقسیم جهان به دو سیستم اجتماعی متضاد یعنی سیستم سوسیالیستی و سیستم سرمایه داری در راه واقعیت امر ناید میگیرند و این واقعیت را بحساب نمیآورند که در دوران ما سیستم جهانی سوسیالیستی بهترین عامل تامین صلح جهانی است و رأینده تعداد کشورهای سوسیالیستی افزایش خواهد یافت و جهان سرمایه داری محدودتر و محدودتر خواهد شد. *

البته تعداد کشورهای غیر متعهد این اواخر افزایش مییابد و از هم افزایش خواهد یافت. * ولی این افزایش در درجه اول وسیله کشورهای نواستقلالی انحصاریگردد که از قید ستم استعمارها شده اند. * کشورهای نواستقلالی تاثیر تاگانیکا، اوگاندا و سایر ملل اعلام کردند که قصد دارند سیاست مستقلی را تعقیب کنند. * یکسلسله از کشورهای آسیا و افریقا هنوز به اروپا با سابق خود چشم دوخته و از دستورها آنان پیروی میکنند، یعنی از آنها داخل بلوک بندیهای نظامی غرب هستند. * خطاست اگر تصور شود که این کشورها سرنوشت خود را برای اید به امریالیسم وابسته گرد و در برابر تبعیت سازگار شده اند. * واقعیت احراز استقلال سیاسی از طرف ملل این کشورها نیروهای آزاد بیختر پرتو را بحرکت در آورده است که سرانجام موجبات لازم را بر تعقیب سیاست خارجی واقعا مستقل فراهم خواهند کرد. *

گرایش عمومی بیختر، با توجهی بیختر از پیوسته سیاست خارجی برخی از کشورهای امریکای لاتین نیز دارد. * نمایان میشود. * در این مورد باید خاطر نشان کرد که سیاست عدم تعهد، که در نتیجه مبارزه طولانی کشورهای آسیا و افریقا در راه آزادی ملی بوجود آمده، هیچوجه انحصار این کشورها نیست. * عدم شرکت در گروه بندیهای نظامی تجار و روسازمان و مبارزه در راه صلح هدف سیاست خارجی تمام کشورهای است که میخواهند از قید وابستگی امریالیستی خلاص شوند. * موضع مستقلی را در عرصه بین المللی اتخاذ کنند. * گمشده بدی پیوسته سیاست بیختر در برخی از کشورهای امریکای لاتین نظیر برزیل و مکزیک متناحد بدی

در بلوی واکواد مشاهده میشود . برخی از کشورهای امریکای لاتین در یکسلسله آزمایشات مربوط به بارزه در راه صلح و از جمله در مورد مسئله منع آزمایشهای اتمی یا کشورهای بیطرف همد استانند .

*

کشورهای غیر متعهد شرکت کنندگان فعال در سیاست جهانی هستند و در محنه بین العلیس بطور عینی رو به گرفته نقش نیروی انقلابی و ضد امپریالیستی را ایفا میکنند . آنها با تفاق کشورهای سوسیالیستی منطقه پهناور صلح را تشکیل میدهند که دائما توسعه بیشتری می پذیرد و در برابر سیاست تدارک جنگ جدید - مقاومت جدی از خود نشان میدهد . برای کمونیستهای همکشورها عالمی که برای ارزیابی سیاست کشورهای غیر متعهد جنبه قاطع دارد شرکت آنها در جنبه نیرومند مبارزان راه صلح است ، جنبه ای که قادر است در همین دورانها جنگ جهانی را از صفحه زندگی جامعه براندازد .

*

*

*

در بیان شماره

گوترهیدن و آلفرد گوزنیک

(کارکنان انستیتوی علوم اجتماعی وابسته به کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان)

دیالکتیک در سیاست

ژنرال آ. نفسکی
مفسر نظامی

تکنیک نظامی مدرن و مسائل استراتژی

تبادل نظر

سیستم جهانی سوسیالیسم و جنبش
آزادبخش ملی

موت و و گو او کویه
نویسنده نبحریه
نیجریه بیدار میشود

ب.ب.ب.
يك عمل توجیه ناپذیر

نورمان فرید (روزنامه نگار کانادائی)
و کلداسترلینگ (روزنامه نگار دانمارکی)

اندیشه هائی دربارهٔ تبلیغات

میخائیل کرمنف

کشورهای غیر متعهد
و سیاست جهانی